

اختلافات درونی
هیئت حاکمه
رابطه میان توده‌ها و ما

کمیته انجمن فداییان ۱۰ آبان ۱۳۶۰ با درج - سخنرانی آیت الله جنتی با عنوان برجسته ۷ سوال مهم آیت الله جنتی از انجمن فداییان تحت عنوان "آغاز دور تازه‌ای از درگیریها و اختلافات درونی هیئت حاکمه، بروز شکافهای تازه و - مقدمات یک بحران جدید در میان بالاییها را اعلام کرد.

طرح اختلافات درونی هیئت حاکمه از سوی جنتی در نماز جمعه قم و سپس انعکاس برجسته آن در روزنامه دولتی کمیته انجمن فداییان "ملا" با معنای حساب شده و حاکی از یک درگیری شدید میان جناحهای هیئت حاکمه و تشدید این درگیریها در روزهای آینده است. بویژه که یک طرف این درگیریها انجمن فداییان است که تشکیل میدهد که نه یک گروه محدود بلکه یک شبکه بسیار وسیع و پیچیده از افرادیست که در همه ارگانها و نهاد های دولتی و غیردولتی، از جمله هیئت دولت، مجلس، حزب جمهوری اسلامی، سپاه، کمیته‌ها، انجمن های اسلامی، جمعیت ها و مراکز مذهبی از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردارند و برخی مراجع مذهبی نیز مستقیماً از آنها حمایت و پشتیبانی می کنند.

البته پس از آنکه درگیریها و اختلافات درونی سپاه که بخشی از آن مربوط به همین انجمن فداییان است و نیز کشمکشهای درونی مجلس بر سر انتخاب

بقیه در صفحه ۲

گرامی باد ۱۳ آبان روز خونین دانش آموز



درا هتزاز باد پرچم ظفر نمون
انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکتبر

تجربه جهانی امپریالیسم،
سرکوب
در مقابل رشد مبارزه طبقاتی

این روزها مصر درگیر و جگری نوینی از مبارزات طبقاتی است و از اینرو عجیب نیست اگر اخبار مصر در صدراخبار جهان قرار گیرد. نکته ای که در بدو امر عجیب می نماید تبلیغات رژیم ایران بر ضد حرکات سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم حاکم در مصر است! در ابتدا آنگونه بنظر میرسد که گوئی رژیم در جهت افشای ماهیت ضد خلقی رژیم حاکم در مصر میکوشد و از اینرو

بقیه در صفحه ۱۹

بحران اقتصادی و
دروغ پردازیهای حاکمیت

در حالیکه بحران عمومی سراپای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته و می رود که در صورت ادامه یافتن در آینده ای نه چندان دور طومار رنگین آنرا در هضم نوردد، همچون گذشته، بلندگوهای تبلیغاتی رژیم می کوشند با تکیه بر عوام مغربین مدعی فائق آمدن بر مشکلات حاصل از بحران شوند و جالب اینکه پس از دو سال ونیم فریب و نیرنگ در این خصوص سران رژیم کارانه آنجا گشاده اند که کلاً متکرو وجود بحران شده اند!

نمونه بارزی از اینگونه تلاشهای مذبحانه، سخنرانی نبوی سرپرست ستاد بسیج اقتصادی، ویانکی رئیس سازمان برنامها و بودجه است که در سمینار ستاد های بقیه در صفحه ۱۳

در این شماره

جنبش کارگری

جنبش جهانی

مردم چه میگویند؟

خلق به نیروی لایزالش اتکادارد

وضعیت کنونی و تاکتیکهای ما

در صفحه ۹

اختلافات درونی هیئت حاکمه را به میان توده‌ها ببریم

بقیه از صفحه ۱

نخست وزیر تا حدودی علنی شد، طبیعی بود که این درگیری در آینده‌ای نزدیک در سطحی گسترده‌تر و علنی‌تر خود را نشان دهد. اما تصور نمی‌رفت که این مسئله درست بهیچگاه می‌تواند به یک موضوعیت در رژیم زیرغلامستت سوال قرار گرفته‌است و خمینی با احساس این خطر پیش از همیشه بر اصلاح و وحدت جناحی‌های هیئت حاکم تأکید می‌کند.

اینچنین در درون حاکمیت و پس مانده‌های "خط امام" تضادهای تشدیدشده‌ای بین افسران میان چیزی جز جدت بحران سیاسی موجود و تا توانی و درماندگی هیئت حاکمه نیست. اما آنچه که در سخنرانی جنئی و سئوال‌ات او سوی طرح اختلافات جلب نظر می‌کند، شیوه طرح مسئله است بگونه‌ای که گویند، جناحی که او بنام فدائی آن سخن می‌گوید تا فته‌های جدا با فته حاکمیت هستند که اختلافات با جناح دیگر در اینست که چرا آنها یعنی انجمن ضدیها ثابت علیه "غرب" و "ضد انقلاب" است، مبارزه نمی‌کنند بلکه تنها علیه "شرق" و "ضد انقلاب" مبارزه می‌کنند و بالاخره نتیجه می‌گیرند که انجمن ضدیها ثابت مخالف انقلاب و ولایت فقیه بوده‌اند، و بطور ضمنی به همکاران آنها با رژیم شاه اشاره می‌کند، در حالیکه جناحی که او بنام فدائی آن سخن می‌گوید "ضد غرب" و "ضد انقلاب" است و در یک کلام ضدا مبرها نیست هستند. البته برای کسانیکه روندا اختلافات درونی هیئت حاکمه را از بیابان تا بیابان امروز دنبال کرده باشند و با شیوه‌های جناحی مختلف آن آشنا شده باشند، چیز تازه‌ای در سخنرانی جنئی، جزممان شیوه‌های عوامفربانه گذشته وجود ندارد، که بسک جناح انقلابی را در مقابل یک جناح ضدا انقلابی قرار می‌گیرد، جناح ضدا انقلابی کناره‌زده می‌شود، دوباره پس از گذشت مدتی جناح انقلابی و مترقی و ضدا مبرها لیستی به دو جناح انقلابی و ضدا انقلابی تقسیم می‌شود و این بازی تا با امروز همجنسان ادامه می‌آید. اما بیرون از اختلافات، تضاد و درگیری درونی هیئت حاکمه زمینه بسیار مناسبی برای آگاهی توده‌ها و آفشاء هر چه بیشتر ما هیئت ضدا انقلابی حاکمیت بوده‌است و امروز نیز همانند گذشته وظیفه هر نیروی انقلابیست که بکوشد این اختلافات را وسیعاً در میان توده‌ها منعکس کند، و ما هیئت این اختلافات را روشن کند، از این لحاظ اختلافات کنونی هیئت حاکمه سوی جنبه‌های دیگر آن میتوان اند برای آن بخش از توده‌های مردم که هنوز به حاکمیت اعتقاد دارند، افشاء گرانده و آگاهی بخش باشد. و ما هیئت ضدا انقلابی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و "خط امام" را عربان ترافشاکننده و در همان حال برده‌های زهره‌فربیکار را میان دروغین خلق نیز برآورد.

انجمن ضدیها ثابت که آقای جنئی در مورد پیشینه ضدا انقلابی و سایر ارتجاعی کنونی آنها سؤال می‌کند، جناحی از هیئت حاکمه اند که از پیشروان صدیق و باران واقعی "امام" و خط او میباشند. همانند آن برجسته‌ان آیت و اکنون پرورش و امثال او هستند و گفته

می‌شود که رجائی نیز با این انجمن وابسته بوده‌است. آنها نه تنها امروز بلکه در گذشته نیز یک جریان با بنیاد ارتجاعی و ضدا انقلابی را تشکیل میدادند که با پوشش مبارزه با باطنی گری، یک جریان اشرفی در درون جنبش تشکیل داده که وظیفه اصلی آنها بویژه همراهان در جنبش توده‌ای - مبارزه با جریانهای انقلابی و مترقی - بویژه کمونیسم بوده‌است.

آنها از جانب بخشهایی از سرمایه‌داران بویژه تجار بازر، مراجع مذهبی و شخصی خمینی مورد حمایت و تشدید بودند. از طریق مرتجع ترین علمای نجف حتی از رژیم شاه نیز کمکهای مالی در یافت می‌کردند. از این رو آنها نه یک جریان انقلابی بلکه کاملاً ضدا انقلابی بوده‌اند و جنئی در سخنرانی خود یک حقیقت را با زکومی‌کنند و فتنه می‌گوید قبل از انقلاب آنها مخالف انقلاب بودند، اما او فراموش کرده که بگوید این ضدا انقلابیون، این "مخالفین انقلاب" نزدیکترین متحد خمینی و حجتی و امثالهم بوده‌اند، هر چه بنحوی سرپوشیده از این اتحاد سخن می‌گوید، او فراموش کرده که بگوید وقتی که جنبش توده‌های مردم میهن ما اوج می‌گیرد، آنها نیز همانند بقیه‌ها با ودها و صداهای دیگر از سران کنونی حکومت یکبار، انقلابی می‌شوند و در بنا تحراف کشاندن جنبش و نشان دادن خمینی بر تخت رهبری چه خدمات شایانی به خمینی و حجتی و هم‌صند انقلابیون کرده‌اند، او فراموش کرده که بگوید حتی پس از قیام نیز انجمن ضدیها ثابت دست در دست جنئی و بی‌بختی‌ها بخش مهمی از وظیفه سنگین سازماندهی ضدا انقلاب و مبارزه علیه انقلاب را بر عهده گرفت. وظیفه سازماندهی بخشی از باندهای سیاه یا گروههای تروریستی موسوم به حزب اللہ را، انجمن ضدیها ثابت بر عهده داشته‌است. همین انجمن است که متکسر خط امام و سازماندهی و بسیج و باشان، در دادن و لوگردان، چاقو کشی و انواع و - اقسام لومین‌ها علیه انقلاب و سازمانهای انقلابیست. همین انجمن ضدیها ثابت، همین ضدا انقلابیون در سازماندهی سیاه با سازمان سرمایه، کمته‌ها، انجمن‌های اسلامی و غیره ذالک نقش بسیار فعالی داشته‌اند و همه این اقدامات با تأیید حمایت و همکاری جنئی‌ها صورت گرفت. پس در ما هیئت جناحی که جنئی به نام فدائی آن سخن می‌گوید و انجمن ضدیها ثابت است ذره‌ای تفاوت وجود ندارد، بهمان اندازه که انجمن ضدیها ثابت ضدا انقلابیست جنئی‌ها نیز ضدا انقلابی‌اند، و به راستی که امروز دیگر جنئی جنئی‌ها رنگ باخته‌است، آنها نمی‌توانند بازی‌های گذشته را از مردم در بیاورند. مردم میهن ما از روزی که رژیم ضدا انقلابی حاکم بر سرکار آمدند تجربه‌ها آموخته‌اند، آنها دیدند که در آغاز یک دولت کاملاً ضدا انقلابی را بنام دولت موقت انقلاب بر سرکار آوردند، اما پس از گذشت مدتی که ما هیئت ضدا انقلابی آن بر همگان روشن شد، تضادهای درونی هیئت حاکمه تشدید شد، جناحی از هیئت حاکمه که خود را انقلابی و "پیر و خط امام" معرفی می‌کردند پیدا شدند. اما مدتی

نگذشت که دوباره از درون این حاکمیت انقلابی او جناح انقلابی ایک جناح ضدا انقلابی سر بر می‌آورد، بنی صدر بنام فدائی لیبرال‌های ضدا انقلابی و خط دیگر بنام "خط امام" و "خط انقلاب" و بسیار از موزنده و جالب است که رهبری مبارزه علیه جناح ضدا انقلاب را اساساً "همین انجمن ضدیها" یعنی جنئی که امروز جنئی از پیشینه ضدا انقلابی آنها سخن می‌گوید، در دست داشتند، اما هنوز چند ماهی نگذشت که با زهم یک جناح ضدا انقلابی دیگر که همان جناح انقلابی گذشته است سر بر می‌آورد و جناح دیگر یعنی انقلابی می‌شود، و هر بار این درگیری‌ها همراه با افشاگری یک جناح علیه جناح دیگر است و این تجزیهات توده‌های مردم می‌آورد که کل این حاکمیت ضدا انقلابی بوده‌است.

جنئی به عیب میکوشد که خود و خمینی را - ضدا مبرها لیبرال و سرمایه‌داران و کشتارگر و هیئهای انقلابی نشان دهد، زیرا امروز بر هر کسی روشن است که خمینی جناحی است که در راه جلا دانی قرار دارد که بهترین فرزندان میهن ما را در دست، دست بجوخه‌ها عدا م سپردند، خمینی کسی است که جناحی را نه‌ترین فرمان قتل و عام را صادر کرد و بی شرمانه مردم را با سوس علیه یکدیگر فرافکند. او دشمن بشریت، دشمن ترقی، دشمن پیشرفت و انقلاب است، بنا بر این خط خمینی همان خط انجمن مزدور و ضدا انقلابی است به‌شاید است و اگر امروز جنئی‌ها می‌کوشد خود را تا فته جدا با فته حاکمیت قلمداد کنند دقیقاً "بخاطر بی حیثیتی کسل حاکمیت، تشدید تضادهای درونی آنها، است که نخست و بریرش تنها با راه حدود ۵۰ درصد نامیندگان مجلس تشدید می‌شود. اما این جناح که و خامت شرایط کنونی را درک کرده‌است، برای رهایی از بحران کنونی برخلاف جناحی که ارتجاعی دیگر اصلاح طلب شده‌است، از مبارزه با "غرب" و "ضدا انقلاب" است "سخن می‌گوید و خواهان انجام مبارزه‌ای رفرمیهای اقتصاد دیست، مجسم کشید که اکنون نماینده مترقی‌ترین جناح حاکمیت رفرنسجانی این سمبلسل ارتجاع است، روشن است که در اینجا بویژه در مقابل بله با رفرمیستهای خائن توده‌های اکثریتی و وظیفه‌ای سنگین بردوش نیروهای انقلابی قرار دارد. آنها باید بکوشند که از این اختلافات بی‌خوشا پسته‌ای استفاده کنند، با انگشت گذاری بر ما هیئت بنیاد ارتجاعی و ضدا انقلابی جناح وابسته به انجمن ضدیها ثابت، اما به هیئت ارتجاعی جناح دیگر و اهداف با صطلاح اصلاح طلبانه آنها را افشا کنند و مردم نشان دهند که اگر اینک جناحی از هیئت حاکمه اصلاح طلب شده‌است، نه از ما هیئت مترقی آن بلکه ناشی از شرایط بحران موجود و شیوه آنها برای رهایی از اوضاع و خامت با رکن نیست، باید در مقابل رفرمیست‌های خائن که خواهان اصلاحات جزئی و تشبیهات یک جناح حاکمیت هستند، بیش از پیش مردم را به سرنگونی کل رژیم و قیام، علیه آن دعوت کنیم.

پیروز باد مبارزات ضدا امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

اخبار کارگری

وزارت نفت: پخش تهران

رژیم جمهوری اسلامی و رشکستی خود را با فشار بر کارگران جبران می‌کند!

در جلسه یکشنبه در تاریخ ۶۰/۷/۳۰ و با حضور رؤسای امورتا مین، توزیع و فروش امور عملیات شهرستانها، امور عملیات تهران و حومه، نماینده ستاد امنیت مستقر در بخش و واحد همیه بندی تشکیل شد، تصمیم گرفته شد در جایگاههای بنزین، تهران و حومه مجازاتهای زیر در رابطه با کسری کوپن صورت گیرد.

۱- کسری کوپن تا سیم در هزار مجاز اعلام شد.

۲- کسری کوپن از نیم تا دودر هزار در ازاء هر لیتر کسری یکصد ریال جریمه

۳- کسری کوپن از دوهزار به بالاتر حویل به دادگستری محلی استاد امنیت در بخش نامها به یک بیدین منظور منتشر شده است، قید شده مسئول کمیو بنزین در جایگاههای شرکتی و اختصاصی تلمبه - چیهای جایگاهها میباشند.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی با رد دیگر چماق زور و قلدری خود را بر سر کارگران فرود آورده و میکوشد و رشکستی خود را با فشار بر کارگران جبران نماید اما این اقدام ضد کارگری مسئولین رژیم از جانب کارگران پخش تهران طی نامه ای خطاب به مدیریت و سرپرست سازمان پخش، خطوط لوله و مخازن پخش منتشر نموده در رابطه با جریمه کارگران و تهدید آنها به تحویل نمودن به دادگاههای محل پستاد امنیت می نویسد:

"لازم است به اطلاع برسانیم که اعمال هرگونه تنبیه و جریمه نسبت به کارگران اولاد در صورتیکه مخالف مصالح عمومی کارگران و مغایر با قوانین کار و امور اجتماعی و بدون صلاح دید سندیکا باشد بیج وجه مورد قبول و نیتوده و پیشاپیش مردود است" آنها در ادامه می افزاید "که هیچ گونه تصمیمی در این مورد بدون مشورت ما نمی یابند کارگران و سندیکا نباید گرفتار شود".

تولیدارو

کارگران بنی سلیبن تولیدارو - نماینده تحمیلی شورا را نپذیرفته و نماینده دیگری از قسمتشان انتخاب نمودند.

در تولیدارو نیز مانند اکثر کارخانجات انتخابات اجباری و قلابی برای شورا برگزار شد. از قسمت بنی سلیبن نماینده ای به شورا رفت که مورد تائید کارگران نمی باشد. کارگران این بخش که در انتخابات اجباری کارخانه وزیر فشار اخراج و دستگیری نتوانستند نماینده دلخواه شان را انتخاب نمایند، ب فکر راه چاره افتاد و ویرای رویارویی با شورای تحمیلی نماینده ای از قسمتشان انتخاب کرده اند. آنها نماینده شورای فرمایشی را برسمیت نشناخته و مساکشان را بیستما نماینده خود در میان می گذارند. البته این نماینده هنوز از جانب شورا برسمیت شناخته نشده است. کارگران بنی سلیبن ضمن تلاش برای فرستادن نماینده منتخب شان به شورا با پدید آمدن مداوم او در جهت تغییر شورای کنونی واردیکال نمودن آن کوشش کنند.

کارخانجات مهمانسازی

کارگران یکی از بخشهای آیین کارخانه برای انتخابات شورا چند نماینده معرفی نمودند، شورای فرمایشی

ام ۳ نفر را بدلیل "ملاحیبت" نداشتن حذف کرد. کارگران در اعتراض به این عمل شورا در انتخابات شرکت نکرده و اعلام نمودند که در صورت حذف آن افراد نماینده دیگری انتخاب نخواهند کرد. یکی از کارگران می گفت: "اگر سابقه بدی دارند ما هم بگوئیم و خراجشان کنید، اما اگر کارگران کارخانه هستند شما حق ندارید نمایندگان ما را حذف کنید" و بدینوسیله بهانه های اعضای شورا را که ادعا می کردند که ندیدها سابق بدی دارند رد نمودند. اعضای شورا که نتوانسته بودند کارگران را قانع کنند با لایحه تسلیم شدند و قرا رشد صلاحیبت کارخانه مجدداً ارزیابی شود.

کارگران یکی از قسمتهای این کارخانه که حدود ۲۰ نفر میباشند روز یکشنبه ۷/۱۹ در اعتراض به سردی هوای محیط کار دست از کار کشیدند. این کارگران که مدتها بود به مسئله فوق اعتراض داشتند و هیچگونه اقدامی از طرف مسئولین صورت نمیگرفت. با لایحه راه حل را در خواستن کار یافتند همکاران به قسمت دیگری رفته و اعلام کردند تا گرم شدن هوای کارگاه حاضرین را کردن در قسمت خود نیستند. طبق معصومول رؤسای به دست و پا افتادند. رئیس قسمت از کارکنان می خوا هدفقط ۲۰ دقیقه به او مهلت دهند، کارگران استناد می گفتند از این وعده ها زیاد شنیده ایم و حاضریم اما کار نیستیم. اما بالاخره در اثر فشار زیاد کارفرما اقدام سریع او در گرم کردن هوای قسمت، کار آغاز شد. کارگران با نگاههای پیروز مندانانه به یکدیگر گویی خود را برای مبارزات بعدی آما یاد می کردند.

پالایشگاه تهران

اخیراً "دادستانی" اعلام کرده چهار نفر از کارکنان زندانی پالایشگاه آزاد می شوند و از رئیس پالایشگاه خواسته است تا زور رود این افراد به پالایشگاه جلوتبری کنند. در رابطه با این مسئله روز جمعه ۷/۲۴ افراد سیاه جلوی در ورودی پالایشگاه کارتها را کنترل می کردند. کارگران از اخراج همکاران مبارزان ناراضی بودند و درگیریهایی لفظی متعددی بین کارگران و افراد سیاه پیش آمد.

حدود هفتاد اول مهر ماه مدیر پالایشگاه اعلام کرده بود که صبحانه خوردن کارگران باید قبل از ساعت ۷ تمام شود. کارکنان پالایشگاه تا روز همگی تا ساعت ۷/۵ مشغول صبحانه خوردن بودند و مدیر کنه یکبار چگی و مقامت کارگران را دیدند هیچگونه اعتراضی نکرد.

کفش بسلا

کارگران قسمت پرس با تهیه طوماری - خواهان برکناری سرپرست قسمتشان شدند. فرد مذکور که از اعضای انجمن اسلامی کارخانه فردی ضد کارگراست. شدیداً مورد تنفر کارگران می باشد. این طوما در اختیار شورای فرمایشی کارخانه قرار میگیرد که تاکنون هیچ پاسخی به آن نداده اند. کارگران کفش بلادرتجا رب روز مره اش را در خوا هندیافت شورا ای که تحریک شده بودند نماینده شورا ای که با کاندیداها و انتخابات قلابی بوجود آمده پی خواسته های آنان نخواهد رفت. تنها شورا ای که از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شده با شدت در است - مبارزات کارگران را برای رسیدن به خواسته های شان رهبری نماید.

گزارشی از ...

محاظت میشد. دانشجویان مترقی با - پرتاب تخم مرغ گندیده به طرف سقارت و مزدوران اش از جا ر خود را از آنها نشان دادند. این تظاهرات در مطبوعات و رادیو تلویزیون فرانسها انعکاس یافت. شب هنگام با زکشت ۶ تن از رفقای هواداران سازمان ۲۵ نفر از مزدوران حزب الهی که مجهز به چاقو و زنجیر بودند، در مترویی پاریس به آنها حمله کردند، که با برخورد شجاعانه رفقا، علیرغم کمی تعداد دشمنان پس از مدتی زد و خورد تمام می حزب الهی ها در حالیکه تعدادی از آنها زخمی شده بودند با بیفرا گذاشتند.

* شب ۳ اکتبر (۱۱ مهر) مدها تن از دانشجویان مترقی ایرانی در مقابل سینه بین المللی (که پس از درگیریهای چند ماهه اخیر بسته شده است) تجمع کرده و در خواست ورود به سینه را داشتند. - مزدوران حزب الملهی به همراه خائنین اکثریتی راست و توده ای نیز در داخل سینه اجتماع کرده و شدت از طرف پلیس فرانسها محظت میشدند. در همین حال - سبقت اینکه پلیس فرانسها با محظت از مزدوران مانع ورود دانشجویان مترقی به سینه می شدند، ۴۰ نفر از دانشجویان گروه ضربت کمیته هما هنگی دانشجویان مترقی ایرانی در پاریس (متشکل از هواداران سازمان ما و هواداران کلیه نیروهای انقلابی دیگر) در حالیکه بقیه دانشجویان مترقی به تظاهرات خود ادامه میدادند به طرف "کارنونا سلامی" مقرر ساعتی در زمانه مزدوران رژیم رفته و برای باز دوم در چند ماهه اخیر این مرکز توطئه را در هم شکستند. حزب الهی های مستقر در کارنونا در همان لحظه اول فرار را به قرا ترجیح دادند. ده ها کامیون - پلیس در کمتر از ۱۰ دقیقه فرار رسید که گروه ضربت عملیات ترانه پایان رسانده و از منطقه دور شده بودند. پلیس توانست تنها دوتن از دانشجویان را دستگیر کند.

مزدوران رژیم با مظلوم نمایی و گنجسی که از ضربات پی در پی بدان دچار شده بودند از همان شب در محل کارنونا دست به تخمین زدند و بلندگوهای رژیم در رادیو ایران با بوق و کرنا به دفاع از مظلومیت حیرخوا رانش پرداخت.

* در روز یکشنبه ۱۳ سپتامبر (۲۲ شهریور) روز جشن سالانه اومانیت (ارگان حزب کمونیست فرانسه) که پیش از یک میلیون نفر از نمایندگان آن بازدید می کنند، تمام احزاب کمونیست جهان و سازمان های آزادیبخش در آنجا غرقه در اندوختن شارات - شان را عرضه می کنند. از ایران طبق معمول به حزب توده و اخیراً "نوجاش" اکثریتی های راست غرقه داده بودند. هواداران سازمان ما و هواداران مجاهدین با پلاکاردهای افشاگرانه در رابطه با جنایات رژیم و نیز در رابطه با خائنین توده ای به محل غرقه های بین المللی رفته و به تظاهرات آرام - پرداختتند. که با استقبال زیاد مردم شرکت کننده در جشن اومانیت مواجه شد. همچنین چندین هزار نسخه از پیام سازمان به نیروهای انقلابی جهان به زبان فرانسه و به سایر زبانها پخش گردید. در او خروز، انتخابات حزب "رضیست" که از طریق توده ایها و اکثریتی های راست تحریک شده بودند نماینده دانشجویانی که با تظاهرات مسالمت آمیز خود - افتای کشتارها و دستگیریهای رژیم پرداخته بودند حمله کرده و پس از آنکه متوجه شدند انعکاس تبلیغی منفی برای حزب "کمونیست" خواهد داشت از دانشجویان خواستند که پلاکاردهای شان را جمع کنند.



دراخترازیاد پرچم نظرمون
انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکتبر

بقیه از صفحه ۱
در شب ۸ نوامبر ۱۹۱۷ کارگران، سربازان و ملوانان انقلابی، کاخ زمستانی را با هجومی دلورانه تسخیر کرده و اعضای حکومت موقت گرنسکی را با زدا شست کردند. یک روز قبل از آن حزب بلشویک در پیامی به مردم روسیه سرنگونی حکومت موقتی بورژوازی را اعلام و حاکمیت شوراهای را برقرار کرده بود.

با فرارسیدن هشتم نوامبر (۱۷ آبان) شصت و چهار سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر میگذرد.

انقلاب اکتبر تا کنون از دیدگاهها و نقطه نظرها و جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. چنان رید، نویسنده کمونیست که بقول کروپسکا یا همسر و همزمن لنین "معنای حوادث و مفهوم نبرد بزرگ پرولتاریای روس را دریافته بود در کتاب ده روزی که دنیا را تکان داد - درباره انقلاب اکتبر چنین مینویسد: "این واقعیتی است انکارناپذیر که انقلاب روسیه یکی از بزرگترین حوادث تاریخ بشری است و پیروزی بلشویسم پدیده ایست دارای اهمیت جهانی. همانگونه که مورخین در جستجوی کشف جزئیات تاریخ کمون پاريس هستند به همان نحو میخواهند تمام آنچه را که درباره او میگردانند، در پیروگرها گذشته و هر آنچه مردم را بدانگونه به هیجان ورده بدانند، بدانند. هر چه بدانند، چطور حرف میزدند و چگونه عمل میکردند، با این نقطه نظرات است که من بنگارش این کتاب مبادرت ورزیده ام... اما در بیان این حوادث آن روزهای - سترک کوشیده ما رویدادها را از دیدگاه و جویا واقع نگاری علاقمند به حقیقت بنگرم." او اودر علت پیروزی انقلاب و موفقیت بلشویکها چنین مینویسد: "بلشویکها قدرت حاکمه را نه بوسیله سازش با طبقات حاکمه و یا با رهبران سیاسی دیگر و نه از طریق آذنی یا دستگاه دولتی سابق قبضه کردند، آنها هم جنبه از راه اعمال قهر متشکل از یک داور سخته کوچک به این هدف نرسیدند. اگر توده های وسیع اهالی روسیه آما ده قیام نمی بودند آنها دجا رشکست میدادند، بیگانه سبب کامیابی عظیم بلشویکها در آنست که آنها روزه های بزرگ و در عین حال ساده و وسیعترین فشار اهالی را تحقق بخشیدند، آنها را دعوت کردند که هر آنچه را که نه است و بیسران سازند و ریشه کن کنند و سپس به آن بروی ویرانه های گذشته با بیهای جهان نوین را بنیاد دهند."

روزا لوکزا مورگ این کمونیست انقلابی دلیر جنبش کارگری آلمان انقلاب اکتبر را چنین ارزیابی میکند: "بگذارید سوسیالیستهای دولتی آلمان فریاد بزنند و حکومت بلشویکها را در روسیه تمویز نشانی از دیکتاتوری پرولتاریا بنا مند... همه ما تحت قانون تاریخ قرار دادیم و نظام اجتماعی سوسیالیستی

فقط بصورت بین المللی انجام پذیر است. بلشویکها نشان دادند که میتوانند همه کارهایی را که یک حزب اصیل انقلابی قادر است در حدود امکانات تاریخی مربوطه انجام دهد، اجرا کنند. قرار نبوده است که آنها معجزه نمایند. زیرا - انقلاب پرولتاریائی نمونه ویی عیب و نقص، آنهم در یک کشور ایزوله شده و فرسوده از جنگ جهانی که بوسیله امپریالیسم سرکوب گشته و مورد خدشات پرولتاریای جهانی (انترناسیونال دوم) قرار گرفته یک معجزه است... انقلاب روسیه با عظمت ترین واقعه جنگ جهانی اول - است. ظهور آن، افراطی بودن بی نظیر آن و تاثیراتش، آن بهترین مجازات برای جمله پردازیهای دروغین است که مقامات رسمی سوسیال دمکراسی آلمان به کمک آنها تنها جمائشال گرانسسه امپریالیسم آلمان را در ابتدا با نهایت جدیت از نظر تئوریک مستور ساختند. وسعت عظیمی که انقلاب در روسیه پیدا کرد، تاثیر عمیق آن که همه مناسبات طبقاتی را - درهم فروگرفت، کل مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در هم نوردید."

اما آنچه ما بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در نظر داریم به رفقا و خوانندگان عرضه کنیم برخوردی - بگونه دیگری با انقلاب اکتبر است. ما میخواهیم روی نقش پرولتاریای روس و حزب انقلابی، حزب بلشویک تکیه بیشتری کنیم.

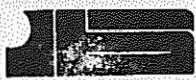
لنین با تحلیل امپریالیسم با بین نتیجه رسیده بود که روسیه گرچه کشور عقب مانده ای است لیکن بخشی از اقتصاد جهانی و جزئی از سیستم سرمایه داری جهانی است و از این رو بود که او روسیه را ضعیف ترین طبقه زنجیرا امپریالیسم میدانست. لنین با تحلیل از جنگ امپریالیستی (۱۹۱۴-۱۸) میگفت: جنگ باعث شکسته شدن زنجیر در ضعیف ترین حلقه ای یعنی روسیه میشود. لنین خود با رها پیش بینی کرده بود که جنگ امپریالیستی باعث میشود که قدرت سیاسی در کشور دهقانی روسیه بدست پرولتاریا بیفتد و به صراحت گفته بود که برای پرولتاریای روسیه بدست گرفتن قدرت سیاسی از غرب آسانتر است. لنین فرمول کلی انقلاب پرولتری همراه با جنگ دهقانی را سال ۱۹۰۵ همیشه در نظر داشت. مسیرویدادها این فرمول را هر چند با اشکال متنوع ولی با همان جوهر و با ثبات رساند. لنین در مقاله انترناسیونال سوم مقام آن در تاریخ "این سیر تاریخی را اینطور جمع بندی میکند: "من با رها گفته ام که شروع انقلاب کبیر پرولتاری برای روسها آسانتر بود تا برای کشورهای پیشرو ولی آدامه آن رساندن آن به پیروزی نهائی بمعنای تشکیل کامل جامعه سوسیالیستی برای آنان دشوارتر خواهد بود. علت آسانتر بودن شروع انقلاب برای ما نخست آنست که عقب ماندگی سیاسی فوق العاده سلطنت تزاری نسبت به اروپای قرن بیستم موجب شیرو مندی فوق العاده هجوم انقلابی توده ها شد. دوم آنکه عقب ماندگی روسیه انقلاب پرولتری را در پیروزی آسانتر از انقلاب دهقانی صد سالگی در امپریالیست ما در اکتبر سال ۱۹۱۷ قرار داد. اینجا شروع کردیم و اگر از اینجا شروع کرده بودیم با این آسانی پیروز نمیشدیم."

اما آنچه باعث پیروزی انقلاب اکتبر شد تنها این درک دیالکتیکی از سیستم رویدادها نبود. بلشویزم در سال ۱۹۰۳ که بعنوان یک جریان آن دیسه سیاسی و حزب

سیاسی بوجود آمده بود، در طی این مدت بخاطر ارتباط نزدیک با جنبش واقعا توده ای، واقعا "انقلابی" توانسته بود با جنبش انقلابی طبقه کارگر در آمیزد و در تندبیج های تاریخی پیشا پیش طبقه کارگر به پیش آید. انقلاب (۱۹۰۵-۷) خود شاهد این مدعا است. بلشویکها طی این دوره توانستند جنبش انقلابی طبقه کارگر رهبری کنند و در قهرمانی پرولتاریا در روزهای قیام سپهیم شوند. انقلاب (۷-۱۹۰۵) نقش تاریخی تعیین کننده ای در چرخش طبقه کارگر به سمت بلشویزم داشت. علاوه بر این علاوه بر این سمت تاریخی خود متکی بر درک تئوری انقلابی بود، وجود تشکیلات لنینی رزمنده ای که در سخت ترین شرایط توانسته بود ارتباط خود را با وسیعترین توده ها بصورت طبقه کارگر حفظ کند نیز تا ثیر تعیین کننده در پیروزی بلشویزم داشت. هر چند وجود تشکیلات منضبط انقلابی و تئوری انقلابی را نمیتوان از هم جدا کرد. لنین خود در جزوه بیماری کودکی چپ روی در این باره میگوید:

"قبل از هر چیزی این سوال پیش میاید که چه چیزی انضباط حزب انقلابی پرولتاریا را برپا نگاه میدارد؟ با چه چیزی این انضباط و ارسی میشود؟ وجه وسیله ای تقویت میگردد؟ اولاً - بوسیله آگاهی پیشا هنگ پرولتاری، وقاداری وی نسبت به انقلاب، با پیداری و جانفانی قهرمانی وی، ثانیاً - بدینوسیله که وی قادر است با وسیعترین توده زحمتکشان و در نوبت اول با توده پرولترو هم چنین با توده زحمتکشان غیر پرولتاریا ارتباط برقرار سازد، نزدیک گردد و تا درجه معینی حتی با آن در آمیزد. ثالثاً - بوسیله صحت رهبری سیاسی که بوسیله این پیشا هنگ عملی میگردد بوسیله صحت استراتژی و تاکتیک سیاسی وی بشرطی که وسیعترین توده ها خود با تجربه خویش به صحت آن یقین حاصل نمایند. بدون این شرایط عمل نمودن انضباط در یک حزب انقلابی که واقعا "شایستگی" حزب آن طبقه پیشروا داشته باشد که بتواند پیروزی را بر سرنگون سازد و تمام جامعه را اصلاح نماید محالست. آنچه موجب تسهیل ایجاد این شرایط میگردد تئوری انقلابی صحیح است."

این گفته های لنین خود روح روزهای قیام تا اکتبر است که چگونه بلشویزم توانست تاریخ ساز شود، تزه های آوریل لنین خود بیا نگر در یک یکی از این تندبیج های تاریخ است. لنین از همان ابتدا چرخش تاریخ را حس کرده بود و خود آگاهانه زمینه های ذهنی این چرخش را فراهم کرد. درستی تزه های آوریل را هر لحظه واقعیات تا ثید میکرد و با عث دگرگونی بنیادی شورا های کارگری شد که ازل انقلاب نیمه کاره فوریه پدیدار شده بود. شورا ها که حاکمیت نوین بود خود در تجربه روزانه به صحت تئوریهای لنین پی میبردند و در عرض چند ماه از قیام تا مارس یعنی بعد از کودتای گورنلیف شورا یی سن پترزبورگ و مسکو که بزرگترین شوراها و وزنه تعیین کننده ای در سبزه طبقه کارگر داشتند بطرف بلشویکها چرخیدند، از این به بعد اکتبر تا کارگران از بلشویکها پیروی میکردند. انتخابات مجلس موسس بعد از انقلاب اکتبر خود بیا نگر این مدعا است. در این انتخابات بلشویکها ۹ میلیون رای از مجموع ۳۶ میلیون رای آوردند. با دیدن نظر داشت که از بلشویکها عمدتا



گرامی باد ۱۳ آبان روز خونین دانش آموز

۱۳ آبان یادآور حماسه خونین دانش آموزان و نمایش زبونی ارتجاع است. سه سال پیش در چنین روزی ارتجاع زخم خورده که شاهدا و ج کبری و گسترش روز - افزون جنبش توده‌ای و اضحلال دستگاه - های نظامی و اداریش بود، با هجوم به تظاهرات مسالمت آمیز دانش آموزان در صحن دانشگاه تهران و بخاک و خون کشیدن ننی چند زبهرترین فرزندان خلق صفحه سرخ دیگری بر تاریخ مبارزات - خونین خلقمان افزود.

رژیم دست نشاند پهلوی که از اواخر سال ۵۶ شاهدیرت آتشکارسای توده‌های زحمتکش بود، جهت جلوگیری از سقوط حتمی خود به حیل‌های گوناگون متوسل شد. از یکسو، با بروی کار آوردن دولت مزدور شریف امامی و انجام پاره‌ای - اصلاحات عوام‌فریبانه نظیر انحلال اتاق اصناف، افزایش دستمزدها و... سعی در با نخراف کشاندن جنبش و به سبب از کشاندن برخی از رهبران سازشکار نظیر بزرگانها، سنجاییها، بختیارها،... را داشت. از سوی دیگر با اعلام حکومت نظامی و اعمال قهرضد انقلابی علیه خلق و کشتار وحشیانه مردم در هفده شهریور، به سرکوب جنبش پرداخت. اما هیچ یک از تلاشهای مذبحخانه رژیم موشرواقع نیفتاد و بسا با زدن مدارس و دانشگاهها، مبارزات توده‌ها اوج تازه‌ای یافت.

با آغاز پانزدهم، مدارس صحنه اعتراضات و تظاهرات درخشان دانش آموزان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شد. دانش آموزان کلاسهای دپوش خود را به سنگسری استوار بر ای مبارزه علیه وابستگی و استبداد بدل ساختند. روزی نبود که دانش آموزان به خیابانها تریزند و بسا مشت‌های گره کرده به مقابله با مزدوران رژیم بنیزد.

در کوجه و محله نیز دانش آموزان با سازماندهی کمیته‌ها و توزیع محلی، توطئه‌های رژیم را که با ایجاد کمیته‌های مصنوعی سعی در بزنانورد آوردن توده‌ها را داشت، نقش بر آب ساختند.

حضور روز افزون دانش آموزان در مبارزات توده‌ها و گسترش نقش آنان در اعتلا جنبش چنان رژیم را به وحشت انداخت که چاره کار را در سرکوب مبارزات دانش آموزان دید. در ۱۳ آبان، آخرین روز - مراسم "هفته همبستگی دانشگایان با مردم"، که از طرف دانشگایان مترقی جهت پیوند هر چه بیشتر با مبارزات توده‌ها برگزار شد، مزدوران و جلادان رژیم بدست رژیم پارتی مهربی بر روی دانش آموزان که به دانشگاه تهران روی آورده بودند، آتش گشودند و صحن دانشگاه را بار دیگر از خون مبارزان راه استقلال و آزادی رنگین ساختند. متعاقب آن، دانشگاه تهران شاهد عظیم‌ترین تظاهرات توده‌های بیخشم، مده از این جنایات رژیم ضد مردمی پهلوی بود. مردم آگاه دانش آموزان را بروی - دست حمل کرده و علیه رژیم شعار دادند.

اوج گیری خشم توده‌ها از کشتار وحشیانه ۱۳ آبان چنان آخرین پایه‌های لرزان رژیم را تکان داد که رژیم واریابان امپریالیستی‌اش را به عقب نشینی - واداشت. در پی حادثه ۱۳ آبان دولت شریف امامی سقوط کرد و امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا با روی کار آوردن دولت از هاری مزدورو اعزام ژنرال هویرز، زمینه خروج شاه - جلاد و روی کار آوردن ارگان سازش را فراهم ساختند.

حماسه ۱۳ آبان نشان داد که هیچ تدبیر و تمهیدی نمی‌تواند رژیم‌های ارتجاعی و ضد مردمی را از سقوط حتمی بزهاند. سرکوب خونین ۱۳ آبان بیش از آنکه به تثبیت رژیم دیکتاتوری و خون - آشامشاه بیجانجامد، زمینه قیام مسلحانه توده‌ها و سرنگونی رژیم شاه را در ۲۲ بهمن فراهم ساخت. براساس "آنان که یاد - می‌کارند، توفان درومی‌کنند".

دانش آموزان آگاه و مبارزان خلق قهرمان ایران!

امسال در شرایط سالگرد ۱۳ آبان را گرامی میداریم که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که بر اریکه قدرت تکیه زده است تنها چم گسترده‌ای علیه کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و یورش همه جا نبسته‌ای علیه آزادیها و حقوق دمکراتیک را آغاز کرده است. روزی نیست که صدها تن از مبارزان و انقلابیون دستگیر و درها تن از بهترین فرزندان خلق بدون محاکمه به جوخه‌های آتش سپرده شوند. روزی - نیست که شورا‌های کارگری در کارخانجات مورد تهاجم و با شان و قداره، بندگان حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته و بسیاری از کارگران فعال و پیشرو بجرم دفاع از منافع زحمتکشان روانه سبیل‌های شمشیر رژیم بشوند. هر ندای حق طلبانه‌ای و هر صدای اعتراض آمیزی به وحشیانه‌ترین وجه بیرگلو خفه میشود. خلق قهرمان کرد - مورد سبانه‌ترین تجا وزات قرار گرفته و خاکن‌های زحمتکشان کرد توسط پاسداران سرمایه بر سرشان ویران میشود.

در ادامه این سیاست فاشیستی است که رژیم امسال را سال "حاکمیت حزب الله" در مدار سربخوان سال حاکمیت قداره - بندگان اعلام کرده و بنا توطئه‌ای همه جانبه در جهت سرکوب مبارزات دانش آموزان تلاش می‌کند. بسیاری از دانش آموزان آگاه و مبارزان در امتحانات تجدید - با زداشت و برخی بدون محاکمه اعدام شده‌اند. از ثبت نام دانش آموزان بسیاری جلوگیری بعمل آمده و هرگونه فعالیت صنفی - سیاسی (بجز فعالیت اوباشان انجمن اسلامی) در مدار ممنوع اعلام شده است. بسیاری از معلمین مترقی و معتمد "پاکسازی" شده و سایر معلمین در خفقان آفرین شرایط به کار خود ادامه میدهند. مسئولین امورتربیتی و اعضای انجمنهای اسلامی بصورت جاسوسان رژیم عمل کرده و بر تمام شئون زندگی

دانش آموزان و معلمین حاکم شده‌اند. هرگونه حرکت مترقیانه یا اعتراض آمیز به وحشیانه‌ترین وجه سرکوب میشود. تمامی این تلاشهای مذبحخانه نشانگر عمق وحشت رژیم از نقش برجسته دانش آموزان در افضای سیاستهای ضد مردمی و در ارتقا آگاهی و مبارزه کارگران، زحمتکشان و سایر اقشار خلق است. رژیم که با گذشت زمان شاهد زدن دانش آموزان با یگانه توده‌ای و افزایش موج نافرمانی توده‌هاست، چاره کار را در سرکوب عریانی و فاشیستی یافته است. اما همانطور که سرکوبهای ارتجاعی شاه نتوانست مانع از سقوط رژیم ضد مردمی پهلوی و اوج گیری جنبش گردد، اینبار نیز نخواهد توانست رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را از سقوط حتمی بزهاند.

با توجه به این امر است که دانش آموزان باید با ایجاد تشکلهای مخفی در جهت تدارک سازماندهی مقابله، مقاومت و ایستادگی در برابر ارتجاع کوشش نمایند. باید در هر مدرسه "کمیته متحد - مقاومت" متشکل از آگاه‌ترین و انقلابی - ترین دانش آموزان، از نیروهای مسلح و دمکرات تشکیل داد. وظیفه این کمیته‌ها که با بدتاما "مخفی باشند، رهبری و سازماندهی کلیه فعالیتها صنفی - سیاسی در مدارس است. این کمیته‌ها، که نیروی محرکه مرکزی حرکات مبارزاتی دانش آموزان را تشکیل میدهند، باید بطور دمکراتیک و غیر سکتاریستی و حتی - الامکان با پایگاه وسیع سازمان یا بند و دور از هرگونه انحنا طلبی باشند. برنامهم عاجل این کمیته‌ها سازماندهی اعتراضات صنفی - سیاسی علیه سیاستهای رژیم در مدارس (نظیر سبانه‌ای اعتراضات دانش آموزان از خارج شده، افضای ماهیت مسئولین امورتربیتی و انجمنهای اسلامی و...)، افضا گریه‌های وسیع سیاسی علیه سیاستهای فاشیستی حاکمیت رساندن اخبار جنبش به کلیه دانش آموزان و سازماندهی فعالیتها تبلیغی (نظیر پخش اعلامیه، شعار نویسی و...) و در صورت امکان برقراری ارتباط با "کمیته‌های متحد مقاومت" جهت پیوند و هماهنگی مبارزات در داخل و خارج از مدارس می‌باشد. کمیته‌های مقاومت مدارس باید با توجه به شرایط خاص هر مدرسه و محله بهترین شیوه‌های بسیج دانش آموزان و اعتلا مبارزات آنها را با استفاده از همه‌جودهای ارائه شده در "مدارس چه باید کرد" کار ۱۳۲۷ بکار گیرند. دانش آموزان انقلابی!

در سالگرد حماسه خونین ۱۳ آبان، با گسترش مبارزات خود علیه رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی با شهدهای ۱۳ آبان را گرامی داشته و راه آنان را تا ابد و به خشم گرامی یادیدادشدهای بخون خفته خلق سرگ بر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پیروز و با مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

خلق به نیروی لایزالش اتکا دارد

جنگهای شوم دیکتاتورهای میهن، برقلات خون آلود که در هر سویه اش چوبه های دار برپاست و جوخه های اعیان میگردنغمه سر داده اند و در رثای کشتار خونین جلادان جمهوری اسلامی ترانه های مرگ میسرایند. رژیم دشمن خودتو می قلمباز شکست، تمام می صداها را در گلسو خفه کرد و میا رزین را بیخون کشید، توده ها را قتل عام کرده تا شاید بتوانند با تکیه بر سرنیزه های خود مدعی افزونتر کارگران را استعما رو خلقها را غارت کند. اما فریاد - ها در هر گوشه بلند است. خلق زنده است. انقلاب زنده است، نشریات، اعلامیه ها دست به دست میچرخند، شعارها هر چند بیسه بهای جان جوانان بردیوارها و در گوشه و کنار صدای آزادیخواهی را به گوش - میرسانند. انقلابیون رزمی حماسه آفرین را به پیش می برند و خلق شمشیرکین خود به ضد خلق را صیقل میدهد.

مزدوران رژیم اینک که با یکا رگیری تمام می تیرو و بر زمین تفرق نسبی سر نشا دهای داخلی خود به سرکوب و کشتار خلق دست یازیده اند و شمشیر عریان را بر کمر بسته اند اینگونه رجز میخوانند که گویا آزادیهای دمکراتیکی که خلق به بهای مبارزات خونین خود یکف آورده بود از هدا با و الطاف جلادان جمهوری اسلامی بوده است.

هاشمی رفسنجانی میگوید "تا دو ماه پیش زور هم نبود، اینقدر اینها پررو بودند و اینقدر آزاد بودند و اینقدر دستشان با زبده به هیچ چیز با بیند نبودند. به دخره یک کارتن نشریه ممنوعه که توی آن فحش به رهبر و مجلس و نما جمعه داده - می دهند دستش میگویند سرچها ر راه بفروش

کسی نمی آید جلوش را بگیرد، توی دانشگاه جمع می شوند که با پول این مردم درست شده و راه می افتند توی خیابانها شعار میدهند و کسی به آنها چیزی نمی گوید می خواهند تظا هرات بکنند میگویند - فرما شید! مجدیه . . . در خانه اسلحه دارد کسی نمی آید اسلحه اش را بگیرد . . . تنس اگر شوروریستها ارشاد شدند با بد سرسل به سومین وسیله اجرای قانون که دستان زور و ترس است شد" (جمهوری اسلامی - ۶۰/۷/۲۶) آری هاشمی و قیچا نسسه دستاوردهای انقلابی خلق را به پای مهر و محبت و لطف رژیم میزند. رژیم کسه در هر زمان تمام می سعی خود را جهت سرکوب توده ها و نا بودی دستاوردهای قیام بعمل آورد. مگر نه اینکه رژیم از همان ابتدای حاکمیت خود تمام می نیروی ممکن را جهت سرکوب خلق، جهت نا بودی آزادی ها و جهت اعمال اختناق بکار گرفت، مگر نه اینکه رژیم از همان ابتدا با سرور ایزراد و دیوتلویزیون حاکم کرد، با رها و با رها به مطبوعات یورش برد، شوراها را مورد هجوم و حشیا نه قرار داد. مگر نه اینکه رژیم از همان ابتدا با سزما ندهی با ندهای سیاه پرداخت به تظا هرات هجوم آورد، تحمضن ها را به گلوله بست و با چماق درهم شکست، معترضین را با دشته و قمع و قداره خاموش ساخت، مگر نه اینکه رژیم از همان ابتدا کوشید اعتمادات کارگری را سکنند، جلوی رشد و آگاهی کارگران را بگیرد، جلوی بخش و نشر نشریات مترقی و انقلابی را بهر صورت سدنا بد و مگر نه اینکه در این راه صد فدائی، مجاهد و انقلابی دیگر جان خود را از دست دادند. مگر رژیم از

همان ابتدا کمر به خفه کردن صدای دانشجویان نیست، مگر از همان ابتدا نقشه تسخیر و تعطیل دانشگاهها را در سر نهاد. مگر از همان ابتدا نمیخواست ستادها، دفاتر و مراکز گروههای انقلابی را از آنان بگیرد و آزادی بحث و جدل و آزادی مطبوعات و دیگر آزادیها را نابود سازد.

چرا رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا بر شما هیت ضد خلقی خود کمر به نا بودی تمام می آزادیها بست، اما در هر جا که آزادی پایدار مانده است و توده ها را فتنه در هر جا که نشریات منتشر شد، خبرها اشاعه یافت، عصایات و اعتراضات شکل گرفت تحمضن ها با موفقیت برقرار شد، تظا هرات تداوم یافت، در هر جا که انقلاب به پیش رفت این قدرت لایزال خلق بود که ضد انقلاب را عقب میراند، این نیروی شکل کارگران بود که کارخانه را در دست میگردنند و سرما به دارا نزا علی رغم حمایت پیدریخ رژیم به هیچ میننداشتند، این نیروی لایزال و خلق ترکمن بود که زمینداران را بیون ریخت و کشت شوری را علی رغم مخالفتها و کار شکنی های رژیم حاکم می زمینداران به پیش راند. این نیروی توده های آگاه خلق بود که راهیما کشتی عظیم اول ماه مه را برپا میداشت و این نیروی انقلاب بود که به آزادیها شکل داد و آنرا تداوم بخشید.

اما اینک هاشمی و دیگر سردمداران رژیم میگویند دستاوردهای قیام را چون عطیه ای ملوکانه جلوه گر نما بیند که از سوی "رهبر" به "امت" عطا شده است، عطیه ای که بر اثر ناسپاسی امت نیک نشناس از او باز ستانده میشود ولی با ردیگر قدرت خلق نیروی لایزال طبقه کارگر و رزمندگان جان برکف به این مزدوران نشان خواهند داد که آزادیهایی که توده ها طالب آنند بر قدرت شوراها و مسلح استوار است و قانونی که خلق بر آن تکیه میکنند قانونی است که خود آنرا برپا میسازد.

چهار پروهائی در کردستان شمالی علیه خلق گرد متحد شده اند

پس از انتشار مقاله ای پیرامون حملات اخیر رژیم به کردستان و افشاء رابطه رژیم با قیاده موقت مزدور امیرالایسم و چماق ارتجاع در منطقه، فتوودالها و سلطنت طلبان از یکطرف و فرمیستها از طرف دیگر، عده ای از رفقا و نیروهای سیاسی خواستار تشریح و اطلاعات بیشتر در این زمینه شدند که ما به شرح بیشتر این رابطه می پردازیم.

قسمت شمال کردستان از ما کوتا اشنویه بخش وسیعی از میهن ما است که از غرب با کشور ترکیه و عراق مرز مشترک دارد، در این قسمت فتوودالها و بزرگ هموارها حمایت دولت مرکزی، به تاخت و تاز مشغول بوده و هستند. حاکمیت جمهوری اسلامی در این منطقه همیشه ضعیف بوده است ولی پس از آنکه رژیم به کمک فتوودالها، قیادهایها، و فرمیستها یورش وسیعی به این منطقه آغاز کرد و سبب تضعیف موقعیت پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران شد، عنا صروجریانات ضد انقلاب مغلوب تقویت شدند. در این رابطه لازم است یادآوری کنیم که تیمسار هاشمی آریانا و حبیب الهی در مرزهای ایران

و ترکیه سه پایگاه دارند. آنها در شهر وان (مرز ترکیه و ایران) زریل (در ترکیه) و کور (مرز ترکیه و ایران) مستقر هستند و از طریق جهانگیرخان دره که یکی از فتوودالهای بزرگ می باشد با فتوودالهای این منطقه ارتباط دارند و به آنها اسلحه و پول کمک می کنند. جهانگیرخان دره - مدتی قبل طی مسافرتی به مصربا پسر شاه خاثن معدوم ملاقات کرد و پس از بازگشت عملاً نقش اصلی را در ارتباط با بختیار و سلطنت طلبان از یکطرف و از طرف دیگر با ارتش و فتوودالها در منطقه ایومیه بازی کرد. وی با فتوودالهای مزدوری - از قبیل حاجی سامی - هناره، ظا هرخان سکو، رشید بیگ جهانگیری، حاجی جعفر حاتمئی، امیرخان جهانگیری (فرزند رشید بیگ) که تمام سلطنت طلب و پالیگای طبیعی سلطنت طلبان هستند و هم آنها تنها با همکاران سارما مدیوقیاده موقت در یورش رژیم به کردستان شرکت داشتند. این عده به علت آشنائی به منطقه توانستند ارتفاعات منطقه ترگور و مرگور، سومای - برادوسته، دستبیل و اشنویه را اشغال نمایند.

حدود ۲۵۰ تنگچی از مزدوران - جهانگیرخان دره، ظا هرخان سکو و هناره مستقیماً زیر فرماندهی قیادهایها در این عملیات شرکت داشتند و در این رابطه ما ما ظا هرخان سکو از فرماندهان قیادهایها نقش مهمی داشت. همچنین این دارودسته علاوه بر مزدوری برای رژیم علیه خلق کرد، توسط جریانات سلطنت طلب خارج از کشور تغذیه مسادی میشوند و بطور مرتب مبالغ قابل توجهی "مارک" به آنها کمک میشود، اکنون بخوبی آشکار میشود که چارونجالیهای رژیم جمهوری اسلامی و روزنامه جمهوری اسلامی در مورد میا رزین فتوودالهای بزرگ چقدر میان تپه است و از همه جالب تر همکاران گروه ۷ نفری (منشعب از حزب دمکرات) توده هایها، و اکثریت راست با این دار و دسته می باشد. جناح راست اکثریت با بد پاسخ دهد بر طبق کدام تحلیل، آنها با این ارگستر هم نوا شده اند و طبق چه تحلیلی دشمن عمده خلق کرد و پیشمرگان می باشند که آنها علیه این دشمن عمده با ارتجاعی ترین نیروها متحد میشوند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



تاریخ مبارزه با استبداد و استبداد

حدود سه ماه پیش کودتای بوسلیه حزب سوسیالیست انقلابی گامی که مورد حمایت دولت شوروی است، صورت گرفت که پس از چند روز بعثت عدم پشتیبانی وسیع توده های شهری و دخالت نظامی دولت سنگال شکست خورد. هرچند نزدیک به سه ماه است که از این واقعه سپری شده و حادثه به فراموشی سپرده شده است ولی از آنجائی که تحلیل این رخداد تاریخی از نقطه نظر بررسی عملکرد سیاست و استراتژی جهانی اتحاد شوروی و همچنین از نظر کسب تجربه حاظر اهمیت است لذا با وجودیک تا اخیر دوسه ماهه به تجزیه و تحلیل آن می پردازیم:

در ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) ۱۹۸۱ حزب سوسیالیست انقلابی گامی (کشور کوچکی در آفریقای غربی) همراه ۵۰۰ ژاندارم دست به کودتای زد. بدینال آن کودتا، یک شورای ملی انقلاب تشکیل شد. رهبر کودتا ساسا مپا سانیا نگ اعلام داشت که کودتا از آن روانجام گرفته است که فساد و فتنه های قبیله گرایی، بی عدالتی اجتماعی، وضع بد تشدیه عمومی و... سراسر کشور را فرا گرفته است، شورای ملی مقاومت انقلاب اعلام داشت که قصد دارد کنترل اقتصاد را بدست گرفته و یک "اقتصاد کما مل مستقل" برپا دارد.

بدینال اعلام کودتا، قوای سنگال به بیانه قرار داد سال ۱۹۶۵ بین گامی و سنگال که هر یک از دو کشور را مجاز می شمرد که در صورت به مخاطره افتادن و مداخله نظامی به کمک یکدیگر بشتابند، اوارد - قلمروا رضی، گامی شدند. شورای ملی مقاومت علیه مبرخورداری از حمایت ژاندارم ها و بخشی از نیروهای مسلح و بوروکراسی و اقشاری از مردم و علی رغم تسلیم یکی از قبایل گامی به دلیل نداشتن پایگاه وسیع توده های شهری و ناتوانی در مقابل با یورش نیروهای سنگال مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست داد. ساسا مپا سانیا نگ همراه گروهی دیگر از رهبران کودتا مجبور شد برای حفظ جان خود گروهی از خانواده رئیس جمهور - (دیوید جاوارا) را که هنگام کودتا به

انگلستان سفر کرده بود، بگروگان بگیرد و سپس به کینه، بیبا شو قرار کنند. اکثر شرکت کنندگان کودتا دستگیر شدند و سرکوب شدید در گامی برقرار گردید. این دومین بار بود که قوای سنگال در ظرف یکسال و اندی وارد خاک گامی میشدند تا رژیم متحد خود را نجات دهند.

گامی یک کشور کوچکی است با یک ساحل ماقبل سرمایه داری که عمیقاً "به در آمد ناشی از صادرات بادا موتورسیم وابسته است. بدینال کاهش قیمت صادراتی بادا موتورسیم در بازار جهانی و رشد بحران فزاینده اقتصادی در انگلیس که گامی را شدیداً از نظر اقتصادی با این کشور وابسته است و همچنین کاهش درآمد های ناشی از تورسیم بحران شدیدی بوجود آمد. در سالهای اخیر یکبار در مزارع فزایش پیدا کرد و قیمت آلالهای ضروری بطور تصاعدی روبه افزایش گذاشت. وجود اختلافات ملی و قبیله ای بحران اقتصادی اجتماعی را شدت بخشید و زمینه را برای یک بحران همه جانبه فراهم آورد. در - اکتبر سال ۱۹۸۰ موج اعتصابات و مبارزات مردم گسترش یافت. رژیم جاوارا عاجز از سرکوب جنبش توده ای از قوای سنگال خواست تا به موجب قرارداد دوستی سال ۱۹۶۵ به کمک وی بشتابد. جنبش توده ای موقتاً "در هم شکسته شد. اما زمینه های بحران اقتصادی از میان نرفت و جوش و خروش جنبش توده ای از سر گرفته شد. و اکنون با شکست کودتای ژوئیه، موج - سرکوب و اختناق همه جا گسترده شده و آزادی بیان و نظاهرات بشدت محدود گردیده است. کودتا که اهداف مترقی و خلقی داشت نتوانست در مقابل ضد کودتا مقاومت کند، تنها موج اولیه حمله به بنجال - پایتخت گامی بوسیله وفاداران شوروی ملی مقاومت عقب رانده شد. اما تعرضات بعدی قوای سنگال و نیروهای وفادار به رئیس جمهور با ساسی شوروی مقاومت ملی را درهم کوبیدند. این امر بار دیگر نشان داد که کسب قدرت بسوهای بلاکسیستی و بدون بایگانه توده ای وسیع و ابتکار

توده ای، حتی بعرض پیروزی لحظه ای، تا پای ایدار نخواهد بود. کودتای نافرجام گامی نه تنها موجب رکود جنبش توده ای در این کشور - گشت، بلکه در منطقه هم واکنش های ناگواری پدید آورده است: رژیم تا زمانیکه یکی از کاندیداهای "راه - رشد غیر سرمایه داری" است کودتای گامی را محکوم کرده و عمل سنگال را - تا شید نمود. زویوس نیه ره رئیس جمهور تا زمانیکه عمل سنگال را موجب وحدت - کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا - آریایی کرده است. واکنش خنثی - موزا مبهی وزیمباوی حاضر اهمیت بسیار است و نشانه عدم تا شید کودتای گامی است. چین کودتای گامی را حاصل سیاست شوروی دانسته و عمل سنگال را تا شید میکند، حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی بهانه خوبی بدستش افتاد تا در رسانه های گروهی خود، با ستاند این واقع و خطرا نفوذ شوروی در آفریقا، حمله ارتجاعی خود را به آن گول توجیه کند. اما در این میان موضع گیری شوروی قابل تمعق است، که یک اقدام کودتا - گران را "قیام مردم گامی" نامید. جمله عمر جدید (نیوتایمز) ارگان وزارت - خارجه شوروی در شماره ۳۳ سال ۱۹۸۱ صفحه ۱۵ نوشت: "قوای سنگال وارد کشور شد تا قیام را خاموش کنند".

وقایع گامی نشان داد که تا چه حد آریایی آگاد مسین ها و استراتژی های شوروی در زمینه تناسب قوا، راه رشد غیر سرمایه داری و تاکتیکی نفوذ از بالا اشخافی است، با ایدای انقلاب توده - ها را با و رکرد آ نهم همراه پیغام سنگ و اتقا "انقلابی خلقی، تاکتیک نفوذ از بالا " کارائی خود را در مروسوما لسی و سودان و کشورهای آفریقای برای العین نشان داده و "کارائی" بیشترش را در - افغانستان، اتیوپی و... نشان خواهد داد. تاکتیک نفوذ در بالا، بعنوان عاملی فرعی، تنها زمانی مشر مشر است که بسو قوا نین متین مبارزه طبقاتی، به انقلاب توده ای و به فراهم بودن موقه بیت انقلابی بهای لازم داده شود و در خدمت انقلاب توده ای و از پائین قرار گیرد.

فرانسه

گزارشی از مبارزات دانشجویان انقلابی ایرانی در فرانسه

روز سه شنبه ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) تظاهراتی از طرف کمیته ضد امپریالیستی - ضد ارتجاع دانشجویان ایرانی در فرانسه (هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) در مقابل سفارت کوبا و سپس در مقابل سفارت ویتنام در پاریس برگزار گردید. در این تظاهرات - ضمن اعلام همبستگی با مبارزات و انقلاب خلقهای کوبا و ویتنام از آنها خواسته شده بود که چرا کثرت - شکنجه و دستگیریهات توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمیکنند. نما بینگان کمیته از طرف سفیر کوبا و ویتنام پذیرفته شدند. نما بینگان کمیته در این ملاقات ها ضمن اشاره پیام زمان جریکهای فدائی خلق ایران به نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست سراسر جهان

(کار ۱۲۰) و پیام سازمان مجاهدین خلقی ایران به دولت های مترقی جهان و نیو پیام کمیته ضد امپریالیستی - ضد ارتجاع دانشجویان ایرانی در فرانسه، به تشریح جنایات رژیم پر داخته و سپس قرار دادهای اسارت با ر اقتصاد و نظامی ایسرا - را با امپریالیسم تشریح نموده و علل ماسک ضد امپریالیستی رژیم را توضیح داده و خواهان موضع گیریهای صریح و سریع دولت های کوبا و ویتنام شدند. سفرای این دو کشور ضمن ابراز همدردی با مردم و انقلابیون ایران خاطر نشان ساختند که موضع گیریهای رسمی در مقابل رژیم ایران و جنایات آن در حوزه اختیار است و مسئولیت - ها ایشان نیست. ولی هر چه سریعتر گزارش این تظاهرات و کلیه اسناد - مدارکی را که کمیته ارائه داده است به دولت متبوع خویش گزارش خواهد کرد و نتیجه را هر چه زود تر به اطلاع کمیته خواهند رساند.

پروژه جمعه ۲ اکتبر (۱۰ مهر) روز -

انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری در ایران، صدها دانشجوی ایرانی که توسط کمیته هماهنگی دانشجویان مترقی - ایرانی در پاریس (مشکل از هواداران سازمان ما و هواداران همه نیروهای انقلابی دیگر) سازماندهی شده بودند، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس به تظاهرات پرداخته و با جمل پلاکاردها و دادن شعارهایی در فضای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، ما هبست این خیمه شب بازی را افشا کردند. -

تظاهرات بمدت ۸ ساعت از ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر با مددا داشت. این تظاهرات چندین بار مورد یورش پلیس فرانسه قرار گرفت و تعدادی از دانشجویان - مترقی زخمی شدند. در جلوسفارت نیز تعدادی از مزدوران حزب الهی همراه با خائنین اکثریتی راست و توده ای بر علیه نیروهای انقلابی و بر له رژیم - ارتجاعی شعار میدادند، سفارت و صنف مزدورانش بشدت از طرف پلیس فرانسه

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان

بقیه در صفحه ۳

دراشتن از یاد پرچم ظفر نمون...

اکتبر هم نمی توانست غالب آید .
۳- طبقه کارگر روسیه در انقلاب متفلسف
مهمی مانندها قین تهیدست که اکثریت
عمده بوده دهقانان را تشکیل میدادند
داشت . تجربه هشت ماهه انقلاب که میتوان
آنرا بدون تردید با آزمایش چندده ساله
رشد عادی مساوی شناخته برای توده های
زحمتکش دهقانین بیهوده نگذشت و آنها در
طرف اینصفت توانستند در عمل همسسه
احزابی را که در روسیه وجود داشت مورد
آزمایش قرار داده و اطمینان حاصل
نمایند که نه که آنها ، نه اسازها و نه
منشویکها برای خاطر دهقانان یا ملاکین
بطور جدی اقدام به نزاع و خونریزی
نخواهند کرد و در روسیه تنها یک حزب وجود
دارد که به ملاکین علاقه ای ندارد و برای
رفع احتیاجات دهقانین حاضر است ملاکین
را سرکوب نماید . و این حزب ، حزب
بلشویک است . این وضع پایه حقیقی
اتحاد پرولتاریا و دهقانان است .
گردد . وجود اتحاد طبقه کارگر با دهقانان
تهیدست روش دهقانان میان حال راهم
که مدت مدیدی در تردید بودند و تنها پیش
از قیام اکتبر با دهقانان تهیدست همراه
شده و چنانکه با بدوشا بدیشوی انقلاب رو
- آورگشته بودند ، تعیین نمود . لازم به
اشارت نیست که بدون چنین اتحادی
انقلاب اکتبر نمی توانست پیروز منسند
گردد (چیزی که کمون یا ریس وجود نداشت)
۴- براس طبقه کارگر حزبی مانند حزب
بلشویک که در پیکارهای سیاسی آزموده
شده بود و قرار داشت . فقط حزبی مانند
حزب بلشویک که برای هدایت ملت بسوی
هجوم قطعی بقدر کفایت دلاوری برای
برداشتن هرگونه سنگی که در سر راه بود
با اندازه کافی احتیاط کاراست ، تنها
یک چنین حزبی جنبشهای گوناگون
انقلابی مانند جنبش مشترک دمکراتیک
در راه صلح ، جنبش دمکراتیک دهقانین
برای تصرف زمینهای اربابی ، جنبش
آزادخواهی ملل ستمکش برای تسنای
حقوق ملی و جنبش سوسیالیستی پرولتاریا
برای سرنگون ساختن بورژوازی و برپا
کردن دیکتاتوری پرولتاریا را میتوانست
بیک سیل انقلابی مشترک با چنین مهارتی

بقیه از صفحه ۴
در شهرها که نفوذ طبقه کارگر با لاسود
بدست آمده است . بخصوص در دوشهر مسکو و
سن پترزبورگ آراء بلشویکها اختلاف
فاحشی با دیگر احزاب داشت و این خوبی
نشاندهنده این واقعیت است که
بلشویکها تنها بنده واقعی طبقه کارگر
بودند و اکثریت طبقه کارگر از سبب
انقلابی بلشویکها حمایت میکردند ، خلاصه
اینکه آزماها مرس به بعد این مشخص شده
بود که ضرورتاً "دیرباز و قدرت بدست
پرولتاریا خواهد افتاد و با لآخر هم در روز
۲۵ اکتبر بود که قیام با نقشه زایش تعیین
شده آغاز شد و در عرض مدت کوتاهی کمیته
نظامی سن پترزبورگ قدرت را بدست گرفت
و بورژوازی سرنگون شد و دومین حکومت
کارگری پیروز مند (پس از کمون پاریس)
در روسیه بنیان گذاشته شد .
رفیق استالین در باره نقش پرولتاریا
و حزب بلشویک در انقلاب اکتبر در جمعیندی
که در تاریخ حزب کمونیست (بلشویسک)
بعمل آورده چنین مینویسد :
"از جمله عللی که در روسیه چنین پیروزی
نسبتاً آسانی را برای انقلاب سوسیالیستی
تأمین کرد علل عمده زیرین را باید قید
نمود :
۱- انقلاب اکتبر در مقابل خود دشمنی مانند
بورژوازی روس داشت که نسبتاً "سست و سبک"
وضع سازمانی و در سیاست نیز آن آزموده
بود .
۲- براس انقلاب اکتبر طبقه کارگر
انقلابی مانند طبقه کارگر روسیه قرار
داشت که در جنگها پخته شده ، در مدت کمی
دو انقلاب را طی کرده و در آستانه سومین
انقلاب سمت پیشواشی ملت را در میسارزه
برای صلح و زمین ، در راه آزادی و سوسیالیسم
بدست آورده بود . اگر انقلاب ، پیشواشی
مانند طبقه کارگر روسیه که شایسته
اینگونه اطمینان مردم بود نمیداشت
اتحاد کارگران و دهقانان نیز صورت
نمی گرفت و بدون این اتحاد ، انقلاب

۱- انقلاب اکتبر در مقابل خود دشمنی مانند
بورژوازی روس داشت که نسبتاً "سست و سبک"
وضع سازمانی و در سیاست نیز آن آزموده
بود .
۲- براس انقلاب اکتبر طبقه کارگر
انقلابی مانند طبقه کارگر روسیه قرار
داشت که در جنگها پخته شده ، در مدت کمی
دو انقلاب را طی کرده و در آستانه سومین
انقلاب سمت پیشواشی ملت را در میسارزه
برای صلح و زمین ، در راه آزادی و سوسیالیسم
بدست آورده بود . اگر انقلاب ، پیشواشی
مانند طبقه کارگر روسیه که شایسته
اینگونه اطمینان مردم بود نمیداشت
اتحاد کارگران و دهقانان نیز صورت
نمی گرفت و بدون این اتحاد ، انقلاب

سوم ژوئن ۱۹۰۷ و آغاز ارتجاع استولینینی
یعنی ان یک نقطه عطف نام میبرد می نویسد :
"انحلال دوما دوم و کودتای سوم ژوئن
۱۹۰۷ نقطه عطفی در تاریخ انقلاب ما
بودند . آغاز نوعی از دوران خاص یا زیگزاگ
در تمام آن . ما مکرر در مورد اهمیت این
زیگزاگها از نقطه نظر رابطه ما و نیروهای
طبقه کارگری در روسیه و وظایف انقلاب
بورژواشی تکمیل نشده صحبت کرده ایم .
بیش از شش ماه از کودتای ارتجاعی
سوم ژوئن گذشته است و بی شک این ۶ ماه
بافت قابل ملاحظه و تضعیف تمام سازمانهای
انقلابی از جمله سوسیال دمکراتها مشخص
شده است . نوسان ، پراکندگی و از هم
پاشیدگی ، اینها ویژه گیهای عمومی این
۶ ماه بوده اند . براسی هم جز این
نمی توانست باشد . زیرا تشدید بینها بنت
ارتجاع و پیروزی موقتی آن که همراه با
تخفیف مبارزه طبقاتی مستقیم بود ، مقرر
بود که با یک بحران در احزاب انقلابی
همراه باشد (بسوی راه مستقیم)
اکنون در انتهای این بحث روشن
میشود که یک مارکسیست ، یک انقلابی
چگونه باید با مسئله انقلاب برخورد کند .
و چگونه باید دام که همه چشم اندازهای انقلابی
جنبش و اعتلا مجدد انقلاب از میان نرفته
است ، وظیفه هر انقلابیست که پیگیرانه علیه
افراد و نیروهای که دچار زلزله و نوسان
میگردند ، و آوای یاس سر میدهند ، مبارزه

کند ، وظیفه هر مارکسیست لنینیست انقلابی
است که این گفتار لنین را در پاسخ بسینه
لارین منشویک بیا ددا شده باشد .
"که مارکسیست اولین کسی است که راه
مبارزه انقلابی مستقیم را برمیگزیند ، به
نبرد برمیگزیند و توهمات نوسان و تردید
را که توسط انواع و اقسام مرز دین اجتماعی
و سیاسی پرورده می شود ، افشا میکند .
آخرین کسی است که راه مبارزه انقلابی
مستقیم را ترک میکند فقط هنگامی ترک
می کند ، که تمام امکانات از میان رفته
است و در راه ای امید به راه کوتاه تروجود
ندارد و مبتدای درخواست تدارک اعضا است
شده ای ، قیام و غیره آشکارا از میان رفته
است" (بحران منشویسم)
بهررو تمام بحث ما در مورد سر نوشت
انقلاب و وضعیت عمومی جامعه و شرایط
لحظه کنونی از این لحاظ درخور اهمیت
است که ما باید بدین اساس فوری ترین
وظیفه خود را تشخیص دهیم و تا کیتکها
را انتخاب کنیم . ما باید با گفتار عمیق
لنین را در نظر داشته باشیم که "بیک
مارکسیست باید استدالات خود را در مورد
تاکتیکها بر تحلیل مسیریست انقلاب
استوار سازد" (بحران منشویسم) از این
رو در ادامه این بحث به مسئله تاکتیکها
میپردازیم . در همان حال به سئوالاتی
که در این زمینه بویژه رفقای ما در شیراز
سیستان و بلوچستان ، شمال و برخی
دیگر مطرح کرده اند ، پاسخ میگوئیم

دیگر مطرح کرده اند ، پاسخ میگوئیم

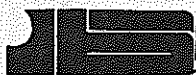
بقیه از صفحه ۱۴
سلطنتی" ما اولی غم ذکر خط نزولی انقلاب
علیرغم ارتجاعی که با کودتای سوم ژوئن
حاکم شده بود و علیرغم اینکه بکسری دعوت
نظری و عملی بقیام "علا" با عدم موفقیت
روبروشده بود و هیچگونه "پاسخ توده ای را
برنیا نگیخت" ما دام که تمام امکانات
انقلابی جنبش و چشم انداز یک اعتلا جدید
را برپا درفته نمی دید ، هنوز از شکست قطعی
انقلاب و از میان رفتن هرگونه اعتلا نوین
انقلاب سخن نمی گوید ، و با تحلیل وضعیت
سئوال می کند که "یا این بدان معناست
که این جرخش دوم چرخش نهایی است ؟ -
اینکه انقلاب بی پایان رسیده و دوران
"مشروطه خواهی" غا زگشته است ؟ اینک
هیچگونه زمینه ای برای انتظار یک اعتلا
جدید و تدارک برای آن وجود ندارد ؟ بلکه
خصلت جمهوری خواهی بر تمامه باید حذف
شود ؟" و پاس می دهد "هیچوجه ، فقط
لیبرالیهای پست نظیر کادتها ای ماکسه
حاضر آمده اند و بعضی را برای توجیه
نوکرمنشی و چا کرمنشی مورد استفاده
قرار دهند ، میتوانند چنین نتیجه گیریایی
بکنند" (علیه بکوت) تنها شش ماه
پس از شکست انقلاب ، هنگامیکه اوکا ملا
مطمئن میگردد که انقلاب با شکست روبرو
شده است ، و از انحلال دوما دوم ، کودتای

بقیه از صفحه ۱۴
سلطنتی" ما اولی غم ذکر خط نزولی انقلاب
علیرغم ارتجاعی که با کودتای سوم ژوئن
حاکم شده بود و علیرغم اینکه بکسری دعوت
نظری و عملی بقیام "علا" با عدم موفقیت
روبروشده بود و هیچگونه "پاسخ توده ای را
برنیا نگیخت" ما دام که تمام امکانات
انقلابی جنبش و چشم انداز یک اعتلا جدید
را برپا درفته نمی دید ، هنوز از شکست قطعی
انقلاب و از میان رفتن هرگونه اعتلا نوین
انقلاب سخن نمی گوید ، و با تحلیل وضعیت
سئوال می کند که "یا این بدان معناست
که این جرخش دوم چرخش نهایی است ؟ -
اینکه انقلاب بی پایان رسیده و دوران
"مشروطه خواهی" غا زگشته است ؟ اینک
هیچگونه زمینه ای برای انتظار یک اعتلا
جدید و تدارک برای آن وجود ندارد ؟ بلکه
خصلت جمهوری خواهی بر تمامه باید حذف
شود ؟" و پاس می دهد "هیچوجه ، فقط
لیبرالیهای پست نظیر کادتها ای ماکسه
حاضر آمده اند و بعضی را برای توجیه
نوکرمنشی و چا کرمنشی مورد استفاده
قرار دهند ، میتوانند چنین نتیجه گیریایی
بکنند" (علیه بکوت) تنها شش ماه
پس از شکست انقلاب ، هنگامیکه اوکا ملا
مطمئن میگردد که انقلاب با شکست روبرو
شده است ، و از انحلال دوما دوم ، کودتای

وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۱۴
سلطنتی" ما اولی غم ذکر خط نزولی انقلاب
علیرغم ارتجاعی که با کودتای سوم ژوئن
حاکم شده بود و علیرغم اینکه بکسری دعوت
نظری و عملی بقیام "علا" با عدم موفقیت
روبروشده بود و هیچگونه "پاسخ توده ای را
برنیا نگیخت" ما دام که تمام امکانات
انقلابی جنبش و چشم انداز یک اعتلا جدید
را برپا درفته نمی دید ، هنوز از شکست قطعی
انقلاب و از میان رفتن هرگونه اعتلا نوین
انقلاب سخن نمی گوید ، و با تحلیل وضعیت
سئوال می کند که "یا این بدان معناست
که این جرخش دوم چرخش نهایی است ؟ -
اینکه انقلاب بی پایان رسیده و دوران
"مشروطه خواهی" غا زگشته است ؟ اینک
هیچگونه زمینه ای برای انتظار یک اعتلا
جدید و تدارک برای آن وجود ندارد ؟ بلکه
خصلت جمهوری خواهی بر تمامه باید حذف
شود ؟" و پاس می دهد "هیچوجه ، فقط
لیبرالیهای پست نظیر کادتها ای ماکسه
حاضر آمده اند و بعضی را برای توجیه
نوکرمنشی و چا کرمنشی مورد استفاده
قرار دهند ، میتوانند چنین نتیجه گیریایی
بکنند" (علیه بکوت) تنها شش ماه
پس از شکست انقلاب ، هنگامیکه اوکا ملا
مطمئن میگردد که انقلاب با شکست روبرو
شده است ، و از انحلال دوما دوم ، کودتای

دیگر مطرح کرده اند ، پاسخ میگوئیم



وضعیت کنونی و تاکتیک های ما

"ما باین واقعیت می‌بایست که ما اولین کسانی بودیم که راه یک قیام را برگزیدیم و آخرین کسانی خواهیم بود که اگر این راه حقیقتاً ناممکن گردد، آنرا ترک خواهیم کرد. ما نمی‌پذیریم که در لحظه کنونی تمام امکانات و چشم اندازهای انقلابی از میان رفته است، ما آشکارا و بصراحت از یک قیام و تدارک سخت، بی‌گرو و طولانی برای آن دفاع می‌کنیم و هنگامیکه تشخیص دادیم که انقلاب به پایان رسیده است، ما اینرا آشکارا و بصراحت اعلام خواهیم کرد و سپس در آن نظر را عموماً خلق از بالاتر فرموده است. ما شعارهای انقلابی مستقیم (مثل مجلس مونسان) را حذف خواهیم کرد"

بحران منشویسم - لنینیسم

وضعیت لحظه کنونی جنبش که با فروکش محسوس در مبارزات آشکار توده‌ای مشخص می‌شود یکبار دیگر بررسی اوضاع عمومی جامعه را بویژه از راه و به طرح شعارها و تاکتیکهای کنونی ما بصورت یک امر جدی در دستور کار قرار می‌دهد. زیرا در آخرین تحلیل، این ارزیابی ما از اوضاع سیاسی جامعه و شرایط لحظه کنونی است که می‌تواند امکان می‌دهد در قبال تحولات جاری موضوعی که می‌توانیم و بطرح شعارها و اتخاذ تاکتیک‌های مناسب بپردازیم. فی‌المتل ارزیابی ما از شرایط کنونی جنبش و روند آتی تحولات اوضاع سیاسی، به‌امکان می‌دهد در این باره ما با دیدن طرح شعارها و تاکتیکهای مستقیم و وحدت با نیروهای انقلابی حول یک برنامه عمل مشخص بمنظور سرنگونی بلاواسطه حاکمیت پیردازیم یا نه؟ و اینکه فوری‌ترین وظیفه ما حداقل برای یک دوران چیست؟

اکنون در سطح جنبش علیرغم تبیینات مختلف لاف‌های آوازیایی در قبال تحولات موجود دیدگاه مدهاست. دیدگاهی که بر اساس ارزیابی اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه و نیز چشم اندازها و امکانات انقلابی جنبش شرایط سیاسی حاکم را که با یورش دیوانه‌وار ارتجاع و فروکش مبارزات آشکار توده‌ای مشخص می‌شود، یک افسست موقت و نه یک رکود سیاسی ارزیابی می‌کند. بر این اساس معتقد است که شکل انقلابی جنبش در کلیت آن از میان نرفته و چشم انداز اعتلا مجدداً جنبش توده‌ای و اشکال عالیتر مبارزه توده‌ای را در آینده‌ای نزدیک می‌بیند. بر این اساس طرح شعارهای انقلابی مستقیم، توافق بر سر یک برنامه عمل انقلابی مشخص، وحدت هر چه فوری‌تر با نیروهای انقلابی را برای سرنگونی حکومت ضروری میدانند. دیدگاهی دیگر که بویژه با تحولات اخیر زمینه مناسبی برای طرح نظرات خود یافته است از یک رکود سیاسی سخن می‌گوید. مدافعین این دیدگاه معتقدند که این رکود سیاسی از همان فردای قیام بعنوان یک نقطه عطف آغاز می‌گردد و وضعیت کنونی نیز ادامه همان رکود سیاسی است. این دیدگاه اگر در باره آنچه می‌گوید فکر کرده باشد، منطقاً باید بپذیرد که نه تنها بسیاری از تاکتیکها و شعارهای ما پس از قیام بهمن از جمله شعارها، خودمختاری، مصادره زمینها، شرکت در جنگ کردستان و ترکمن صحرا و...، نادرست بوده است بلکه در شرایط کنونی نیز بر اساس عمده بودن اشکال قانونی جنبش و خصلت تدا فمسی تاکتیکها باید از طرح هرگونه شعار انقلابی مستقیم، اتحاد نیروهای انقلابی بمنظور سرنگونی بلاواسطه حاکمیت و امثالهم

خودداری شود. ما تاکنون در نوشته‌های متعدد از جمله "ارزیابی انقلاب ایران و خودویژگی شرایط کنونی" و نیز "سازماندهی جوخه‌های رزمی و عملیات رزمی" و سرمقاله‌های متعدد در باره ارزیابی خود را از اوضاع سیاسی جامعه و وضعیت عمومی جنبش و وظایف فوری نیروهای انقلابی ارائه داده‌ایم. در اینجا لازم می‌آید نیم‌درهمان حال که یکبار دیگر به ارزیابی لحظه کنونی می‌پردازیم مسئله را ریشه‌ای‌تر و همه‌جانبه‌تر مورد بررسی قرار دهیم و به مسائلی که از جانب برخی گروهها و افراد از جمله راهکارگر در مورد سرنوشته انقلاب و تاکتیکهای مطرح شده است پاسخ بدهیم. زیرا امروز بیش از همیشه آشکار شده است که علیرغم وحدت نظریین ما و برخی نیروها نظیر راهکارگر بر سر ارزیابی وضعیت لحظه کنونی و چشم انداز جنبش توده‌ای، با این وجود اختلاف بر سر تاکتیکها به این مسئله بسیار مهم و اساسی بازمی‌گردد که آیا انقلاب ایران با قیام بهمن شکست قطعی انجام می‌دهد؟ یا رابطه معین میان شکست انقلاب و نیمه‌کاره بودن آن با شعارها و تاکتیکهای یک سازمان انقلابی وجود دارد؟ و آیا آخرین فوری‌ترین وظیفه ما پس از قیام تا امروز چه بوده است؟ و بر اساس یک چنین درکی بود که ما در مورد خلق شماره ۳ نوشتیم "ما بر مسئله پاسخ قطعی به سرنوشته انقلاب ایران تا کیست می‌کنیم. زیرا در ارزیابی ما به پیروزی شکست و نیمه‌کاره بودن انقلاب داده - میشود، وظایف، تاکتیکها و اشکال سازمانی ما بکلی متغیر خواهد بود. یا باید پذیرفت که انقلاب با شکست روبرو شده است، در آن صورت ما باید بپذیرفت که جنبش درجا رکود سیاسی شده، جنبش شکل انقلابی خود را از دست داده است و فعلاً از خیزش نوین انقلابی نمیتوان سخن بهمان آورد. بنا بر این الزاماً باید اشکال مبارزاتی را بر اساس زمانه‌ای بازگردید که منطبق بر شرایط رکود سیاسی جنبش است. یا اینکه بدین نتیجه برسیم که انقلاب بطور کلی در هم شکسته است؛ انقلاب در نیمه راه متوقف شده، جنبش علیرغم اتم موقتی در کلیت شکل انقلابی خود را حفظ کرده است و مسامه با بداشکال مبارزاتی و سازمانی و نیز شعارهای خود را با توجه به جنبش شرایطی برگزیدیم. این درسی است که ما از تمام انقلابات می‌آموزیم و بنحویت ما در آثار مارکس و لنین جمع‌بندی شده است "واکنش با دوپاسخ در قبال این سؤال روبرو هستیم.

برخی پاسخ می‌دهند که آری، با قیام بهمن ما انقلاب با شکست قطعی روبرو شد، رکود سیاسی بر جنبش حاکم گشت. جنبش شکل انقلابی خود را از دست داد و فعلاً نمیتوان از یک خیزش نوین انقلابی سخن بهمان آورد. بنا بر این طی این دوران تاکتیکهای ما که منطبق با یک دوران انقلابی و عدم شکست قطعی انقلاب اتخاذ شده‌اند درست و انحرافی بوده است و مسامه می‌بایستی منطبق با رکود سیاسی و شکست قانونی جنبش به طرح شعارها و اتخاذ تاکتیکها بپردازیم. اما راهکارگر که بخوبی آگاه است نمیتواند دوران پس از قیام را دوران رکود سیاسی نامید و از آن دفاع کرد یا سخ می‌دهد که خیر، این شکست انقلاب در بهمن ماه و طرح شعارها و تاکتیکهای ما و نیز شکل عمده جنبش هیچگونه رابطه‌ای

وجود ندارد، بنا بر این علیرغم شکست انقلاب در بهمن ماه "مردم به‌خانه‌ها نشان بازنگشتند و این آسانی به‌خانه‌ها نشان با زخمی‌گرداندن" (شکست کدام انقلاب) برای یافتن نمونه‌ها انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه متوسل شده است.

ما بمنظور نشان دادن این مسئله که راهکارگر چه درکی از انقلاب و رابطه آن با شکل عمده مبارزات توده‌ها ارائه می‌دهد و نیز نشان دادن تناقضاتی که خود را میرا از آن میداند و همچنین پاسخ به کسانیکه معتقدند پس از قیام رکود سیاسی بر جنبش حاکم شده است، خود را مجبور می‌بینیم که از الفاظ آغاز کنیم و ببینیم که آیا انقلاب یعنی چه؟ کدام مشخصه‌ها نشان می‌دهد که یک انقلاب آغاز شده است و یا آخرین کدام فاکتورهای عینی را میتوان در مورد شکست و یا توقف انقلاب در نیمه راه ارائه داد، تا پس از آن به بررسی وضعیت لحظه کنونی و تاکتیکها برسیم.

لنین در اشو "پیروزی کادتها و وظایف حزب کارگران در مقابل کلسی - پردها، بیهای رنگارنگ در مورد انقلاب، - بطور مشخص انقلاب را تعریف میکند و روشهای خاص تاریخ سازی خلق را بهنگام یک انقلاب مورد بررسی قرار میدهد. او می‌نویسد:

"انقلاب بمعنای دقیق و صریح کلمه دورانی در زندگی یک خلق است که خشم انباشته شده در حین قرنهای قساوت آورده‌ها نه در حروف بلک در عمل منفجر میشود و آنهم نه صرفاً در اعمال فردی بلکه در اعمال میلیونها انسان، خلق بیدار میشود - بر میخیزد تا خود را از چنگ آوارا مف‌ها را سازد. خلق تعداد بیشماری از سیرید و نواها را که در زندگی مردم روسیه حضور دارند از چنگ آوارا مف‌ها نجات می‌دهد. با عمال قهر علیه آوارا مف‌ها متوسل میشود و اقتدار خود را بر آوارا مف‌ها حاکم می‌گرداند. البته این ناهمن سازمانی و فوری‌تری که در قیاس ما بخاطر ضرورتی که در آنجا شده است صورت نمی‌گیرد. این مبارزه خلق علیه آوارا مف‌ها، مبارزه بمعنای دقیق و صریح کلمه، این اقدام خلق برای رهایی از چنگ آوارا مف‌ها در طول ماها و سالها "گردن‌ها" انقلابی" ادامه می‌یابد. این اقدام خلق در جهت رهایی از چنگ آوارا مف‌ها محتوای واقعی آن چیز است که انقلاب کیبر و سوسه نامدار دارد. اگر این اقدام جنبه روشهای آوارا مف‌ها در نظر گرفته شود، در اشکالی صورت می‌گیرد که ما هم اکنون بهنگام بحث درباره "گردن‌ها" انقلابی از آن صحبت کردیم یعنی خلق آزادی را یکم می‌ورد، آزادی ای که آوارا مف‌ها مانع از اعمال آن بودند، خلق یک اتوریت جدید و انقلابی می‌آفرینند. اعمال اتوریت بر آوارا مف‌ها برستمگران رژیم پلیسی که نه، خلق با عمال قهر علیه آوارا مف‌ها می‌پردازند تا اینکه سگهای وحشی تمام آوارا مف‌ها، دورنوسها، مین‌ها و غیره و ذلک را دور کند و خلق سلاحی آوارا مف‌ها را در دست بگیرد. این در همین نوشته خود روشهای خاص تاریخ سازی را در این دوران بشماریم زیرا مورد بررسی قرار می‌دهد: "در حین دورانهای "گردن‌ها" روشهای خاص تاریخ سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند که در دیگر دورانهای زندگی سیاسی از آنها - تعبیری نیست. مهمترین این روشها - اعبا رتنداز: ۱- "قبضه" آزادی سیاسی توسط خلق - اعمال آن بدون توجه به هرگونه حقوق و قوانین و بدون هرگونه محدودیت (آزادی تجمع، ولوی بکنه فقط ادردا نشگاهها باشد، آزادی مطبوعات

وضعیت کنونی و تاکتیک‌های ما

پنجم: از صفحه ۹
آزادی انجمن، سرگزاری، کنگره و غیره ()
۲- ایجاد ارگان‌های جدیداً توریته انقلابی
شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان،
کارگران راه آهن، دهقانان، توریته‌های
جدید شهری و روستائی و امثالهم، این
ارگان‌ها صرفاً "توسط بخشهای انقلابی"
خلق ایجاد شدند. آنها بدون توجه به هرگونه
قانون و مقرراتی و کلاً "بسیزهای انقلابی"
و بعنوان محصول نبوغ خاصه خلق، بعنوان
تجلی اقدام مستقل خلق که خود را از قبیل
قیود بلیسی که بر آنها کرده و با در حال رها
کردن بودند، تشکیل شد. بالاخره آنها علیرغم
خصلت ابتدائی، خود انگیخته، بی شکل،
و پراکنده شان از حیث ترکیب و فعالیت
براستی ارگان‌های اقتدار بودند. . . . ۳-
سومین "روش" فعالیت در دوران "گراباد -
انقلابی" توسل خلق به قهر علیه کس نیست
که بقهر علیه خلق متوسل می‌شدند ()
پیروزی کادتها و وظیفه حزب کارگران
بنظر نمی‌رسد که روشن تر و مشخص تر از
این بتوان در مورد انقلاب سخن گفت .
لنین بعنوان یک مارکسیست، انقلاب
را بطور مشخص مطرح می‌کند و به عنوان
یک فرمول مجرد، او به منظور بررسی این
مسئله که آیا اساساً "انقلابی در کار هست؟
و آیا میتوان صحبت از یک انقلاب کرد
به بررسی روشهای خاص تاریخی آن توده‌ها
در این دوران می‌پردازد. و از اینکه یک
قیام متواسته است با هدف خود جا می‌ماند
پوشودا و اینکه قدرت سیاسی همچنان در
دست تزار باقی است، و در روشهای سیاسی
رسمی و زیربنای اقتصادی جامعه تغییراتی
صورت نگرفته است، نتیجه نمی‌گیرد که
صحتی از انقلاب نمیتوان به میان آورد،
بلکه او معیارها و ملاکهای راراشبه
میدهد که دلیل بر آنست انقلابی صورت
گرفته و ادانها دارد. و در این زمینه به
معیار که مهمترین روشهای خاص این
دوران محسوب میشوند اشاره میکند.
"اولاً خلق آزادی سیاسی را بدون توجه
به هرگونه حقوق و قوانین و بدون هرگونه
محدودیت، یک می‌آورد.
ثانیاً - ارگان‌های اقتدار توده‌ای
نظیر شوراها، کمیته‌ها و دیگر ارگان‌های
اقتدار توده‌ای را با زهم "بدون توجه به
هرگونه قانون و مقررات و کلاً "بسیزهای
انقلابی" ایجاد میکنند.
ثالثاً "با عمل قهر توریته علیه
کسانی می‌پردازد که به قهر علیه خلق متوسل
می‌شوند.
با اندک تعمقی در همین گفتار لنین
میتوان پاسخ داد که آیا این شیوه‌های
خاص تاریخ سازی با قیام بهمین و اشتغال
قدرت به هیئت حاکمه جدید یا نیاست
یا با لغت تامدتی همچنان ادامه یافت.
انسان با دید چشمان خود را بر روی
واقعیات پس از ۲۲ بهمن بسته باشد
بتواند بتکرات تاریخی و مستقل
توده‌ها و شیوه‌های خاص تاریخ سازی آنها
را انکار کند.
آیا آزادیهای سیاسی بسیار گسترده‌ای
را که خلق با قیام خود بدست آورد آنرا
بدون توجه به هرگونه قانون و مقرراتی
تا مدت‌ها اعمال نمود بررسی پوشیده است؟
آیا اعمال توریته و راه زحمتکشان
ایران پس از قیام علیه وابستگان رژیم
شاهنشاهی قابل انکار است؟
آیا روزهائی که کارگران نه فرما می‌ی
بلکه با ابتکار خود پیاپی شورا تشکیل
میدادند، در مواردی کارخانه‌ها را کلاً
در اختیار خود می‌گیرند، سرمایه‌داران را

با زداشت می‌کردند و با تحت تعقیب قرار
می‌دادند، و با آنها را به کارخانه‌ها راه
نمی‌دادند و از طریق شوراها، خود عوامل
و مزدوران رژیم گذشته و سرمایه‌داران را
از کارخانه‌ها اخراج می‌کردند و فراموش
شدنی است؟
آیا تشکیل کمیته‌ها و شوراهای دهقانی
پس از قیام از اهمیت و وسعت بیشتتری
برخوردار است یا پیش از قیام؟
آیا اقدام مستقل دهقانان و ابتکار
آنها در مصا دره اموال زمینداران بزرگ
و توسل به زور علیه "اربابان" پس از قیام
بصورت یک پدیده متداول در میان دهکشان
پیش از قیام؟ و خلاصه آیا این اقدامات
جز تداوم شیوه‌های تاریخ سازی توده‌ها
پس از قیام چیز دیگریست؟
راه کارگر و کسانای نظیر آن درک -
نمی‌کنند که این فاکتورها و روشها بیان
چیزی جز تداوم انقلاب نیست. آنها -
میخواهند با انقلاب یعنی این پیچیده -
ترین مسئله با این فرمول ساده پاسخ
دهند که آیا انتقال قدرت به یک جناح
خدا انقلابی دیگر، انقلاب با شکست و پیروزی
شد. آنها می‌گویند که با توسل به کالی گوشی
و ارائه یک برداشت ساده گرایانه از
انقلاب، از برخورد مشخص با این مسئله مهم
ظرفه روند و بناچار با این تناقضی مهم
روبرو می‌شوند که توده‌ها نه در دوران انقلاب
بلکه در دوران شکست انقلاب دست
ابتکار از استقلال و تاریخی می‌برند. آنها
در دوران شکست انقلاب با انداز سالها
تجربه می‌آموزند و در دوران شکست انقلاب
تغییرات سریع و چرخشهای عظیم را تجربه
می‌کنند.
انتها و اساسی راه کارگر در اینست
که نمیتوان دنیا را می‌خواهند نتایج دوگانه
انقلاب را از یکدیگر تفکیک کند، تنها یک
جنبه واقعی را می‌بیند و بر جنبه دیگر آن
سپوش می‌گذارد. راه کارگر این واقعیست
و این جنبه نتایج انقلاب را می‌بیند که
با قیام بهمین ما قدرت بدست خدا انقلاب
افتاد ما جنبه دیگر نتایج انقلاب دست
- آوردهای انقلابی توده‌ها و ابتکار
مستقل و تاریخی توده‌ها را درک نمی‌کند.
او نمی‌بیند که در تمام دوران پس از قیام
تضاوت این دو جنبه نتایج انقلاب چگونه
در همه عرصه‌ها خود را بصورت کشاکش انقلاب
و ضد انقلاب بروز داده است. ما در تریز خلق،
مفصل به بررسی این دو جنبه نتایج انقلاب
پرداختیم و با ذکر یک نقل قول از انگلس
گفتیم: "اینکه در آلمان ۱۸۴۸ با قیام مردم
قدرت بلاواسطه بدست خلق نیافتاد، بلکه
بدست بورژوازی بزرگ افتاد و "خلق
اجازه داده بود که کابینه‌ای از بورژوازی
بزرگ تشکیل گردد" مانع از آن نبود که
انگلس نتایج دوگانه انقلاب را از یکدیگر
تفکیک کند. اما راه کارگر برای ما استدلال
می‌کند که چون خلق اجازه داده است حاکمه
کنونی قدرت را در دست گیرد، پس انقلاب
با شکست روبرو شد، همین پس، بیایید
برای یک لحظه تصور کنیم که قدرت همانگونه
که آقای بازگان ورفسناجی (که یکی
از سبیل سخنگف و دیگری قیام مسلحانه خلق
را کار آمریکا قلمداد نمود) و امثالهم
میخواهند بدین نحو مسامت آمیزه جناح ضد
انقلابی کنونی که از حمایت و اعتماد
اکثریت مردم برخوردار بود، منتقل شده بود
قیامی صورت نگرفته بود، خلق مسلح نشده
بود، به ارتش و بوروکراسی صدمات جدی -
و اردنیای مده بود. مناسبات سرمایه داری
همانند پس از قیام ضربه نخورده بود. خلق
گردی دگانها را خلع سلاح نکرده بود.
شوراهای دهقانان ترکمن صحرا پدید
نیامده بود، ستاد سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران، در قلب تهران تشکیل نشده

بود و بعینت از هم گسیختگی ارگان‌های
سرکوب، کارگران و دهقانان ما نمی‌تواند
سر راه اجرای برنامه و مقاصد انقلابی
آقای بازگان نشده بودند و در
آنصورت معلوم نیست که تفاوت این
وضعیت با آنچه که عملاً "بوقوع پیوست از
دیگاه راه کارگر در چیست؟ چون در هر دو
حالت قدرت به هیئت حاکمه جدیدی منتقل
شده که مردم نسبت بان متوجه بودند. از
دیدگاه راه کارگر هیچ تفاوتی نمی‌کنند،
زیرا در هر دو حالت آنچه که صرفاً "همینست
دارد انتقال قدرت از دست بورژوازی -
بزرگ بدست یک جناح خدا انقلابی دیگرست
و ناگفته روشن است که استدلالی بی پایه
- ترا از این نیست که در تعیین سر نوشت
انقلاب این هر دو حالت یکی پنداشته شود.
راه کارگر با این واقعیست توجه
ندارد که همین توده‌های متوجه برخلاف
میل و اراده حاکم جدید و دستورات آنها
بپادگانها، کلانتریها و تمام مراکز سرکوب
وستمحله کردند. همین توده‌های متوجه
به اعمال قهر علیه سرمایه‌داران و زمینداران
و ستمگران گذشته می‌پردازد. همین
توده‌های متوجه بدون توجه به هرگونه
قانون و مقررات زمینهای زمینداران -
را مصا دره کردند. کارخانه‌ها را تحت کنترل
خود درآوردند، شورا تشکیل دادند،
مزدوران و سرسزدگان رژیم گذشته را از
کارخانه‌ها، ادارات، مدارس و . . . اخراج
کردند. همین توده‌های متوجه همان
اجرای خود مختاری شدند و هنگامی که بقهر
علیه آنها متوسل می‌شوند، بقهر انقلابی
توسل می‌جویند. همین توده‌های متوجه
مدارس و دانشگاهها را تبدیل به مراکز
سیاسی می‌کنند. راه کارگر این واقعیات
را که به دوران پس از قیام مربوط میشود
نمی‌بیند و تنها با ذکر این مسئله که توده‌ها
بهاکمیت اعتماد داشتند گریبان خود را
خلاص می‌کند. او سواً اینکه شیوه‌های
تاریخ سازی این دوران را درک نمی‌کند
و اساساً "باز نمی‌پردازد بلکه فاکتها
عینی نیز که نشان دهنده شکست یا نیعمه‌کاره
بودن انقلاب است کاری ندارد. در حالیکه
لنین در ارزیابی سر نوشت انقلاب بزرگ
ملاکها و معیارهای "کاملاً عینی تکیه می‌کند
و بر مبنای طبقاتی، وضعیت اقتصادی
روحیه توده‌ها، موفقیت یا عدم موفقیت
اشکال کاملاً انقلابی جنبش تصریح دارد.
راه کارگر فقط یک ملاک آنها انتقال
قدرت به هیئت حاکمه جدید و توم توده‌ها
را در نظر می‌گیرد.
لنین در نوشته خود "انقلاب روسیه و
وظایف پرولتاریا" به ارزیابی کاتوتسکی
که هنوز در آن زمان مارکسیست بود از
انقلاب روسیه اشاره می‌کند و می‌گوید
(یعنی کاتوتسکی) فاکت‌های عینی را که
بتواند با این مسئله پاسخ دهد که آیا انقلاب
روسیه کاملاً "در هم شکسته است یا نه مطلقاً
می‌کند. کاتوتسکی چنانکه اساساً
تفاوت بین شکست پرولتاریا در پاریس
۱۸۴۸ و شکست پرولتاریا در مسکو ۱۹۰۵
می‌بیند.
اولاً "شکست پاریس شکست کل فرانس
بود. چیزی شبیه این در مورد مسکو نمیتوان
گفت. کارگران سن پترزبورگ، کیف،
اودسا، ورشو، لودز شکست نخورده‌اند. آنها
با مبارزه سخت و حشمتناک دوازده ماهه
خسته شده‌اند، اما روحیه آنها در هم ننگسته
است "ثانیاً "حتی یک اختلاف اساسی در
اینست که در فرانس ۱۸۴۸ دهقانان در کنار
ارتجاع قرار داشتند، در حالیکه در روسیه
۱۹۰۵ دهقانان در کنار انقلاب‌اند. قیام
- های دهقانی در حال پیشرفت است.
کل ارتش در امر در هم گسیختن این قیامها
بقیه در صفحه ۱۱



وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۱۰

شکست دارند... سرکوبهای نظامی دهقانان را برای مدتی می‌ترساند. اما فقط فقر آنها را تشدید می‌کند و شرایط آنها را اسف‌بارتر می‌کند... ثالثاً "اختلاف بسیار مهم در اینست که راه انقلاب ۱۸۴۸ با بحران و خطی ۱۸۴۷ هموار شد، با پایان یافتن بحران و دوران رکود اقتصادی، ارتجاع تقویت شد." اما حکومت کنونی ترور روسیه با پذیرش "به تشدید رکود اقتصادی منجر شود که چندین سال است باری بردوش کشور است" اثرات کامل خطی ۱۹۰۵ در چند ماه آینده احساس خواهد شد. سرکوب انقلاب بی‌انگیزگی داخلی در وسیع‌ترین مقیاس است. جنگ علیه کل خلق، هزینه‌های این جنگ کمتر از جنگ خارجی بلکه نیست و علاوه بر یک سرزمین خارجی بلکه سرزمین داخلی را ویران می‌کند، از هم پاشیدگی مالی قریب الوقوع است، - علاوه بر قراردادهای جدید تجاری بویژه این تهدید را در بر دارد که تا بیخ و خمیسه برای روسیه بسیار وارد و وحشی ممکن است - منجر به بحران اقتصادی جهانی گردد. بدین طریق هر چه حکومت ترور ارتجاعی طول بکشد وضعیت اقتصادی کشور اسف‌بارتر خواهد شد و وضع علیه رژیم مغرب‌نشینتر - رشخا خواهد کرد. کاتونیک می‌گوید: "یک چنین وضعی یک جنبش نیرومند را علی‌سبه تازار می‌سازد. چنانچه تا پذیرش مسأله زد و با لایحه در مورد تکته چهارم (یعنی لنین) ضمن نقل قولی از کاتونیک می‌بینی برای تکته "هم‌نبرد و روشن دربار ریس و نبردها می‌برد در مسکو نبردی را ریکا دی‌بوندند اما اولی یک فاجعه بود، نشان پایان تاکتیک‌های با ریکا دگه‌ن بود. دومی نشان آغاز - تاکتیک‌های جدید با ریکا داشت" می‌گوید ".... اوفاتحه قیام را با این علت که اولین کوشش با شکست روبرو شده نمی‌خواند و ندادی شکست سر نمی‌دهد، بلکه پیدا پیش و رشد شکل جدیدی را می‌ترساند، اما مطالعه می‌کند. اهمیت بی‌نظمی و نارضایتی را در درون ارتش... بررسی می‌کند" مسأله راه‌کار رگر که از بررسی همه دلایل و فاکتورهای شکست یا نینج‌کاره بودن انقلاب آید در آید. از میان این چهار رکن عمده تنها یکی را انتخاب می‌کنند و در مقاله "شکست کدام انقلاب" می‌نویسد: "در همان مقاله‌ای که رفقای فدایی بدان استناد می‌کنند لنین نقل قولی از کاتونیک می‌آورد و می‌گوید: "شکست می‌کنند که گرچه تشابه ظاهری میان شکست کارگران در مسکو در سال ۱۸۴۸ و وجود اردو لنسی چهار رتفاوت اساسی بین این دو مورد وجود دارد. یکی از این تفاوتها را چنین بیان می‌کند: ".... یک تفاوت حتمی اساسی تر این است که در قرائن ۱۸۴۸ دهقانان در کنار ارتجاع بودند، در حالی که در روسیه در ۱۹۰۵ دهقانان در کنار انقلاب بودند. شورشهای دهقانی در حال پیشرفت است." و این را دلیل بر شکست انقلاب ایران قلمداد می‌کند. در حالی که اگر بخواهیم قلمداد کنیم استدلالات لنین در مورد انقلاب ایران با ارزیابی نبرد رژیم‌ها در اینجا مهمترین عاملی که بر تمام فاکتورهای بعدی تا شریقا طغ گذاشت و نتایج دوگانه انقلاب را پدید آورد و منجر به کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در دوران پس از قیام گردید. پیروزی نسبی قیام مبین ماه بود (البته چنانچه قیام انقلاب را قاطعی نکنیم) نه بدان معنا که راه‌کار رگر در نظر دار دوروی کار آمدن هیئت حاکمه جدید را در نظر می‌گیرد، بلکه دست آوردهای

انقلابی بوده‌ها و پیروزیهای آنها مورد نظراست. در استدلال لنین و کاتونیک بحث بر سر این مسئله است که آیا شکست قیام مسکوها نند شکست بی‌ولتا ریبای پاریس است یا نه؟ در حالی که در ایران مسئله بنحود دیگر مطرح میشود. در اینجا قیام مبین ماه توسط ضد انقلاب در هم شکست بلکه علیرغم خواست ضد انقلاب - پیروزیهای نوینی را برای خلق با رمان آورد. با این قیام مسلحانه رژیم سلطنتی بطور قطع درهم شکست، بورژوازی بزرگ از آریکه قدرت بزرگش کشته شد و مهمتر از همه توده‌ها مسلح شدند و ضربات جدی به ارگان - های ستم سرکوب رژیم وارد آمد. با قیام مسلحانه خلق ارتش و پلیس بطور جدی ضربه خورد، با نیروی توده‌ها در رهبری زندانها گشوده شد. با قیام مبین سرشتمام امورا زدست ضد انقلاب و امکان انتسفال مسالمت آمیز قدرت و دست نخوردن ارگانها و نفاذهای رژیم گذشته از میان رفت، اعتشاش و نابسامانی در اردوی ضد انقلاب گسترش یافت. توده‌ها قدرت لایزال خود را بینه احساس کردند و ابتکار عمل را در دست گرفتند. قیام نه با عت تشویف روحیه انقلابی توده‌ها بلکه با عت تقویت این روحیه شد. اثرات قیام و نتایجی را که بسیار واردت بدان حد در خورا اهمیت است که نماندگان بورژوازی را به هذیان گوئی واداشت. هاشمی فرسناچی که هفت روز نتوانسته است خود را از "شر" نتایج قیام رها سازد آنرا کار آمریکا قلمداد می‌کند و با زرگان لیبیرال که در برابر قیام مردم موج خروشان مبارزات آنها ما شده بود از اینک بجای با ران سیل آمدن له می‌کند اما راه‌کار رگر که مدعی است از موضع پرولتاریا حرکت می‌کند، تنها در قیام مبین را این را می‌بیند که توده‌ها ضد انقلابی دیگر را بر سر تخت نشاندند و تنها نتیجه قیام، شکست قطعی انقلاب بود. در مورد نکته دوم که اینهمه مورد علاقه راه‌کار رگر است و با اعتقاد دنا آگا‌ها توده‌ها نسبت به حاکمیت اشاره می‌کند، ما پیش از این صحبت کردیم و نشان دادیم که علیرغم توهما اکثریت توده‌ها نسبت به حاکمیت قیام و نتایج ناشی از آن از جمله مسلح شدن خلق با عت شکست مردم نه تنها ابتکار عمل انقلابی را از دست ندهند، بلکه تشدید کنند. این کار ملا صحیح است که توده‌ها نمی‌خواهند رژیم جمهوری اسلامی را سرگون کنند، اما این بدان معنا نبود که توده‌ها بخانه‌های خود بازگشته و ابتکار انقلابی را به حاکمیت تفویض کنند. خیرا خود توده‌ها در کارخانه‌ها، مزارع، دانشگاهها، مدارس و کوچ و خیا با ابتکار عمل را در دست داشتند. توده‌ها از یک تصور منکرند که این حاکمیت از منافع آنها دفاع خواهد کرد و از سوی دیگر خود در پی اجرای خواسته‌های عملی و ابتکار انقلابی بودند و حتی در مواردی که نیروهای مسلح رژیم را در برابر خود اجرای خواسته‌ها نشان می‌دیدند، برای حفظ دست آوردهای انقلاب و تدویم آن به دست خود اقدام می‌کنند. این خواسته‌های عملی و ابتکار و تدویم آن به قهر مسلحانه علیه رژیم متوسل شدند. راه - کار رگر تصور می‌کند که با قیام همه چیز با این گرفت و توده‌ها هبا نند بر سر خود را بر سر افکندند و منتظر ما نندند تا جویا تا آنها را هدایت کنند. آیا بهتر این نبود که راه‌کار رگر که اینهمه با انقلاب فوری علاقه نشان می‌دهد یک در ساس عملی از این انقلاب می‌موخت و بر اساس توهما و اعتقاد دنا آگاهانه توده‌ها به حاکمیت جدید حکم شکست قطعی انقلاب ایران را ما در نمی‌کرد. راه‌کار رگر خوب میداند که در انقلاب فوری شوراها

تحت نفوذ و رهبری منشویکها قرار داشتند. و اکثریت توده‌های مردم نسبت بحکومت موقت، اعتقاد نا آگا‌ها نه داشتند و لنین علیرغم اینکه در همان نوشته‌های اولیه خود پس از انقلاب فوری گفت که این حکومت ضد انقلابیست و باید از سؤنخون کرد اما نه در لحظه کنونی، بخاطر اعتقاد آگا‌ها نه توده‌ها و از اینکه توده‌ها نا آگا‌ها نه به حاکمیت ضد انقلابی اعتقاد داشته و از اینکه شوراها تحت نفوذ و رهبری اس رها و منشویکها قرار داشتند، الا قلا تا مقطعی که مورد تا شیدا را کارگر هست، از شکست انقلاب، سخن بمان نیاورد بلکه با بتکار انقلابی توده‌ها نظر داشت، دست آوردهای انقلاب را در نظر می‌گرفت. اما فاکت دیگری که راه‌کار رگر در ارزیابی انقلاب ایران با آن اشکال نمی‌کند، مسئله بحران اقتصادی و شدت بی سابقه تضادهای اجتماعی است. پس از قیام مبین نه تنها بحران اقتصادی و تضادهای طبقاتی فروکش نکردند، تنها از فرو بردختی مردم کاسته نشد، بلکه بالعکس این بحران مداوم ژرف تر و گسترده تر شد و یکی از دلایل این امر نیز همانا مبارزات آشکار مردم و تشدید مبارزه و آنتاگونیسمهای طبقاتی پس از قیام است. ضربات که در مبارزات مبارزات بی‌امان توده‌ها به مناسبات سرمایه داری وارد آمد و مداوم مبارزاتی سیستم سرمایه داری را بتوقیق انداخت، بر هیچکس پوشیده نیست. بودریک کلام، پیدایش یک رونق اقتصادی جدید نشوونست حیات بخش ارتجاع حاکم گردد. و با لایحه قیام مبین ماه پائینی بر مبارزات آشکارا انقلابی و حتی مسلحانه توده‌ها نبود، نه تنها مبارزه آشکارا انقلابی توده‌ها فروکش نکرد بلکه هنوز چند روزی از قیام نگذشته است که ما بتدریج شاهد بروز دیگریمهای مسلحانه در اشکال مختلف و در سطوح متعدد در کردستان، خوزستان، گنبد، آستارا، انزلی... هستیم. حال اگر تضادهای درون هیئت حاکمه، نابسامانی در ارتش و بیورگراسی "خودمختاری حکومتی" یا بیبارت دیگر تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری... "با آنچه گفته شد ما فاه کنیم می‌بینیم که تمام شواهد موجود حاکی از آن است که نه تنها با قیام مبین ماه و انتسفال قدرت بدست هیئت حاکمه جدید انقلاب دچار شکست قطعی نشد و ضد انقلاب بطور کامل و قطعی مسلط نگردید، بلکه ضد انقلاب تا مقطعی پس از قیام ما با ساس در موضعی تدافعی قرار دارد. راه‌کار رگر می‌خواهد همه این دلایل و فاکتورهای انکار - تا پذیرا را دلیل بر عدم شکست قطعی انقلاب است آنرا رکن دوم چون نتوانسته است در این زمینه توفیقی بدست آورد، لاجرم در جستجوی یافتن نمونه‌ای در تاریخ برآمده است تا از آن طریق، بتواند برای توجیه برداشت انحرافی خود از مسئله انقلاب تبیین ثنوریک دست و پا کند. مسئله شکست انقلاب دمگرا تیک قوریه ۱۹۱۷ از دیدگاه راه‌کار رگر - راه‌کار رگر بمنظور اثبات این مسئله که میتوان از شکست انقلاب سخن گفت، اما دوران انقلابی حاکم پاشیده انقلاب فوری ۱۹۱۷ اشاره می‌کند و می‌نویسد "میدانیم که لنین معتقد بود که انقلاب فوری به هدفهای خود نرسیده و شکست خورده است برای اثبات این مسئله نقل قولی از "درسهای انقلاب" لنین را ذکر می‌کند که "هر کار رگر، سرباز و دهقان را نظر طبقی آگا‌ها بیستی کار ملا" روی درسهای انقلاب روسیه تعمق کند. - مخصوصا "حالا در پاریس زوئیه که روشن شده است که مرحله نخستین انقلاب ما شکست - خورده است" و چنین نتیجه گیری می‌کند بقیه در صفحه ۱۲

وضعیت کنونی ...

بقیه از صفحه ۱۱
 که "لنین انقلاب فوری را با این علت شکست خورده می‌دانده دیگر معتقد است (بعد از ماه ژوئیه) بدون یک انقلاب - دیگر نمیتوان به برنا مه‌حداقل سوسیال دمکراسی دست یافت. از این مقدمه میتوان نتیجه گرفت که لنین زدیدگاه طبقه کارگر خواسته‌های مرحله‌ای طبقه کارگر در باره پیروزی، تداوم با شکست انقلاب داری - می‌کند. او تا ژوئیه ۱۹۱۷ هنوز زشکست انقلاب سخن نمی‌گوید، زیرا هر چند برنا مه‌حداقل سوسیال دمکراسی اجرا نشده است ولی بعنایت اینکه شوراها هنوز کاملاً بسا دولت موقت هم جهت نیستند، هنوز اجرای برنا مه‌حداقل سوسیال دمکراسی را امکان پذیر میدانند، اما بعد از ژوئیه که حالت قدرت دوگانه از بین می‌رود، و معتقد است که مرحله اول انقلاب شکست خورده - اسو برای اجرای برنا مه‌حداقل (یعنی برنا مه‌ای که انقلاب فوری می‌بایست به اجرا درآورد، انقلاب دیگری ضرورت دارد" حال بنینتیم اصل قضیه چیست؟ یا آنطور که راه کارگزاران انقلاب می‌کند، لنین با این نتیجه میرسد که انقلاب دمکراتیک فوری به شکست انجام می‌دهد و از اینجا یک انقلاب دیگر یعنی انقلاب سوسیالیستی را ضروری میدانند. مسئله بشکل دیگری مطرح است؟ لنین پس از انقلاب فوری در آن خود "ارزیابی وضع فعلی" می‌نویسد: "در قیام از انقلاب فوری - مارس ۱۹۱۷ قدرت - دولتی در روسیه در دست یک طبقه کهنه یعنی اشرافیت زمیندار فئودال بود که نیکی رومانوف را رهبری میکرد. بعد از انقلاب قدرت در دست طبقه دیگری است یک طبقه جدید، یعنی بورژوازی. انتقال قدرت نشانه از یک طبقه به طبقه دیگر اولین نشانه‌های سوسیالیستی یک انقلاب است. هم‌معنای دقیقاً علمی کلمه - وهم‌معنای عملی سیاسی آن، انقلاب - بورژوازی یا انقلاب بورژوا - دمکراتیک در روسیه تشکیل شده است. راه کارگر در نوشته خود "شکست کدام انقلاب؟" این جمله لنین را نتیجه کاره، ناقص و دم‌بریده نقل می‌کند و انتهای پاراگراف را که لنین نتیجه می‌گیرد "انقلاب بورژوازی یا انقلاب بورژوا - دمکراتیک در روسیه تکمیل شده است" حذف می‌کند، تا بعداً بتواند شکست انقلاب دمکراتیک را نتیجه گیری کند. زیرا در آن واحد نمیتوان گفت یک انقلاب تکمیل شده است و در همان حال به شکست آن باور داشت. راه کارگر می‌نویسد: "آیا لنین معتقد بود تزار رژیم هنوز سرنگون نشده است؟ نه او معتقد بود، انقلاب فوری تا آنجا که رژیم تزاریستی را سرنگون کرده است (یعنی در معنای صرفاً سیاسی) یک انقلاب است. در اینکه در فوری ۱۹۱۷ در روسیه یک انقلاب بوقوع پیوست، هیچکس شکی نداشت. اما تمام بحث‌ها بر سر تکمیل انقلاب یا همان جمله ایست که رفقای راه کارگر آنرا از انتهای پاراگراف لنین حذف کردند. لنین حتی برای اینکه هیچگونه شبهه‌ای در این زمینه برای امثال راه کارگر پیشینیا بد بر روی کلمه تکمیل انقلاب - تاکید می‌کند و برخلاف ادعای راه کارگر مسئله صرفاً "در سرنگونی تزار رژیم نیست بلکه صرفاً در سرنگونی تزار رژیم خلاصه نمی‌شود، بلکه مسئله تکمیل انقلاب از زاویه دیکتاتور طبقه‌ای که جایگزین رژیم سرنگون شده تزاری شده اند نیز مطرح میگردد. وقتی که لنین مطرح میکنند بعد از انقلاب، قدرت بدست یک طبقه جدید یعنی بورژوازی افتاده است و سپس نتیجه

می‌گیرد که "انقلاب بورژوازی یا انقلاب دمکراتیک در روسیه تکمیل شده است" - بنیاداً صله این سوال برای بسیاری مطرح شد که آیا تکمیل انقلاب با انتقال قدرت بدست بورژوازی ممکن است؟ زیرا - بلشویکیها مکرر گفته بودند که برای پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک در روسیه دیکتاتور دمکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان ضروریست و لنین پاسخ میدهد: "ولی در این نقطه ما غریباً اعتراض کسی را - می‌شنویم که به سهولت خودشان را "بلشویکی‌ها قدیمی" می‌نامند. آنها می‌گویند مگر ما همیشه معتقد نبودیم که انقلاب بورژوا - دمکراتیک فقط بوسیله "دیکتاتور فوری" دمکراتیک انقلابی پروولتاریا و دهقانان تکمیل میشود؟ آیا انقلاب رضی که آنها یک انقلاب بورژوا - دمکراتیک است - یا این یافته است؟ یا واقعیت این نیست که درست بر عکس، این انقلاب حتی شروع هم نشده است. جواب من این است: شعارها و ایده‌های منشویکی در کل توسط تاریخ - اثبات شده اند ولی بطور مشخص رویدادها بنحویتفاوتی روی داده‌اند. آنها بیشتر از آنچه کسی میتواند انتظارش را داشته باشد، اصیل، ویژه و متنوع تر هستند. "دیکتاتور فوری" انقلابی دمکراتیک پروولتاریا و دهقانان هم اکنون در انقلاب روسیه واقعیتی شده است (به شکل معینی و تا حدود معینی) زیرا که این "فرمول" رابطه بین طبقات را در نظر دارد و نه یک نهاد سیاسی مشخص که نتواند، این رابطه، این همکاران را بمرحله عمل درآورد و از همین واقعیت بسیار مهم است که لنین بدون اینکه از مرحله انقلاب دمکراتیک بپرد و برخلاف نظرات ترنستسکی گذار از انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را طرح می‌کند، درست است که هنوز برخی از وظایف انقلاب دمکراتیک با انجام نرسیده است اما بنا بر وضعیت عینی و ذهنی حاکم بر جنبش لنین معتقد است که نمیتوان در - جا زد، با بدیم مرحله دوم انقلاب گذار نمود و تحقق تمامی خواسته‌های توده‌ها و انتظارات آنها، تحقق آزادی، صلح، نان، زمین - تنها با انتقال به مرحله دوم انقلاب و انتقال حاکمیت به "پروولتاریا و فقیر - ترین اقشار دهقانان" ممکن است. تا پیش از وقایع ژوئیه این امکان وجود داشت که این انتقال بنحویت امت امتیزی انجام گیرد، اما پس از وقایع ژوئیه دوره مسالمت - آمیز تکامل انقلاب بیایان می‌رسد و برای تکامل و پیشرفت انقلاب قیام - مسلحانه در دستور قرار می‌گیرد و بر اساس این استدلال است که لنین معتقد است که "نخستین مرحله انقلاب ما با عدم موفقیت (راه کارگر بجای واژه "عدم موفقیت" شکست ترجمه کرده است در حالیکه با اعتقاد ما معادل واژه‌ای که لنین بکار می‌برد همان "عدم موفقیت" است که مترجم فارسی مجموعه آثار لنین بکار برده است) روبرو شده است" بنا بر این می‌بینیم که تا چه حد راه کارگر در ارائه یک نمونه تاریخی نیز تا موفق بوده است. بهتر این بود که راه کارگر بمنظور تالیف نمونه‌ای در این مورد به جوامع فئودالی و نیمه فئودالی رجوع میکرد و حتی نمونه‌هایی نیز پیدا میکرد و جوامع سرمایه‌داری بدین طریق روشن می‌شود که هم استدلال راه کارگر که معتقد است انقلاب ایران با قیام بهمین ما به شکست انجام می‌دهد روحیه انقلابی توده‌ها فروکش نکرده و هم استدلال کسانی که معتقدند انقلاب ایران با قیام بهمین شکست قطعی انجام می‌دهد و روسیای بر جنبش حاکم شد، اساساً بی - پایه و فاقد هرگونه مبنا و تئوریک و تجربی است.

ما نمی‌دانیم که راه کارگر و رگوزینا فرادیکه دوران پس از قیام را دوران رکود سیاسی میدانند (البته برای رفع هرگونه شبهه تاکید می‌کنیم که اگر چه راه کارگر مشخصه‌های دوران پس از قیام را ارائه نمی‌دهد و صریحاً از دوران انقلابی سخن نمی‌گوید، با این وجود بر این مسئله تاکید دارد که دوران پس از قیام را دوران رکود سیاسی نمی‌شناسد) چگونه میخواهند واقعیت‌ها را برای مردم توضیح دهند. محکم کنید که ما بشوده‌های مردم بگوئیم اینهمه آزادی‌های را که شما تا مدت‌ها پس از قیام در اختیار داشتند، آزادی‌های بی حد و حصر مطبوعات، آزادی تجمع، آزادی مطبوعات، آزادی، آزادی تشکیل انجمن‌های مختلف، آزادی ایجاد دفاتر سازمان‌های انقلابی مسلح، آزادی سخنرانیها و... که حتی نمونه آنرا در دمکراتیک ترین رژیم‌های بورژوازی نمیتوان یافت، آزادی‌هایی که مدت‌ها بهیچگونه قانون و مقرراتی محدود نبود و صرفاً "با تکیه" اراده انقلابی توده‌ها بدست آمده و اعمال می‌شد، در دوران شکست انقلاب بوده است. مجسم کنید که ما به سه کارگران ایران، به کارگران صنعت نفت بکارگران تبریز بگوئیم که اعمال اراده و تئوریت‌ها، تشکیل شوراها، اعمال اتئوریت علیه سرمایه‌داران و مزدوران - رژیم گذشته و در موارد متعدد در اختیار گرفتن و کنترل کارخانه‌ها، همه در دوران شکست انقلاب صورت گرفته است. مجسم کنید که ما به دانشجویان و دانش آموزان بگوئیم که آزادی‌های بی حد و حصر شما در زمانه‌ها و مدارس پس از قیام، آزادی‌هایی که هیچگونه محدودیت‌هایی قانونی را نمی‌پذیرفت در دورانی بوده است که انقلاب با شکست روبرو شده بود. مجسم کنید که ما به دهقانان ترکمن صحرا و کردستان، به دهقانان سراسر ایران بگوئیم که شما هنگامی دست با بستکاران تاریخی عظیمی زدید، شوراها ترکمن صحرا را فریدید و با زور و بدون هرگونه توجه به قانون مقررات زمینها را مصادره کردید که انقلاب با شکست روبرو شده بود و با جنبش در حالت رکود سیاسی قرار داشت. بی شک مردم ما خواهند گفت، این حرفها از دهان کسی بیرون آمده است که با زندگی واقعی هیچگونه سروکاری نداشته است راستی چگونه ممکن است کسی این - دوران پر تلاطم پس از قیام، این تغییرات سریع و برق آسا، این دوران مبارزه کاملاً انقلابی توده‌ها، این روزهای راه کارگر - تردید هر روز آن با نداشتن آنها زندگی آرام مردم موخته است، این دوران - با اینکارها تا تاریخی توده‌ها را ببینند و از شکست قطعی انقلاب یا رکود سیاسی سخن گوید. تاریخ همه جوامع سرمایه‌آموزده در همه جا اقدام مستقل و آشکارا تاریخی توده‌ها در دوران انقلاب بوده است اما در ایران در دوران شکست انقلاب و یا گفته برخسی دیگر در دوران رکود سیاسی! بهرروما بیش از این مورد سرنوشت انقلاب خودویژگی شرایط پس از قیام که در مقالات متعدد به آن پرداخته ایم، سخنی نمی‌گوئیم و بحث خود را بر مورد وضعیت لحظه کنونی ادامه میدهیم. سوالی که ما اکنون در برابر آن قرار داریم اینست که آیا ما شرایطی که اکنون (یعنی از خود و اشل تیرماه) با آن روبرو هستیم تغییر اساسی در سرنوشت انقلاب، وضعیت عمومی جنبش، خودویژگی شرایط پس از قیام یعنی کشاکش انقلاب و ضد انقلاب و یا نتیجه تا کتبکها ما پدید آورده بقیه در صفحه ۱۳



وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۱۲

است یا نه؟ آیا ما اکنون می‌توانیم از شکست قطعی انقلاب، چیرگی قطعی ضد انقلاب، رکود سیاسی و عمده بودن شکل فاکتورهای در این زمینه را نه می‌شود. اگر با واقع سیاسی جامعه پس از ۳۰ خرداد نظر افکنیم بجز در موارد محدود از مبارزات آشکارا رتبه‌ها خبری نیست. دیگر در این ارتجاع دیوانه‌وار و زوهار به تعقیب و آزار و اعدام انقلابیون پرداخته است. از شوراها و انقلابی و ابتکار را متوقف و تاریخی توده‌ها نشان نمی‌دهد. ضد انقلاب یک‌هزار زمین شده و سرکوب می‌کند. تضادهای درونی حاکمیت تخفیف یافته است و... از سوی دیگر اگر روند تحولی انقلاب را نیز طی سه سال گذشته در نظر بگیریم می‌بینیم که علیرغم زنگارهای متعدد و خط مشی در انقلاب از یکدیگر متمایز می‌گردد. انقلابی که در ۱۳۵۷ آغاز گردید تا آبان ۵۸ مدام در حال پیشرویست. ضد انقلاب طی این دوران مدام عقب‌نشینی می‌کند و در حالت تدافعی بسر می‌برد. شبه‌گودهای ۲۸ مرداد بخاطر پتانسیل انقلابی توده‌ها، حالت تعرضی انقلاب، ویرانکنندگی، ضعف و سردرگمی و ناتوانی ضد انقلاب با عدم موفقیت روبرو می‌گردد. با سقوط دولت بازرگان و اشغال سفارت بعنوان یک نقطه عطف دیگر، مرحله‌ای تازه در عرصه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب آغاز می‌گردد. ضد انقلاب دست به تعرض می‌زند و بی‌دستی آورده‌های انقلابی توده‌ها را از آنها باز پس می‌گیرد. با این وجود هنوز روحیه انقلابی توده‌ها درهم شکسته است. اگر بر اساس فاکتورهای عینی قضاوت کنیم با یک خط نزولی روبرو هستیم.

بنابراین آیا میتوان وضعیت لحظه کنونی را که با ۳۰ خرداد دویا فروکش محسوس در مبارزات آشکارا رتبه‌ها و یورش دیوانه‌وار ارتجاع مشخص می‌شود بعنوان یک نقطه عطف در شکست انقلاب و آغاز یک رکود طولانی قلمداد کرد؟ آیا اینک وضعیت کنونی را باید بعنوان یک افت موقت در نظر گرفت و در انتظار ریزش مبارزه آشکارا رتبه‌ها و یک اعتلا مجدد انقلاب در آینده‌ای نزدیک بود؟

ببینیم کدام فاکتورهای عینی در تفهیم یا رده‌دو حالت فوق وجود دارد.

اینکه با رویدادهای ۳۰ خرداد بطور محسوس مبارزات آشکارا رتبه‌ها فروکش نموده است یک واقعیت مسلم است. در این مسئله که از جدت تضادهای درونی هیئت حاکمه بنحوی محسوس کاسته شده، بیک انسجام نسبی دست یافته است و شکاف عمیقی که در گذشته وجود داشت از میان رفته است تردیدی نیست. حکومت توانسته است با توسل به ترور و سرکوب، توده‌ها را مرعوب سازد. آزادیهای مردم بکلی لگد مال شده و دست آزادهای انقلابی توده‌ها از آنها باز پس گرفته شده است. اگر بخوایم صرفاً بر اساس این فاکتور و لحظه کنونی قضاوت کنیم، میتوان در مورد شکست قطعی انقلاب و حاکم شدن یک دوران رکود سیاسی سخن گفت. اما با اعتقاد ما صرفاً بر اساس این فاکتور و شرایط سیاسی لحظه کنونی نمیتوان در مورد وضعیت سیاسی عمومی جامعه، سرپوشش انقلاب، یا آینده جنبش توده‌ها سخن گفت، بلکه باید فاکتورهای اساسی تر و در این رابطه محتمل ترین چشم اندازها در نظر گرفت. آیا صرفاً "فروکش محسوس"

لحظه کنونی در مبارزات آشکارا رتبه‌ها که فاکتور عینی، قابل استناد و مسلم لحظه کنونیست میتوانند مقدمه یک رکود سیاسی و فقدان چشم انداز اعتلا مجدد انقلاب باشد؟ با اعتقاد ما در نظر گرفتن این فاکتور بدون توجه به فاکتورهای اساسی تر، و بعبارت دیگر بدون توجه به علل این جنبش فروکش در مبارزات آشکارا رتبه‌ها، نه تنها دنباله‌روی از سیر خود بخودی جنبش و رویدادهای گذرا، بلکه اساساً نفعی اسلوب ما در این زمینه تاریخی در بررسی پدیده‌های اجتماعی نیست. یک ما رکسیت نه تنها در بررسی این پدیده‌ها تنها فاکتورهای عینی موجود را بلکه چشم اندازهای محتمل جنبش انقلابی را نیز در نظر می‌گیرد و آنگاه پیرامون بسط یا عدم بسط این حالت بیک دوره طولانی آینده و تغییر یا عدم تغییر اساسی در تاکتیکها سخن می‌گوید. لنین مکرر علیه کسانی که می‌کوشیدند هر فروکش در مبارزات آشکارا رتبه‌ها را بدون توجه به مجموعه فاکتورها و چشم اندازها، بیک دوره آینده بسط دهند بمبارزه بر می‌خواست. او شنید "پلخانف را که نمی‌بیند یک چنین پیشی بودید اما منتفا دمیکرفت و در این زمینه مدام به شیوه برخورد ما رکس در این مورد اشاره می‌کند. او در اثر خود "انقلاب روسیه و وظایف پرولتاریا" می‌نویسد: "در ۱۸۴۹ انقلاب درهم شکست. تعدادی از قیامها نا موفق بی پایان رسید، آزادی حقیقتاً کسب شده توسط خلق از آن باز پس گرفته شد، و ارتجاع دیوانه‌وار علیه "انقلابیون" دست به عمل زد، اقدام علیه اتحادیه کمونیستها... تا ممکن گردید... اما مارکس در خطبیه مارس ۱۸۸۰ می‌نویسد که احیاء یک انقلاب جدید محتمل است. او بکارگران اندرز میدهد که مستقلاً سازماندهی کنند و بویژه بر ضرورت تسلیح کل پرولتاریا و تشکیل کار در پرولتاری و "خشکی کردن قهراً میزهرتلاقی برای خلق سلاح" اصرار می‌ورزد... شش ماه می‌گذرد. احیاء منظره فرامی‌رسد. کوششهای اتحادیه با شکست روبرو می‌شود. انگلس در ۱۸۸۵ نوشت "در جریان سال ۱۸۸۰ چشم اندازهای یک اعتلا نوین انقلاب پیش ازین نامحتمل و برآستی نا ممکن گردید، بحران صنعتی ۱۸۴۷ به پایان رسیده بود، دوران رونق صنعتی آغاز می‌گردد و بنا بر این مارکس با در نظر گرفتن شرایط عینی مسئله را با جدت و بطور مشخص طرح می‌کند. در این ۱۸۸۰ او می‌گوید: "آنها را میدانم که اکنون هنگامیکه نیروهای مولدها همه بورژوازی اینچنین و افرتکا مل می‌یابند هیچگونه صحبتی از یک انقلاب واقعی نمیتوانند در میان باشد" (انقلاب روسیه و وظایف پرولتاریا) مارکس بعنوان یک انقلابی و با اسلوبی علمی به بررسی وضعیت عینی، همه فاکتورهای موجود و چشم اندازهای انقلاب می‌پردازد و علیرغم تمام شرایط دشوار مدام که تمام چشم اندازهای یک قیام جدید از میان ترفته بود، مدام که یک رونق صنعتی پدید نیامده بود، او از یک انقلاب واقعی و تدارک برای آن صحبت می‌کند. او یک مسئله مشکل را بدون توسل به "حالت فسرده‌گی و خشکی حاکم در میان بخش خاصی از پرولتاریا (کاری که برخی از سوسیال دموکراتها می‌گفتند) موضع دنباله‌روی افتاده اندا نجسام میدهند. عمل میکنند، مدام که هیچ فاکت دیگری بجز این در برابر خود نداشت که خلق توده‌ها در حال فرو نشستن است (در مارس ۱۸۸۰) او به سلاح بزرگترین برای قیام، به تدارک برای آن مدام دویا چنین شکاکیت شمشکی کارگران را افسزده نکرد و هنگامیکه و مطلقاً معتقد شد که تمام یک انقلاب واقعی "اجتناب ناپذیر"

است، نظرات خود را تغییر داد و هنگامیکه آنها را تغییر داد، آشکارا و علناً خواستار یک تغییر اساسی در تاکتیکها و کناره‌زدن کامل تدارک برای قیام گردید. (انقلاب روسیه و وظایف پرولتاریا)

این درس بسیار مهمی است که ما باید در ازبایی انقلاب ایران از مارکس و لنین بیا موزیم و بهیچوجه حق نداریم صرفاً بر اساس این واقعیت لحظه کنونی که مبارزات آشکارا رتبه‌ها فروکش کرده است هرگونه اعتلا مجدد انقلاب را انکار کنیم. بویژه با توجه به این مسئله که امروز هر انسانی اندک آگاهی بخوبی واقف است، فروکش کنونی مبارزه آشکارا رتبه‌ها، نه تنها از تخفیف تضادهای کاسته شدن از جدت آنها، پدید آمدن یک دوران رونق اقتصادی و... بلکه نتیجه سیاست سرکوب عنان گسیخته‌ای است که توده‌ها را مرعوب کرده است. اینک توده‌ها تحت شرایط معینی در برابر سرکوب عدا م ترور، شکنجه، زندان، اخراج و... مرعوب میشوند امری طبیعی است. انقلاب - ۱۹۵۷ روسیه از این جهت نیز تجربیات آموزنده‌ای در اختیار ما قرار میدهد. پس از انحلال دوما توسط تزار و کنترل ناراضی عمومی از طریق "ترور نظامی، سرکوبهای قهرآمیز، توقیف‌های گسترده و اعدامهای بی رویه و مرعوب شدن توده‌ها، لنین به ارزیابی این پدیده می‌پردازد و با کسانیکه تسلیم این حالت و روحیه توده‌ها میشوند و خواهان تغییرات اساسی در تاکتیکها می‌گردند، بمبارزه بر می‌خورد. او می‌گوید "انسان معمولی کوچک و خیا بان ترسیده است. دادگاههای نظامی او را مرعوب کرده است... او زیر حمله (افسون) لاف و گزافهای حکومت قرار گرفته که وعده دومی را موعظت قرار میدهد. او تسلیم این حالت می‌شود و حاضر است که کادتها را بخاطر اشتباهاتشان ببخشد و تمام آنچه را که دومی اول به او موخت فراموش کند و تنها اگر با ندهای سینه‌کنا رگذاشته شوند به کادتها رای دهد. اینک آدم معمولی کوچک و خیا بان یا بدبختی بطریق رفتار کند، امری طبیعی است هرگز خیا نبینی معین و اصول تاکتیکهای منسجم حزبی راهت را او نیست، او همیشه با جریان شنا می‌کند و گورگوراته از حالت جنبش پیروی می‌کند. (وضعیت سیاسی و وظایف طبقه کارگر) اما آیا پیش از آنکه نیز باید چنین کند تا با تسلیم این حالت دست رچی توده‌ها گرد و دختی بند تزار از دست به نتیجه گیریهای بزنند که تا شیر بدروخی در میان توده‌ها داشته باشد؟ خیر... روشن است که اگر هیچگونه زمینه عینی برای تدارک بین حالت وجود نداشته باشد ارتجاع قادر نیست بر اساس قهر و سرکوب، مانع بروز مبارزات آشکارا و انقلابی توده‌ها گردد و چندان نخواست که توده‌ها دویا ره‌بیا می‌خیزند. بنا بر این می‌بینیم که این فاکتور نمی‌تواند عامل تعیین کننده در تغییر شرایط و تاکتیکهای ما محسوب گردد. بلکه باید در جنبش آن به این سئوالات نیز پاسخ داد، صف بنسبتی نیروهای طبقاتی چگونه است؟ چه تفریاتی در وضعیت تضادهای صورت گرفته است؟ شرایط مادی زندگی توده‌ها چگونه است؟ وضع اقتصادی بر چه منوال است؟ هیئت حاکمه در چه وضعیتی بسر می‌برد؟ در شکل عمده مبارزات توده‌ها چه تغییراتی صورت گرفته است؟

تنها با پاسخ به این سئوالات است که قادریم یک ارزیابی کاملاً عینی از شرایط سیاسی موجود و چشم انداز تحول آینده جنبش ترسیم کنیم و بر این اساس بقیه در صفحه ۱۴

وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۱۳

تا کنیکها یمان را اتخاذ کنیم .
اگر گفتار انگلس را پیرامون برخورد
مارکس نسبت به انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه
بخطا آوریم می بینیم که او یکی از نکات
اصلی تغییر دیدگاه مارکس نسبت به اعتلا
نوبین انقلاب ونا ممکن بودن آن را از -
پایان یافتن بحران اقتصادی ۱۸۴۷ و
آغاز یک دوران رونق اقتصادی استنتاج
میکند . زیرا در تحلیل نهائی این وضعیت
اقتصادی است که تعیین کننده وضعیت
سیاسی است . از این روم شاهد بودیم که
تشدید و تعمیق بحران اقتصادی در ۱۳۵۷ ،
یک بحران سیاسی ژرف پدید آمد که منجر
اعتلا بی سابقه جنبش توده های سرکونی
رژیم شاهنشاهی و انقلاب ایران گردید .
از امانه و ابعاد این بحران تنها طوسی
نزدیک به سه سال پس از قیام بهمین ماه
وواژگونی رژیم سلطنتی ، ذره های کاسته
نشده بلکه مدام ژرف و گسترده تر شده است .
رکودی که اکنون بر تولید حاکم است در -
طی سالهای گذشته نظیر نداشته است . -
تقریباً تمام صنایع کشور با ظرفیتی
کمتر از ۵۰ درصد مشغول بکار رند و در برخی
موارد در پارهای از رشته ها اساساً تولید
متوقف شده یا در حال متوقف شدن است .
سرما به گذاریهای دولتی و خصوصی بهانه
دلایل اقتصادی و سیاسی به حداقل ممکن
گاهش یافته است . کمبود قطعات یدکی
مواد خام و پیش ساخته با توجه به صنعت
مونتاز و وابسته یک عارضه عمومی همه
صنایع است . تولید نفت و درآمد های ناشی
از آن که محورا اقتصاد ایران را تشکیل
میدهد و می توانست محرکی برای یک رونق
تازه و تخفیف بحران اقتصادی موجود
باشد ، از یکسویب آسیب های که در اثر
جنگ با بین صنعت و تولیدات آن وارد -
آمده است و نیز شرایط نامساعد مبادله
بین المللی و از سوی دیگر سبب وضعیت
سیاسی ، بشدت کاهش یافته است و هیئت
حاکم را با دشواریهای مالی کم نظیری
روبرو کرده است . این وقفه در تولید و
رکود در صنایع بحران را به زمینه های -
دیگر زندگی اقتصادی جامعه بسط داده -
است . بحران اعتباری و مالی امروز
بر کسی پوشیده نیست ، دولت با چنان
تنگنا های در این زمینه روبرو شده است
که خود بصراحت بدان اعتراف میکند . -
و خاتمه وضعیت مالی دولت تا حد
است که در عرصه مبادله بین المللی با
کمبود محسوس ارز روبروست و با توجه با بین
که بحران در تولید و کمبود کالاهای مصرفی
دولت را تا گزیر میسازد که مدام بر حسیب
واردات خود بیافزاید ، چنانچه بطریقی
نتواند این کمبود را رزاجبران کند ، -
وقوع قطعی در چند ماه آینده مری بسیار
محتمل است . نتیجه این بحران برای
توده های بیکاری ، گران ، فقر و خوارگی
مداوم بوده است . تحمیل هزینه های ناشی
از این بحران بردوش توده ها و افزایش
سرمایه و هزینه های زندگی مدام مبر -
شدت ناراضی مردم و تشدید تضادهای
افزوده است و سیاستهای هیئت حاکمه
نه در جهت تخفیف این بحران بلکه مدام
در جهت تشدید آن سرگردان است . رژیم
بمنظور رهایی از بحران سیاسی موجود -
و مقابله با ناراضی عمومی ، سیاست

سرکوب عریان و تروریسم عنان گسیخته
را پیشه خود ساخته است . اما این فشار و
سرکوب گرچه توده ها را مرعوب میسازد ، اما
در عوض بحران اقتصادی و فقر را تشدید
خواهد نمود . کارگران با زور و سرکوب حاضر
به افزایش تولید نیستند ، دهقانان بنحوی
دیگر در مقابل مقررات و اقدامات شه -
نظامی رژیم واکنش نشان می دهند ، و از
تحویل محصولاتشان خودداری میکنند و -
طبیعی است که یک چنین شرایطی بحران
را تشدید کند و با تحمیل هزینه های سرکوب
خلق و هزینه های جنگ ارتجاعی -
توده های مردم از طریق افزایش بیایی
مالی آنها مستقیم و غیر مستقیم و سر کیسه
کردن آشکار رویشان مردم بر حثت تضادهای
و ناراضی عمومی افزوده گردد . یک چنین
شرایطی نمیتواند مبنای مادی و شرایط
عینی برای یک دوران رکود سیاسی باشد .
بویژه امروزه اکثریت عظیم توده ها هر -
گونه توهمی را نسبت به هیئت حاکمه از -
دست داده اند و تا حدودی بی برده اند که
این حکومت نه تنها نمیخواهد به خواسته های
اساسی آنها پاسخ گوید ، بلکه قادر نیست
از بار فقر و فلاکت توده ها بکاهد . البته
این سمعتهای نفی این مسئله نیست که
هنوز بخشهایی از خرده بورژوازی سنتسی
و عقب مانده ترین و نا آگاه ترین اقشار
جامعه تحت تاثیر اعتقادات ریشه دار -
مذهبی از حکومت موجود دفاع میکنند ، اما
واقعیت اینست که در صف بندی نیروها
بر اساس کمیت قرار دارند . مشروعیست
و قانونیست رژیم موجود را بر سمیت
تبعیثاتند و به بهبود شرایط زندگی خود را
با مبارزه در درون نهاد های قانونی
رژیم ممکن نمیدانند و خلاصه شکل عمده
مبارزات مردم را مبارزه قانونی تشکیل
نمیدهد و آنجا شیکه مردم محدودده های -
قانونی رژیم را در هم می شکنند ، سیاست
ترور و سرکوب عریان هیئت حاکمه بصورت
بگانه راجات طبقات حاکم تا بیست
عمده آنها می گردد . درست شرایطی ما نشند
وضعیت کنونی جامعه ما ، و با لایحه در
آزادی و وضعیت کنونی با یدیه موقعیت
هیئت حاکمه ، موقعیت داخلی و خارجی
آن توجه شود .
این یک واقعیت است که پس از برکناری
بنی صدارت ریاست جمهوری و اتخاذ
تاکتیکیهای مجاهدین خلق ، نوعی انسجام
نسبی در درون هیئت حاکمه پدید آمد .
از حثت تضادهای درونی آنها کاسته شد
و شکاف عمیقی که در میان آنها پدید
آمده بود ، از میان رفت و بر اساس یک
چنین وضعیتی توانست به سرکوب دیوانه وار
خود علیه توده های مردم سازماندهی
انقلابی ادامه دهد . اما از آنجا شیکه این
بحران درونی هیئت حاکمه نه ناشی از
خودخواهیها و ناسازگاریهای جناحهای
از هیئت حاکمه بلکه عمیقاً در بحران
اقتصادی و سیاسی جامعه ریشه داشت ، -
نمیتوانست خود بخود موقعیت رژیم را
مستحکم سازد ، بنا بر این گرچه حل بحران
حکومتی نخستین گام در راه حل بحران
سیاسی و اقتصادی موجود است ، اما دوا و
بقاء آن تا حد زیادی منوط به حل این
بحرانهاست . ما امروز بخوبی آگاهیم
که رژیم برای حل بحران سیاسی به سیاست
سرکوب و ختناء و ایجاد محیط رعب و
وحشت توسل جستجاست ، این سیاست
در کوتاه مدت نتایج مثبتی نیز برای
رژیم در برداشته است ، اما اگر این سیاست
بخواهد بدون تغییر در شرایط مادی زندگی
توده ها و تخفیف بحران اقتصادی موجود
به درازا بکشد بحران سیاسی ژرف تر و

گسترده تری را پدید خواهد آورد ، از همین
روست که رژیم تلاشهایی را آغاز کرده است
تا با انجام یک سری فرمهای اقتصادی
توده ها را موقتاً "بجانب خود بکشد" و از
سوی دیگر بحران اقتصادی موجود را تخفیف
دهد . اما میدانیم که بحران اقتصادی -
موجود و شرایط آسای با زندگی توده ها
چنان ابعادی بخود گرفته است که مقابله
با آن لااقل از جانب هیئت حاکمه کنونی
بسیار دشوار است و سیاستهای رژیم طوسی
چهار ماه گذشته نیز نشان داده است که
بحران با زهم تشدید شده است . این وضعیت
بطور اجتنابنا پذیر اختلافات و درگیریهای
درونی هیئت حاکمه را بیشتر خواهد کرد
و تفا در میان با لایحه را تشدید خواهد
نمود . امری که ما هم اکنون شاهد نخستین
تجلیات آن هستیم . در زمینه موقعیت
بین المللی رژیم در موقعیت و حسیب
قرار دارد . در ستات که در ماههای اخیر
هیئت حاکمه کوششهای وسیعی را آغاز
نموده است تا در سطح جهانی برای خود
متحدینی دست و پا کند و از انزوات
با بدو بر بر خیزش مشکلات داخلی خود دفاع
آید ، اما هنوز در این زمینه توفیق چندانی
بدست نیامده است . زیرا این امر بنحو
لایسنگی با موقعیت داخلی رژیم -
سیاستهای داخلی آن مرتبط است . اگر
بر اساس آنچه گفته شد و نه صرفاً "بر اساس
افت کنونی در مبارزات آشکار توده ها
قضاوت کنیم ، هیچ دلیلی وجود ندارد که
رکود سیاسی را از شرایط کنونی استنتاج
کنیم و تغییری اساسی در تاکتیکیمان
پدید آوریم . اما فرض کنیم که وضعیت
کنونی روحیات توده ها ادا نه باشد ، بحران
اقتصادی جای خود را بیک رونق نوین
بدهد ، در وضعیت و شرایط زندگی توده ها
بهبودی نسبی صورت گیرد ، از حثت تضادهای
کاسته شود ، فدا انقلاب کما "متمرکز و منجم
گردد ، شکل انقلابی جنبش از میان برود
و خلاصه افت کنونی بیک رکود سیاسی
تبدیل گردد . تنها در چنین شرایطی
که ما مجازیم تغییری اساسی در تاکتیکیمان
را خواستار شویم و حتی ۳۰ درصد در ایک
نقطه عطف در انقلاب ایران قلمداد کنیم .
شیوه برخورد لنین در این زمینه نیز
در سهای لازم را در اختیار ما قرار میدهد .
میدانیم که کودتای سوم ژوئیه و انحلال
دوما دوم در تاریخ انقلاب روسیه بیک
نقطه عطف محسوب میشود . پس از وقایع
ژوئیه لنین در مقابلهای " علیه بیکوت"
به بررسی انقلاب روسیه و تاکتیکیهای
پرولتاریا می پردازد . او در این نوشته
دومر حله را در انقلاب روسیه از یکدیگر
تفکیک میکند و می نویسد : " اکنون با تمام
وضوح روشن در مرحله در تکامل انقلاب
روسیه در برابر ما قرار دارد . مرحله اعتلا
۱۹۰۵ و مرحله نزول (۱۹۰۶-۷) مرحله
ما کسیمووم تکامل فعالیت خلق ، سازمانهای
وسیع و از اتمام طبقات جمعیت مرحله
ما کسیمووم آزادی مطبوعات و ما کسیمووم
نادیده انگاشتن اتوریته کهنه ، نهادها
و فرامین آن توسط خلق - و تمام اینها
بدون اینکه از طریق شروط و بوروکراتیک
اعطا شده باشد و در چهار رچوب مقررات
قوا عدصوری باشد . و پس از آن مرحله حداقل
تکامل و نزول ، مداوم فعالیت خلق ،
سازماندهی و آزادی مطبوعات و غیره " او
میگوید " در آغاز انقلاب بیک خط کوتاه
یک اعتلا بنیاد وسیع و بنحویرت آوری
سریع را می بینیم . سپس خطی بنیاد آهسته
اما مدام در حال نزول را می بینیم که با قیام
دسامبر ۱۹۰۵ آغاز میگردد . در این یک
دوران مبارزه مستقیم انقلابی توسط
توده ها ، سپس یک دوران نچرخش مشروطه
بقیه در صفحه ۸

بحران اقتصادی و...

بقیه از صفحه ۱

سیسج اقتصادی استانها ایراد گردید. وی می‌باید با قلب حقایق پرداخته و با یدحق دادگاه در زمینه عوامفریبی رکودی جدید برای آنها داند.

در این سخنرانی بعنوان مثال نبوی مدعی میشود که آمار بانک مرکزی نشان میدهد از فروردین ماه سال جاری تا به حال فقط ۲ درصد "درخش ما هه اول امسال نرخ تورم ۷ درصد شده است" (اطلاعات ۳۰ مهر) و این در حالی است

حال فقط ۲ درصد تورم افزایش یافته است (جمهوری اسلامی ۲۳ مهر) و چون دروغگو فراموش کار است، وی چند روز بعد طی یک

مذاکره را دیونولوژیونی میگوید، "در - شش ماهه اول امسال نرخ تورم ۷ درصد شده است" (اطلاعات ۳۰ مهر) و این در حالی است که آمار بانک مرکزی که آنهم گویای

تورم واقعی نیست و توسط عمال رژیم - ساخته و پرداخته شده، حکایت از آن دارد، "طی شش ماهه اول سال جاری شاخص به

کالاها و خدمات مصرفی بطور متوسط در حدود ۲۵ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبیل افزایش دارد" (اطلاعات ۲۸ مهر)

بانکی رئیس سازمان برنا مه و بودجه گوی سبقت را در دروغگوئی از نبوی نیز

ربود و با کمال وقاحت بیان داشت که "ما می‌بینیم با وجود اینکه تولیدیات

است در آمددها بیش است، ولی ما بحران نداریم" (هما نجا)

و این سخنان کودکا نه‌رنگا هی ادا میکنند بسیاری از نیروها و کشورهای

جهان بعلت وجود بحران اقتصادی و سیاسی شمارش معکوس برای سقوط رژیم

را آغاز کرده‌اند. البته شاید بسیاری پس از شنیدن و یا خواندن این جمله به‌کم

سوازیاتشان بخندند. لیک بعقیده ما این جمله از سرنا دانی که تنها به جهت عوامفریبی بیان شده است، چرا که ایشان

نه یک مکتبی غیرمتمم که دادارای دکترای اقتصاد می‌باشند و به خوبی میدانند که بحران اقتصادی چیزی جز افزایش بیکاری

(کم شدن درآمدها) و رکود در تولید نیست. بخصوص هنگامیکه تورمی ۲ رقمی نیز پیوسته آنرا همراهی میکنند

ایجاد بحران اقتصادی کنونی به حدی است که عوامفریبی های رژیم حتی قادر نیستند که آهی از این گوه بگازند. چرا که همه

زحمتکشان با گوشت و پوست خویش درد و رنج حاصل از بیکاری و شورم و رکود را لمس میکنند و سخنان جیره خواران رژیم جز برای انگیختن خشم بیشتر آنان چیزی به

ارمان ندارد. "بیکاری، راه حل رژیم برای جلوگیری از رشد تورم"

از آن به میان نمی‌آوردند، بلکه با دامن زدن به جنگ و آوارز کرده حدود ۲۵ میلیون نفر از اهالی جنوب غرب کشور، اوضاع را

بیش از پیش وخیم تر کرده است. حتی هنگامیکه شتاب رشد تورم افزون میگردد و

حضرات مجبور به عکس العمل می‌شوند، از آنجا که ایشان حافظ سیستم سرمایه داری

و ایستادن و نمی‌خواهند ریشه های اصلی تورم را بخشکانند، با دستا زدن به

رقمها و راه‌حلهایی که نتیجه ای جز بیکار کردن بخش با زهم بیشتری از

زحمتکشان را به همراه ندارد، برخیزل بیکاران می‌افزایند، کاهش نسبی هزینه های عمومی (جز بخشهای سودده -

همچون ساختمان) محدود کردن عرضه پول بستن کارخانجات، بازنشسته کردنها،

با ز خریدها، و یا اخراجهای دسته جمعی و بطور کلی هر آنچه که از قدرت خرید

زحمتکشان بگاهد، نمونه‌هایی از شرکدهای رژیم برای تخفیف تورم بوده‌اند. و چنانکه

میدانیم در این خصوص نیز موفقیتی شمیب رژیم نشده و همه ساله حتی طبق آمارهای

دروغین بانک مرکزی با تورمی حدود ۲۵ درصد مواجه بوده ایم، رژیم گناه تورم

را به دوش خرده فروشان، و یا گناه امیربالیستها انداخته است که تورم خود

را به ایران صادر کرده‌اند. و طبعاً چون دستش به امیربالیستها نمی‌رسد با تشکیل

دادگاههای ویژه امور صغری با بستن دکاکین خرده فروشان و یا جریمه نقدی

آنها به پورده پستی سوده‌های چند میلیار تومان نتوانی تاجا ر دست می‌زند، و چون علت

همچنان پایبرجاست، تورم بیش از پیش شدت می‌یابد و زحمتکشان را به زیر بار

خویش خرد میکند. اما عوامفریبی با زهم ادا می‌یابد و دستا دیسج اقتصادی با

جا روجنجال فراوانی ادهای "موفقیت" در کنترل نرخ تورم بعضی اقلام را برآه

می‌تازد، گرچه به نظر مخرجی با حضرات است لیک در واقع چنین نیست. ایشان

گویا فراموش کرده اند که با شروع تحریم اقتصادی اکثر کارگاهها اعم از کوپنی و یا

غیر کوپنی، مصنوعاً "بطور ناگهانی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافتند و با

پایان یافتن تحریم در زمستان گذشته کلیه کارگاهها حدود ۳۰ درصد را نشان

تحریم تهیه می‌شود و بدلیل آنکه این اقلام با همان قیمت زمان تحریم فروخته

می‌شوند، نتایجی است برآیند که این اقلام هم که بطور ظاهری طی زمستان

گذشته و امسال ثابت مانده‌اند، در واقع حدود ۳۰ درصد افزایش یافته و اگر در دوران

تحریم کشورهای واسطه این سهم را از خود میکردند، اکنون تاجا ر رژیم به جیب

کشا دخوش می‌زنند.



میتوان این ظرفیت را بطور متوسط حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد ارزیابی نمود. الویری یکی از نمایندگان مجلس مدعی است که بخش صنعت "در حال حاضر را اکثر مسوار با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد کار کرده و آنها هم که تولیدشان با لارفته معلوم نیست که به صلاح مملکت باشد" (هما نجا) این اعتراف گرچه با دفا جهر کوچک تر جلوه میدهد، لیک دلیلی است بر اینکه رکود صنعتی چنان شدت یافته که رژیم نیز با آنهمه عوامفریبی و پنهانکاری مجبور به بیان آن گشته است. در بخش کشاورزی - نیز اوضاع به همین منوال است. و پس از آن همه جا روجنجال که طی سال ۵۹ مبنی بر رشد شدید محصولات کشاورزی برآه افتاد رئیس سازمان برنا مه و بودجه رژیم امسال معترف است که "با آنکه سطح زمینهای زیر کشت در سال ۵۹ افزایش یافته ولی تولید کاش یافته است" (جمهوری اسلامی ۲۳ مهر) این مطلب چیزی جز بیان این واقعیت که رژیم قاصر از حل مشکل کشاورزی است و بعلت عدم تحقق بخشیدن به شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند" و بیلتکلیف گذاردن وضع روستائیان و همچنین عدم سازماندهی و برنامهریزی صحیح در تامن امکاناتی همچون بذر و کود و سوخت و ماشین آلات کشاورزی... با وجود آنکه زمینهای بیشتری به زیر کشت رفت حاصل کمتری برداشت شد. این افت محصولات کشاورزی و دامی به حدی رسید که بعضی از اقلام همچون پنبه و پشم انواع نخ که در سال ۵۸ خراج ما در می‌کشت در سال ۵۹ یا صدورش کلاً ممنوع شد و یا اقدام به ورود آن از دیگر کشورها گردید.

درصد تغییرات	۵۹	۵۸
صنعتی	۲۷۷۲۹۹	۴۸۰۱۲
تسین	- ۸۳	
میلیون ریال	۲۸۷۶	۱۴۹۲
کشاورزی	۲۶۰۸۲۰	۷۷۳۸۷
تسین	- ۷۰	
میلیون ریال	۲۳۰۴۷	۱۳۷۹۲
فرش و صنایع دستی	۷۹۵۰	۵۰۳۰
تسین	- ۲۷	
میلیون ریال	۲۲۹۰۲	۴۱۳۲۳
معدنی و مصالح	۳۳۴۲۲۸/۱	۱۵۰۴۴۸
تسین	- ۴۵	
میلیون ریال	۷۷۳۳/۳	۱۸۵۶
جمع کل	۸۸۵۰۰۰	۲۹۹
تسین	- ۶۶	
میلیون ریال	۵۵۴۶۶	۵۱۱۹
	(۷۳۰.م)	

چنانکه پیداست علت اصلی سقوط شدید در ارزش صادرات افزایش قیمت فرش میباید شد که هرگاه این قلم کالا زلیست مربوطه حذف شود ارزش صادرات بدون فرش که در سال ۵۶ برابر با ۴۰۹ میلیون پنبه در صفحه ۱۶

"رکود در صنعت و کشاورزی"

در بخش صنعت رکودی فلج کننده حاصل گشته که علت اصلی آن رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان و بخصوص کارگران در کارخانجات وحدت یافتن مبارزات طبقاتی در همه عرصه‌هاست. که عدم مدیریت و برنامهریزی تهیه مواد اولیه، قطعات بدکی و غیره مزید بعلت شده و صنعت را با بحران عمیقی رو بفرسوده است بطوریکه بخش صنعت نه تنها سودآور نبوده و نیست بلکه در سال گذشته حتی رقمی حدود ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ است (اطلاعات ۷ شهریور)

اکنون بسیاری از کارخانجات بیابسته اند و یا با حداقل ظرفیت به کار مشغولند. در این رابطه نیز ما در قبلی در دست نیست. لیک از روی آمار محدود

مردم چه میکنند؟
مردم چه میخواهند؟

تبریز ۳۱/۶/۶۰

کوچه های پرپیچ و خم تبریز فضا بسی خاص خود را داشته است این کوچه های باریک و طولانی که به دریند معروفند در هر پیچ خود در هر بنای قدیمی خود خاطره های بسیاری را نهفته دارند. خاطراتی از خیابانی ها، صدها و عاشق های نامی آذربایجان، در بندها که محل زندگی اقشار مختلف و محروم شهر است عمرهای جنب و جوش خاصی مییابد. زنان جلوی در منازل گله به گله به در دودل میپردازند و زمزمه سخنان آنان با های و هوی بیجه ها ای که به بازی مشغولند میآید.

زن ۵۵ ساله بیسواد که دست های پهن و قاج خورده اش نشان از سالیان - دراز رنج داشت میگفت "فردا بیچه های مردم را به راه هیمائی زور زورکی میبرند اگر دولت راست میگوید دانش آموزان را امروز دعوت به راه هیمائی میگرداند روز اول مهر که از حضور و غیاب آنها را بترساند. من میدویم هیچکدامشان با میل و رغبت فردا به راه هیمائی نمیروند. شنیدم که مجاهدین دانش آموزان را تهدید کرده اند که چرا علیه تیرباران ها به دولت اعتراض نمیکنند و فردا در مدارس بسبب خواهندگان است " دختر جوانی که کارگر نبود و پیش از بیست و دو یا سه سال ندانست گفت " اینها شایعه است، مجاهدین بخاطر مردم خود شون را بکشتن میدهند آنوقت چطور میآید بیچه های مردم را بکشند. شما چرا با او میزنید. این حرف الهی - ما است زن ۳۰، ۳۵ ساله ای که فارسی بود و سبختی ترکی حرف میزد گفت " انسان هیچ ارزشی برای اینها ندارد مثل کوسفند بیچه های مردم را تیرباران میکنند

را دیوهای خارجی گفته اند در چند روز - اخیرا ۱۰۱ نفر را در ایران تیرباران کرده اند " همان زن ۵۵ ساله با عجله گفت " چی داری میگویی ۱۸۵ نفر را فقط در اوین تیرباران کرده اند " دختر جوان نگا هی به پشت سرش انداخت و گفت " حرفهای موسوی را شنیدید، ده نفر را تو خیا بان گرفته بودند بعد از ۲ ساعت فقط ۲ ساعت تیرباران کردند " زن ۵۵ ساله جایی را که دستش بود زمین نهاده با خشم و کینگی که از چشمش شعله میکشید گفت " موسوی جلاد گفته است که هر کس را در خیابان دستگیر کردید به آنها در زندان غذا ندهید، زندان که هفت نیست پول بیت المال را ندهید اینها بخورند اینها را بکشید، بیشراف! بخدا با هر کس که سابق هوا دار خمینی بوده حرف میزنم دیگر هوا دار نیست، میگویند چرا رژیم مجاهدین را دسته دسته تیرباران میکنند " زن دیگر سرش را تکان داد و گفت " واللہ زمان شاه پنجوری نبود شاه فوقش ۴ یا ۵ نفر را میکشت " زن نسبتا " جوانی که تازه وارد جمع شده بود بیچه اش را بغیر میداد تا حکم خاصی گفت " شاه هم میکشت منتها ما آگاه نبودیم، نمیفهمیدیم و شاه هم نمیگفت. هر روز میکشند " من گفتم " راست میگویی رژیم شاه هم میکشت اما کمتر میکشت علت هم این بود که بیچه ها یا نقلانی آن موقع تعدادشان کمتر بود حالاتعداد - شان خیلی خیلی زیاد شده، جمهوری - اسلامی هم تعداد بیشتری میکشد ولی هر دو - تا شون سرتو یک کرباسند، هیچ فرقی ندارند. بقول خانم هر دو میکشند " خانم با همان تحکم گفت " عجب شهادتی دارند در تلویزیون عکس تعدادی را نشان میدادند، دیدید؟ چه شهادتی، حتی اسم و آدرس هم نداده اند " زن ۵۵ ساله با تحسین گفت " آنها هم که همکاری میکنند تک و توکی هستند خوب چکار کنند از ترس جان نشان است که " حرفش نیمه تمام ماند چند نفر عبور میکردند، پس از آنکه

کمی دور شدند من گفتم " ولی کسی که این راه را انتخاب میکند میداند که شکنجه و تیرباران هم هست، پس باید مثل گل سرخی و صد و بقیه سخنش را تا به آخر بگوید " خانم گفت " آره یادتان می آید، از گل سرخی خواستند که از خود دفاع کند او گفت " از خودم دفاع نمیکنم از ملت دفاع میکنم " دختر جوان گفت " آنرا و ایل انقلاب در تلویزیون نشان دادند اما دیگر نشان نمی دهند، آنوقت همه از ترس مردم نشان دادند " زنی که تا این زمان میان لنگه در نشسته بود و حرفهای ما را گوش میداد در برابر تر کرد و گفت " در ما کو یک نفر را تیرباران کرده اند حتی تا بوت هم نداده اند فاش میباشم مجبور شدند او را لای پتو بپیچند و برای دفن ببرند، وضع بدی شده مواظب حرف زندان باشی " در راست وقت، زن ۵۵ ساله در حالی که بلند میشد گفت " مردم را خیلی ترسانده اند همه شان تقصیر این پیرک است " بقیه هم بلند شدند دختر جوان گفت " با پدر رفت این مادرهای داغ دیده را دلاری دادا ما شوهرم ترسواست نمیگذارد " زن ۵۵ ساله خطاب به او گفت " خوب بدبخت ترسواست تو را هم ازش بگیرند، کارش را که ازش گرفتند اینها که دست بدهند از رفیق فقط بلدند بگیرند، جان، کار و بیچه های مردم را مثل آب خوردن میگیرند " خانم جامع و دوفتر، دو نفر شده بود، دو خانم مسن تر از جوانی - روپوش مدرسه و دیگر اجناس صحبت میکردند خانم به دختر جوان میگفت " ریسی آقا به خون آغشته است با گذار بکشند اگر کد ام از اینها ۵ نفر هم فاش میل خیلی نزدیک داشته باشند تعدادی فاش میآورد بکشند با کارهاش هزارها نفر را راضی تراشیده نمی دادند و الله پس چرا فاش میهای اینها " اعتراض نمیکنند؟ " دختر جوان میگفت " بدروما در این جوانها که کشته شدند باید راه بیفتند تا مردم هم دنبالشون راه - بیفتند با لایه های یک کسی باید شروع کنند مردم به اینچا شون رسیده "

بحران اقتصادی و ...

بقیه از صفحه ۱۵

دلار بود به ۴۵۳ میلیون دلار در سال ۵۸ و ۲۸۲ میلیون دلار در سال ۵۹ رسیده است اما آنچه که در این جدول مورد نظر چشم گیر است، سقوط حدود ۸۰ درصدی - صادرات صنعتی و کشاورزی است که - افشاگر چهره رژیم در رابطه با کم و کیف ادعای او مبنی بر خودکفائی در این دورشته است.

این سیر فقرائی در سال ۶۰ نیز همچنان ادامه یافته است. جدا اول زیر که نشانگر حجم صادرات و واردات در چهار ماه اول سال ۶۰ و ۵۹ میباشد گویای این - واردات چهار ماهه اول سالهای ۶۰ و ۵۹

درصد تغییرات	۶۰	۵۹
تن	۵/۰۹	۴۵۷
میلیارد ریال	۳۲۶/۵	۴۱۲/۸
	+ ۲۶/۴	

صادرات چهار ماهه اول سالهای ۶۰ و ۵۹

درصد تغییرات	۶۰	۵۹
تن	۹۱/۹	۵۸۱/۹
میلیارد ریال	۱۳/۲	۲۹/۳
	- ۴۵	

چنانکه می بینیم طی چهار ماهه اول سال ۶۰ نسبت به سال پیش ۲۶ درصد به حجم واردات افزوده شده و ۴۵ درصد از حجم صادرات کاسته گردیده است و این در حالی است که دولت فاقد هرگونه ارز خارجی است و به دلیل وجود جنگ از یک سو صادرات به استخراج نفت و از دیگر سو میبایست تحمل هزینه های جنگی حدود ۳۰۰ میلیون دلار (۲۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان) در ماه میآید. (کیهان ۳۱ شهریور)

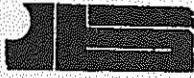
بیدلیل نبود که با یک مرکزی شصت سفارش برای ورود انواع کالاها را از ۲۴ شهریورالی ۶ مهر کلاً ممنوع اعلام نمود و اکنون نیز همچنان برای شصت سفارشات سنگ اندازی میکند. رژیم با اتخاذ این تاکتیک میکوشد از هر چه کمتری برای خرید انواع کالاها خرج نماید، به خریدهای نظامی خویش ادامه دهد، چه در صورت عدم توانائی در خرید تجهیزات جنگی شکست حتمی و سقوط رژیم نزدیکتر میشود.

از بیخت بدرژیم از یک سو هم با زارهای نفت اشباع شده و هم قیمتت کاهش یافته و از دیگر سو به علت عدم ثبات سیاسی و عدم اعتماد شرکت های نفتی در ادامه یافتن جنگی جریان نفت برای سال

آینده شرکت های بریتیش پترولیوم و شل که روزانه ۱۷۵ هزار بشکه و شرکت های نفتی ژاپنی که روزانه ۲۳۰ هزار بشکه نفت از ایران می خریدند اعلام داشتند که قرار دادهای خود را تمدید نخواهند کرد و از کشورهای دیگری که دادارای ثبات سیاسی بیشتری میباشند نفت خواهند خرید. و بیچاره ها شمی رفسنجانی که ثبات سیاسی را در تعداد آراء انتخابی تکی تصور میکرد هفت هفته قبل از انتخابات در نما ز جمعه گفت: " دولت های که حالا میخواهند با ما قرار داد ببندند به محض اینکه رقم رای را با لایبندند آینه را محکمتر می بینند زیرا دولت ها در مورد حضور ملت ها بسیار حساس هستند " (مطبوعات ۴ مهر) و با وجودیکه ۱۶ میلیون رای - ساختند " با زهم شرکت های نفتی حاضر به خرید نشده اند.

مخترا اینکه بر بحران سیاسی - اجتماعی - فرهنگی، بحران اقتصادی ژرفی سرپای رژیم را فرا گرفته و طوطی های دروغ پرداز می همچون نبوی و بانکی هرگز قادر به پرده پوشی و با کم اهمیت جلوه دادن آن نمیباشند و حال این بحران نیز تنها در گرو حل سیاسی و سر نوشت انقلاب و پایان یافتن کساکش بین انقلاب و ضد انقلاب می باشد.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



انتخابات، تجربیات توده‌ها و رهنمودی جهت تبلیغ

رفقا! ما با رها گفته ایم که تنها با اتکاء به تجارب عملی توده‌هاست که میتوان اشکال گوناگون مبارزه را اتخاذ کرده و به پیش بردن همجنین با رها و با رها تا کید کرده ایم که با ید ذهنیت توده‌ها را که در عمل تجارب بسیاری اندوخته اند هدایت نمود و با جمع بندی این تجارب روزمره به ارائه طریق جهت دگرگونی وضعیت موجود پرداخت. اینک برای نمونه به بررسی موردی از صدها مورد که وظیفه پیشبرد آن بردوش رفقای هوا دار و نیروهای انقلابی قرار دادیم بپردازیم. تا روشن گردد چگونه میتوان با اتکاء به تجربه عملی توده‌ها که در این مورد انتخابات ریاست جمهوری و سایر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی است، به نفعی رژیم حاکم و ارائه راه حل انقلابی، که در اینجا انتخاباتی آزاد، همگانی، با رای برابر و مخفی، متکسی بر تضمین شورا‌های مسلح توده‌ای است، میتوان رسید.

*** رئیس جمهور قبلاً* انتخابات شده است ***
این جمله بیا نگره ذهنیت اکثریت قریب به اتفاق توده‌های مردم در دو مین و سومین انتخابات ریاست جمهوری میباید. ذهنیتی که با زتاب خود را در تحریک انتخابات فرمایشی رژیم نمودار ساخت. تحریکی فعال با تعدد د معدودی رای دهنده که در میان آنان نیز عده‌ای نه برای رای دادن بلکه برای بدست آوردن کوبن، شبت نام در مدارس، حفظ شغل و یا از وحشت اخراج و یا توبیخ به پای صندوقها رفتند. بخوبی روشن است که توده‌ها در تجارب عملی خود ما هیئت انتخاباتی را که توسط رژیم ما با نام انتخابات انجام میگیرد بخوبی شناخته اند. توده‌ها می‌کند که به عیان شاهد بودند چگونه آراء آنان به راه حسی با یک شعبه بازی سیاسی ناپدید و با پمال شده، چگونه مجلسی که به نام آنان تشکیل شده قوانینی برضد آنان تصویب می‌کند، توده‌ها می‌کند که با دیدن گدازها در کلاسهای انتخاباتی رستا خیزی اندا بینک دیگر بشکلی کامل امید خود را به تحقق انتخاباتی آزاد، مستقیم، همگانی و مخفی در چهارچوب این رژیم از دست داده اند. توده‌ها اینک بدستی دریا گفته اند که انتخابات جمهوری اسلامی همانقدر تشریفات، ضد مکر، تیک و ارتجاعیست که انتخابات رستا خیزی پهلوی توده‌ها اینک کاملاً درک می‌کنند رژیم که بر سر نیزه تکیه کند و با کشتار و اختناق حکومت نماید متکسی بر مردم نیست و هرگز انتخابات آزاد مردمی برگزرا نخواهد کرد. رژیم که نشریات، نظرات و هرگونه اعتراض را ممنوع سازد، احزاب، جمعیتها، گروهها، کانونها و سازمانها را ممنوع اعلام کند، شورا‌های واقعی توده‌ها را سرکوب کند و نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان را به جوخه‌های اعدا میسپارد و با شکنجه و اخراج نماید، رژیم که دیکتاتور سیاه را برجا معه حاکم سازد، هرگز نمیخواهد و قادر نیست انتخاباتی مردمی برگزارد نماید.

توده‌های مردم علی‌رغم تجارب طولانی خود در رابطه با انتخابات رستا خیزی شاه رژیم جمهوری اسلامی را نیز کاملاً می‌کند آزمودند، هرچند این با تجارب غلیظه گذشته را فراراه خود داشته اند، آنان با رها و با رها و «رهبران» را خوش باورانه باور کردند، با رها و با رها به پای صندوق

رفتند و به نمایندگان بورژوازی رای دادند تا بی بردند که شعرا رهای دهان بزن و وعده و وعیده‌های رهبران قادیسه تضمین انتخابات آزاد مردمی نیست، بی بردند که «رهبر» و «امام» مت‌که با سوء استفاده از خواست‌ها و آرزوهای آنان قدرت را به جنگ آورده است هیچ نقشی برای توده‌ها قائل نیست و اگر لازم باشد که اینک مدت‌هاست هرروزه لازم است، یکشنبه در مقابل «۳۶» میلیون امتهرمان خواهد ایستاد. این تجارب گرانها نیز چون سایر تجارب توده‌ها به بیهای شهدای بسیار جوانان بسیار در بند دست آمده است و بر ماست که با جمع بندی این تجارب و ارتقاء آنها و استفاده درست و بجای آنان توده‌ها و جنبش انقلابی را گامی به جلو بریم.

تا دیروز توده‌ها که بیش چشم امید خود را به تغییرات ازبیا لادوخته بودند و از اینرو نیز تا کتیک‌های مادر خدمت تا بود کردن این ذهنیت و بریدن ایده عدم امکان هرگونه تغییر، در جهت منافع توده‌ها، ازبیا لادو ما اینک توده‌ها در وسیعترین ابعا خود تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و زیرسایه سر نیزه‌های عزیزان رژیم توهم خود را نسبت به با لاد دست داده اند، توده‌ها اینک دریا گفته اند که در چهارچوب این رژیم منافع آنان تا مین نخواهد شد، و این در شکل تشبیت شده آن به معنی بی بردن توده‌ها به لزوم سرگونی رژیم جمهوری اسلامی است. اینک پیشرو یا ید در عین تشبیت ذهنیت لزوم سرگونی رژیم به تبلیغ اشکال و شیوه‌های ایجاد تغییر بنیادی دریا لاد بردا، دوبا ید به توده‌ها گفت که تنها سرگونی انقلابی این رژیم قادر است گامی در جهت تحقق خواستهای آنان باشد. با ید به تبلیغ دولت موقت انقلابی و مجلس مؤسسان میبستی بران انتخابات آزاد مردمی پرداخت و به توده‌ها گفت تنها ما من انقلابی بودن دولت موقت، که پس از سرگونی این رژیم بر سر کار می‌آید، و تنها ما من برقراری انتخابات آزاد مردمی شکل و تسلیح آنان است، با ید به توده‌ها گفت تنها خلقی متشکل و مسلح قادر است از دستاوردهای انقلابی خود دفاع کند.

رفقا!
اگر چه ما کمونیستها انتخابات بورژوازی را نفی می‌کنیم و آنرا که نه شده و منسوخ میدانیم اما ما با تمام توان خود خواهیم کوشید تا آنرا برای توده‌ها نیز که نه سازیم. ما از اینرو خواهان انتخاباتی آزاد، مستقیم، مخفی، همگانی، که به عالیترین شکل بورژوازی انتخابات است، هستیم که توده‌ها در تجربه عملی خود این را نیز نفی کنند، اما به همین دلیل باید یکی از اهداف کوتاه مدت خود را تبلیغ و ترویج شکل مشخص و عینی انتخاباتی دمکراتیک پس از سرگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهیم. با ید توده‌ها را از سطح مشاهدات خود فراتر بریزد و به عمق کشانید و با برقراری ریسمانی سرخ بین تجارب عملی آنها، شناخت و آگاهی آنان را ارتقاء داد. اینک توده‌ها انتخابات فرمایشی را چه در شکل رستا خیزی و چه در شکل مکتبی عملاً تجربه کرده اند و در عمل نیز به نفعی آن رسیده اند، توده‌ها وعده‌های شیرین «رهبر» را در برگزاری انتخاباتی «آزاد» در کارزار مبارزه

طبقاً تی آزموده اند و دریا فته اند که قریبی بیش نیست اما توده‌ها بشکل خود بخودی قادر نیستند به نقش نیروی لایزالشان در این رابطه بی ببرند در اینجا است که پیشرو یا ید بر زمینه موجود به تبلیغ و ترویج آلترناوی انقلابی و خلقی بپردازد، و نقش شورا‌های انقلابی و مسلح توده‌ها را در رابطه با تضمین انتخاباتی آید را به وسیعترین شکل تبلیغ و ترویج کرد که آنهمه بین انتخابات رستا خیزی و مکتبی مشترک است نقش یکسان وزارت کشور و آژانهای مسلح از یکسو و بی اثر بودن نقش توده‌ها در کنترل انتخابات از سوی دیگر است. این وزارت کشور است که گاه کندهای ناخشناخته و انتصابی خود را به توده‌ها تحمیل میکند و آراء را بنا بر میل و خواست رژیم تغییر میدهد حال آنکه در این میان شورا‌های توده‌ها، که با ید اساسی ترین نقش را ایفا کنند بشدت سرکوب شده، غیر با نوسی اعلام می‌شوند، این پاسداران، اوباشان و نیروهای مسلح رژیمند که هرگونه مخالفت، هرگونه افشاگری، هرگونه اعتراض هرگونه خواست کنترل خلقی بر انتخابات را به شدت سرکوب میکنند و توده‌ها را به مسلخ وین میکشاند. حال آنکه توده‌های مسلح که با ید نقش اساسی را در کنترل انتخابات بر عهده داشته‌اند با شنیدن فتوای شرعی «امام» و بدست آرگانهای سرکوب رژیم خلق صلاح می‌شوند، با ید به توده‌ها گفت آنچه انتخابات آزاد دود کرا بینک را تضمین میکنند همین و آن رهبر، بلکه تنها قدرت مسلح و متشکل خلق است. در این میان با ید برای توده‌ها روشن کرد که نه تنها خمینی بلکه هر «رهبر» دیگر، هر گروه، سازمان، شخصیت دیگری که تنها به شعرا انتخابات آزاد تشکیل مجلس مؤسسان اکتفا نماید اما تسلیح توده‌ها و قدرت یافتن شورا‌ها یشان را نپذیرد و گامهای عملی در جهت آن بردارد به هیچ وجه قابل اعتماد نیست و انتخابات «آزاد» آنها نیز چیزی بهتر از انتخابات آزاد خمینی نخواهد بود. با ید به توده‌ها گفت پس از سرگونی رژیم جمهوری اسلامی تنها آنگاه آزادی انتخابات تضمین خواهد شد که آزادی میتینگ، تظاهرات، اجتماعات، احزاب، گروهها، نشریات، کانونها و انجمنها بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود، آنگاه آزادی انتخابات تضمین خواهد شد که شورا‌های مسلح کارگران و دهقانان و زحمتکشان قدرت یابند و کنترل مستقیم خود را بران اعمال کنند و در غیر اینصورت شعرا آزادی انتخابات جز شعاری کلی و توخالی چیز دیگری نیست.

رفقا!
کافی نیست سرگونی قهرآمیز رژیم را تبلیغ کنیم، کافی نیست تنها به تبلیغ تشکیل دولت موقت انقلابی و مجلس مؤسسان بپردازیم بلکه باید همواره به توده‌ها بگوئیم تنها ما من برقراری و تدوین آنگاه آنها بشکل انقلابی آن شورا‌های مسلح خلق است و گرنه دولت موقتی که پس از قدرت گیری این شورا‌ها و اعمال قدرتشان را بر سمیت نشنا سدرنشستی بجز دولت بازرگان نخواهد داشت. پس به میان توده‌ها برویم، بر تجربیات عملی آنان از شاه تا خمینی انگشت بگذاریم و آنها را نسبت به قدرت خود، و لزوم شکل و تسلیح خود پیش از پیش آگاه سازیم، ایمان داشته باشیم که پیروزی از آن خلقی متحد، متشکل و مسلح است.

وصیت نامه رفیق لقمان

رفیق من، من در این لحظه که در این عالم غریب و بیگانه ایستاده‌ام، می‌خواهم به تو وصیت کنم. من در این راه مبارک، از تو بسیار یاد گرفتم و از تو بسیار آموختم. تو مرا در این راه مبارک، با خودت همراه کردی و با من در این راه مبارک، دست یاری دادی. من در این راه مبارک، از تو بسیار یاد گرفتم و از تو بسیار آموختم. تو مرا در این راه مبارک، با خودت همراه کردی و با من در این راه مبارک، دست یاری دادی.

رفیق بابائی

خانواده رفیق بمناسبت هفتمین روز شهادتش برگزار شد و علی‌رغم تهدیدات رژیم مبنی بر عدم برگزاری مراسم، حاضرین آمدگی خود را برای حضور بر مزار رفیق اعلام داشتند و اکثر حاضرین آمدگی خود را برای مقابله با پاسداران اعلام داشتند. همکاران همسایه‌ها و آشنایان رفیق محمود برای برگزاری مراسم چشمگیر بود. دسته دسته کسبه، معلمان و کارگران و کارمندان بخانه رفیق میآمدند جمعی از خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی نیز حضور داشتند. فضای حاکم بر خانه رفیق حاکی از روحیه انقلابی و مقاومت و شور و هیجان حاضرین بود. شهادت رفیق تا شریسباری بروحیه مردم نهاد بود. مردم با حمایت بی‌دریغ خود از خانواده رفیق محمود و با شرکت فعال خود در مراسم شهادت محکم بردهان باوه گویان و مزدوران رژیم کوبیدند.

برند آنها را شلاق زدند و می‌گفتند تفنگها یقیناً را بدهید که هیچکس تحویل نداد.

مادر ادا می‌دهد تا دوسال از او خبری نداشتیم تا ناگهان به خانه پدر بزرگش فرستاد و خبر سلامتی اش را داد و با زتسا بیکسال از او خبری نبود تا با زهمنا مه‌ای از او آمد، در مدتی که از او خبر نداشتیم فکر میکردم کشته شده تا با لآخره روزهای قیام آمد و بیک هفته پیش ما ما ندوبنا زهم رفت.

از ما در میبرسیم وقتی مجدداً دیدیم او با زهم مجبور به ادا مد زندگی مخفی است چه فکر کردید؟ فهمیدم هدفی که اسکندر داشته هنوز با ما نرسیده و هنوز میخواهد ما را زه کندا ما اینساربا این حاکمیت که برایش قابل قبول نبود.

پرسیدیم آیا فکری می‌کردید و شهید شود؟ ما در گفت: نه، می‌گفتم و خیلی شجاع است خیلی دوران دیده است او را نمی‌توانستند بکشند. فکر میکنید اسکندر برای چه شهید شد؟ ما در میگویند: برای خلقها، برای زحمتکشان

رفیق لقمان

با شنیدنش قریب عمل آمد و بر روی اجساد رفقا آثار وسیع شکنجه دیده می‌شد، رفیق محمود گوش را بریده بودند و بر روی دستهای رفیق حسن آثار ضرب و جرح دیده می‌شد و بر روی بدن رفیق لقمان اصلاً آثار شکنجه‌ها کلمه دیده نشد و در سراسر بدنش کبودیها و ضربات محسوس بود، اینهمه در حالی است که رژیم و قیاحا نه وجود شکنجه را انکار میکنند.



پای صحبت مادر شهید اسکندر سیامل

۱۳ ساله بودم که سبیا مک متولد شد. در مدرسه بچه زیرکی بود و از هیچکس ترس نداشت، بچه شلوغ و شیطونی بود، از کلاس ششم به شهر رفت و با چند نفر از همکلاسیهاش خانه‌ای گرفت و به درس ادا مه داد و تا بیست و نه سال به صحرای (روستا) با زگشته و در آسیاب پدر بزرگش کار میکرد، تا کلاس نهم درس خواند و بعد رفت بعد از ۶ ماه برگشت وقتی از او پرسیدم این ۶ ماه کجا بودی گفت: در تهران پیش محمود خرم آبادی بودم و کار میکردیم (بنائش) لوله کشی - باغبانی - با خودش کتاب ماهی سیاه کوجولورا آورده بود، ۶ ماه پیش ما ما ندوبندنا نا مه‌ای متوسط دکترای عظمی و از جانب محمود برایش نوشته شده بودا و رفت و دیگر نیا مد (محموده دکتر گفته بود که در ایل بیرون نودیک نفر از شجاعترین و جسورترین آنها هست که میتوانیم او را با خودمان ببریم و رفیق اسکندر بود) از ما در میبرسیم که آیا از هدف او اطلاع داشتید؟ ما در میگوییم فقط میدانستیم که میخواهد شاه را بیرون کند ولی از کمونیست بودن و فدائی بودنش خبر نداشتم. رفتا رسا و اک با خانواده چگونه بود؟ ما در میگوییم چند بار به خانه ما ریختند، پدرش را بردند و کتک زدند، یکبار تمام منطقه را محاصره کردند و مردها را گرفتند.

کمکهای مالی دریافت شده

بیویان ۱۰۰۰	رخیز ۵۰۰	حمید ما هیگر - ۳۶۱۱	ش ۲۱۲۲	رفقای سنندج	۵۵۵۵	الف ۸۸۵۲
هواداران سازمان	۲۰۰ پ	حمیدرضا ما هیگر	کوپین ۷۵	رفقا ۱۲۵۶	۵۰۱۳	ص ۱۳۲۵
در آمریکا	سربندر ۴۸۹	مجا هدهشیدا حمد ن	۲۵۲۲	رفقای جنگزده -	۲۸۳۲	۲۲۲۲
ش - س نجسر	۱۰۱۲۳ ز	فدا نشید -	۲۵۲۲	شیراز ص ۱۴۴۴	۲۹۹۹	ب ۲۹۹۹
۹۶ د	۱۵۰۱ سرباز	نا صرفتوتی ۱۰۰۰	۲۵۲۲	معلم آخرا جی -	۲۹۹۹	ع ۲۹۹۹
شیکاگو ۱۹۰۰	۱۵۱۹ و	مرتضی طباشی -	۲۵۲۲	رفقای آسمل	۲۹۹۹	ح ۵۱۳
۱۵۰ د	۲۵۸۸ ج اهواز	۶۰ لیتر بنزین مغفی	۲۵۲۲	۴۲۲۲	۲۹۹۹	۵۵۰
رفیق سینستانی	۲۴۲۱ توماج	رفقای خرم آباد ب	۲۵۲۲	رفقای مشهد	۲۹۹۹	د ۵۲۸
۳۱۵ د	۲۱۱۰ آغا جاری	۷۰ لیتر بنزین	۲۵۲۲	رفقای خراسان	۲۹۹۹	ز ۱۰۱۰۰
۲۰۵ جمشید	۲۳۱۶ ص	گودرز ۲۱۲۳	۲۵۲۲	رفیق بهرام ۵۰۰۰	۲۹۹۹	۵۶۳۲
۱۳۰ دلاس	۱۱۱۲ رفقای دختر	۱۱۱۱ امیر	۲۵۲۲	رفیق لود ۲۰۰۰	۲۹۹۹	۱۶۳۲
۲۷ د	۱۰۱۹ رفقای درود	۲۱۲۵ ن	۲۵۲۲	رفیق مهران ۴۰۰	۲۹۹۹	رفقا یپا دگان
دا نشجویان -	۵۰۰۰ بخش چکینی	۳۳۳۳ ج	۲۵۲۲	رفیق بهنام ۴۰۰	۲۹۹۹	سعید سلطا نیور
۷۵ د	رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق بهمن ۲۰۰۰	۲۹۹۹	مونی ۶۰۰۰
پیتسبورگ ۱۳۱	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	نابدل ۴۰۰۰
۱۱۱۱ س	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	سلطا نیور ۴۰۰۰
پاها یو ۸۶/۵	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	دهقا نی ۲۵۰۰
بوستون ۱۸۰	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	جزنی ۱۰۰۰
رفقای مقیم فرانسه	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	مفتاح جی ۱۰۰۰
رفقای دیدزون -	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	احمدزاده ۲۰۰۰
۱۰۰ ف	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	فرهودی ۵۰۰
۱۵۰ ف	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	رفیق هواداران
پا ریس ج ۱۵۰	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	زادامیری گرگان
پا ریس ج ۲۵۰	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	۲۰۰ ریال
۱۲۵ د	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	رفقا یهدمان
۴۹۹ یک سکه	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	س ۱۰۱۹
آزادی	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	- ۲۵۵۵
رفقای لیل ۴۰۰۰	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	- ۱۹۶۵
رفقای مقیم سوئد	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
رفقای استکهلم -	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
۲۵۰۰ م	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
رفقای استکهلم -	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
۲۰۰ م	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
دا روشی ۹۸۷۶	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	
۵۰۰ ک	۲۱۰۰ رفیق گودرز هذانی	۱۹۰۰ ن	۲۵۲۲	رفیق حمده ۱۰۰۰	۲۹۹۹	

رژیم به نوکران خود هم رحم نمی کند

اینک رژیم جمهوری اسلامی سر مست از خون جوانان و وطن شمع را بر آستان خادمین و نوکران خود نسوده است. رژیم ما هاست دیوانه وار به قلب خلق نشانه رفته است و بی دربی شلیک میکند. ما هاست خون خلق در هر شهر و روستا جاری است. یورش جدید از کشتار کارگران شهر صنعتی البرز آغاز شد. شلیک به صفوف رزمنده و متشکل کارگران قهرمانان، آغازی تازه بود بر کرباهای بی درپسی رژیم پروری خلق. پس از آن ۳۰ خرداد فرارسید و ۱۷ شهریور نوین، میسدان شهدائی دیگر، کشتاری وحشانه، تیربار مسلسل، دشته و قمع و بیش از ۲۵۰ کشته، جوخه های اعدام نیز شروع بکار کردند. اعدام در بی اعدام، جزوا ولین قربانیان فدائی شهید سعید سلطانیور بود. خون فدائی اینبنازی با خون خلق با خون جوانان رزمنده انقلابی درهم آمیخت و جوشید. پس از ۷ تیر رژیم خشمگین و زخم خورده سیمانه تر به سر سوینجه کشید. اعدام ها بیشتر شد. روزی ۱۵ نفر، روزی ۳۰ نفر، روزی ۷۰ نفر و بالاخره روزی ۱۵۰ نفر به جوخه های اعدام سپرده میشوند. کشتاری که نظیر آن در تاریخ کمتر دیده شده است. کشتاری که بر طبق آمار موفعات متعدد جانی تنها در دو ماه معادل با بیش از دو برابر اعدامهای تمامی سال ۱۹۸۰ بوده است. در این میان آزادیها نیز از شهرها رخت نریست. دیگر صحنه های چون فروش نشریات، بحث های خیابانی، پخش علنی، بساط ها و دکه ها و... بسیار ردهور میتماید رژیم ترکتازی میکند و چون خفاشی خون آشام بال های شوم خود را بر میهن گسترده است. در تنای می مدت نوکر منشائی بودند که برای رژیم کف میزدند و چون دلنگان درباری برای جلادان خوش رقصی میکردند. کیا نوری مداحی میکرد، نگهدار شیرین زبانی میکرد و بی دربی نگه دار ارسال میداشت و پیمان نیز به همین گونه گروه های خائنین، فرصت طلبانی که بدرستی "جبهه" واحد ارتجاع "نام گرفتند بر تمامی این صحنه ها نظر راه میکردند. هر چند رژیم هزاران جوان انقلابی را اعدام کرده است اما فدا میریالیست است. هر چند هر گونه آزادی را از توده ها با سبب نموده اما فدا میریالیست است. هر چند کوچکترین اعتراض با گلوله پاسخ داده میشود و کوچکترین شکل توده ها با سرنیزه از هم می پاشد، اما رژیم فدا میریالیست است. هر چند قرار دادهای میلیار دلاری با میریالیسم منعقد میشود، هر چند تالیوت و کروب و میتسوکی از دسترنج زحمتکشان سیراب می شوند، هر چند در آغوش انحصارات نظامی غمره است اما فدا میریالیست است و هر چند توده های خلق در فقر و فلاکت، بیگاری و کورنسی، آوارگی و... غوطه میخورند و روز بروز بیشتر تحت فشار قرار می گیرند چه بسا که که رژیم فدا میریالیست است.

با دیده "چپ روها" تاخت که رژیم را از "راه رشد" منحرف میکنند و به سوی "امپریالیسم میزانش" با دیده "گروهکها" تاخت که به رژیم اجازه اعمال "دمکراسی انقلابی" را نمی دهند، با دیده شمشیرهای چوبین بر آسیاب های بادی تاخت و فریاد زد "مرگ بر امپریالیسم" چه باک کسسه سعیدها، فاضل ها، اسکندرها، وهزاران - فدایی و مجاهد دیگر اعدام شوند دنیا بد در سوگ "فلاحی" اشک ریخت که "فرزند انقلاب" بود و با دیده مان "امام" و بیخت چه باک که سراپا آغشته بخون خلق باشد. اما علیرغم تمامی چاکر منشی های خائنین، ما تمامی صحنه را از ما هها پیش پیش بینی کرده بودیم. ما با رها گفتیم رژیم این چنین خونخوار به نوکران خود نیز "رحم" نخواهد کرد و گریه صفات نه بچه های خود را نیز خواهد خورد. ما گفته بودیم: هربران خائنین این گروهها "در کشتارها و سرکوبیهای رژیم شریکند و این لکه ننگ را بر دامن شما نیز نهاده اند اما بدانید این رژیم حتی به سازشکاران نیز رحم نخواهد کرد. هدف این رژیم - برقراری ریاست سرکوب و ترور ریاست و در این راه مسلم است هرگاه بتوانند سرکوب نیروهای انقلابی را به پیش برد به کشتار و رهبری دیگر، حتی سازشکاران نیز خواهد پرداخت (کار ۱۱۶، ۱۰۵ تیر ماه) اینک آن زمان فرا رسیده است رژیم در یورش های جدید خود این خادمین وفادار را نیز بی نصیب ننهاد است. حملات جدید و "بگیر" حزب جمهوری اسلامی به "مناکات" در نشریات حزبی بشکلی کاملاً "بارزیده" میشود. آغازی برای - حمله بود که یا دستگیری های متعدد صدها اکثریتی و توده ای در تبریز و دیگر شهرها تداوم یافت و در نهایت به اعدام چند اکثریتی در شیراز و یکی از آنها در تهران انجام میدهد. اینک آب درخوابیگانه مورچگان افتاده است. خائنین "کمیته مرکزی" علیرغم تمامی این حرکات رژیم هنوز نیز به سوق دادن آن به سویالیسم دل بسته اند و به قرار دادی چند باره شمالی خوشند. و به همین لحاظ نیز از وحشت آنکه هواداران نا آگاه "چپ" بزنند و به دامن آمریکا بغلتند هنوز این مسائل را عیان نگرده اند و تنها به استغنا به درگاه رژیم اکتفا میکنند. "اکثریتیون" در "ارگان" خود به شماره ۱۳۰ می نویسند "علیرغم مواضع بسیار روشن و قاطع سازمان مادر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و علیرغم شرکت فعال فدائیان خلق (اکثریت) در همه جبهه های مبارزه علیه فدا انقلاب... طی سه ماه گذشته صدها عضو هوادار سازمان در تبریز و سایر شهرستانهای آذربایجان از سوی کمیته های انقلاب، سپاه پاسداران وادگاه های انقلاب بازداشت و هم اکنون نزدیک چندن از آنان بلامتکلیف در زندان بسر میبرند... "اکثریت" به مفتضحانه ترین و زیوانه ترین شکل اعتراف میکنند که در "همه جبهه های مبارزه علیه فدا انقلاب" "شرکت فعال" دارد. و در این مورد به خیا نتهای مکرر در سرکوب انقلاب اشاره دارد، "اکثریت" به شرکت در بسیج، شرکت در سپاه، شرکت در برهم زدن میتینگ های انقلابی، شرکت در سرکوب تظاهرات، شرکت در شناسائی "خانه های تیمستی" شرکت در لو دادن انقلابیون، شرکت در شناسائی دستگیر شدگان، شرکت در سرکوب

اخیر کردستان و شرکت در "همه جبهه های سرکوب خلق" اشاره دارد اما تمامی اینها بی فایده است. هر چند "اکثریتیون" نمی خواهند بروی خود بیایند ورنه "دمکراسی انقلابی" شان تورا ز آب برآمده است اما با دید پرسید این چگونه دمکراسی است که حتی به بی آزارترین و سربزیرترین نیروها نیز رحم نمی کند، چگونه دمکراسی است که علیرغم تمامی جاسوسی ها، همکار ریها، تلگراف های سراپا تعظیم به محض امام شان، و علیرغم حتی تأیید ارتش و سیستم ضد خلقی آن، علیرغم بساط آوردن فلاحی ها و کلاه دوزها در مزه شهیدان انقلاب و... با زهم "اکثریتیون" توده ایها یا خائنین را دستگیر و کشتار میکنند، این چگونه دمکراسی است؟ مگر نه اینک حتی شاه به پان ایرانست ها و دیگر مجیزگویانش مهلت شرکت در مجلس را میداد و مگر نه اینک حتی شاه مخالفین "غبیفی" چون نهضت آزادی را "تحمل" میکرد پس بدین طریق با دید خود بقولانی که رژیم شاه رژیمی اسپر دمکرات انقلابی بوده است!! بهر او هر چند اینک خیاطان در کوزه افتاده اند و هر چند علیرغم تمامی "زبرکیشان" به دام جلا دگرفتار آمده اند اما با دید گریه هواداران "اکثریتیست" همدار می دهیم. این رژیم حتی به نوکران خویش نیز رحم نمی کند. هر چند اینک آنچنان به قدر صغوف فدا انقلاب - رفته اند که دیگر مجالتی برای اندیشیدن نیست و گرچه اینک آنچنان به فعل اندیشیدن - های پلیسی و یا فدا انقلابی آمده اند که تجالی برای "توبه" نماننده با سار دیگر ببینید، بنگرید که چگونه نوجوانان ۱۵ ساله اعدام می شوند، بنگرید که چگونه کمترین حقوق انسانی با یعام میگردد بنگرید که چگونه حتی خادمین رژیم نیز خواب راحت ندارند، نوبت شما آنگونه که ما ما هها پیش گفته بودیم فرا رسیده است شاید شما که نتوانستید از خلق سیا موزید و آنگاه که خلق بر رژیم روی بر میگردد و به رژیم روی آوردید بتوانید از تاریخ بیاموزید.

تجربه جهانی امپریالیسم ۰۰۰ از صفحه ۱۹
اما روشن است که برای امپریالیسم سرکوب مبارزات خلق و کشتار انقلابیون و نابودی تشکل توده ها مهم است و تنها چیزی که در این میان اهمیت ندارد - دستی است که از آن خون می کشد. و در همین رابطه نیز باید گفت که بر احتی از این تحلیل - که پراستی تحلیل راستین رژیم در مبارزات فدا میریالیستی اش - میباید مینویسند که به ما هیبت ارتجاعی دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با رژیم های سرسپرده - ای چون مصری برد حکام جمهوری اسلامی تنها خواهان جایگزینی شهر مزدوری چون سادات با شهرهای مستقلی چون "آخوان المسلمین" اندا (بگذریم) از دستهای پنهان که در پس این شهر مستقل مخفی است (آنان در تنها چیزی که کوچکترین شکی بخود راه نمی دهند لزوم کشتار و سرکوب خلق، لزوم تداوم استعمار و وابستگی و لزوم هم زدن بر مبارزه - طبقاتی است. تنها چیزی که در آن شکلی نیست لزوم وجود کمیت شهر است، دعوا بر سرانست که جلاد در مقابل کشتار پولسی بستند و با به لیختندی و نوازشی دل خوش کند.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

اخبار سازمان

۱- همدان (دبیرستان ابن سینا)
در این دبیرستان نماندگان و علما صراحتاً
اسلامی در هر جا که دانش آموزان جمع
میشوند مانند سالن و لگدر جولان می
دهند (در جلوسالها - زمین بازی جلسو
توالی و...) در یک لحظه مناسب ۶۰ -
اعلامیه در بین بچه ها پرتاب شد. دانش
آموزان با سرعت اعلامیه ها را تا کرده در
جیب میگذارند و یا چندتا می شغول
مظالم آن میشدند. جواختنای شکسته بود.
جاسوسان (حزب الله) اینور و نورمی
دویدند و میگفتند بگیریدش. در طول ساعت
درس رئیس دبیرستان ۴ نفر را بدقترا حصار
کرد و گفت ما میدانیم شما پخش کردید و
سروکار شما با دادگاه انقلاب است و در
جواب یکی از آنان که گفت شما ربطی ندار
رئیس دبیرستان با عصبانیت فریاد زد
ما وقتی آسوده میشویم که عاملین اصلی
را بگیریم. فردای آنروز و نفر از مزدوران
حزب اللهی بهمراه رئیس دبیرستان -
دانش آموزان را با زور بیرون کردند و -
زنگ تفریح دانش آموزان را جمع کرده و -
شروع بستن را می کردند دانش آموزان -
خواست که با انجمن اسلامی همکاری کنند
و سپس فریاد زد: باید بکشیم اینها را و
گفت همه آنها می را که با تعهدنا منویسی
کرده ایم به دادگاه انقلاب معرفی میکنیم
و عامل اینکار را پیدا خواهیم کرد. اگر صد
نفر هم با شندهما را خواهیم کشت و بعدنا مه
دادستانی را خواندند ما دانش آموزان مه
تنها با لبخند تمسخر پاسخ این مزدورو -
بازیچه سرمایه داران را دادند. این
جریان وحشت رژیم را از آگاهی دانش
آموزان بخوبی بنمایش گذارد.

۲- خوزستان
ما هشر در تاریخ ۶/۷/۸۰ در کس
آموزش و پرورش ما شهر (شقیح پور) -
تلگرافی به اداره کل آموزش و پرورش -
(بلادیان زده که در آن از جلسه ای که در
تاریخ ۶/۷/۸۰ متشکل از زو حایت متعهد
محل شهر با نی: زاندا رمزی، سپاه پاسداران
و دادگاه انقلاب تشکیل شده صحبت شده است
و این جلسه برای تشکیل ستاد منیت در
مدارس بوده است. در این تلگراف گفته
شده که دستورات لازم به مدیران داده شده
و اقدامات بعدی به استحضار آن اداره
خواهد رسید.

در این ستاد که در مدارس تشکیل شده -
احتمالاً رئیس معاون و یک یا چند معلم
مدرسه حضور خواهند داشت. قابل ذکر است
که شقیح پور اخیراً بجای هاشمی به سمت
ریاست اداره آموزش و پرورش منصوب -
شده و با ورود وی کسری تغییر و تحولات -
صوری در کارهای اداری صورت گرفته -
و از آن جمله جدا کردن دفتر کارخانها
از آقایان!

در هفته دوم مهر اعضای انجمن
اسلامی مدرسه را همتا می صدق به یکی
از کلاسها میروند و دانش آموزان می
پرستند که کسی میخواهد عضو انجمن اسلامی
شود سپس حدود نیم ساعت برای دانش
آموزان صحبت میکنند اما حتی یک نفر
داوطلب پیدا نمیکند و دست از پا درازتر
کلاس را ترک مینمایند.

دانش آموزان آگاه با یکدیگر ملاقات
با شنیده در این مزدوران گرفتار -
نشوند. همچنین در مدارس زنجان جهت
جلوگیری از فعالیت انقلابی دانش
آموزان، تفتیش بدنی شدت اعمال میشود.

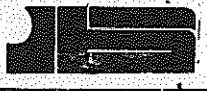
۴- مشهد
مدرسه پروین اعتصامی - کثرت
شعراهای انقلابی بر درودیوار نقسدر
زیاد است که فانیانهای انجمن اسلامی طی
شکایتی که به مدرسه کرده اند آمده: "پاک
کردن ما از یک از روی کاشیهای توالیست
درها و نیمکتها خیلی مشکل است ما بسا
اینکه نیروی زیادی داریم خسته میشویم
چون هر روز شعرا را با پاک میکنیم و دو -
با هر فردا میبندیم شعرا رنوشته شده است"
درود بر دانش آموزان انقلابی که مزدوران
رژیم را رانده کرده اند.

همچنین در این مدرسه خانم
پروین عبدالله (مربی پرورشی) از پاداران
خواستگاری پاک کردن شعرا را می "گفتار
و منافعین" که منظور شعراهای انقلابی -
است بعد از بیاید. پاداران از این
مسئله که در شان آنان نبوده شدیدا ناراحت
شده و گفتند این کار ما مربوط نیست ما
حقوق بگیریم و دانش آموزان را دستگیر کنیم
نه اینکه شعرا را توالی را پاک کنیم و
از این کار ما متناع کردند و سپس گفتند: -
واقعاً "خواهر ما سفیم مگر شما تفتیش بدنی
بلند نیستید! این مزدوران تمیذا تندکده
خلایقیت نیروهای انقلابی سدهرگونه تفتیش
را می شنند.

۵- مدرسه فک اشتر - (۷/۱۵) در این روز
نیروهای سیاسی ترتیب یک اعتراض را
نسبت به ساعت درسی دادند با ترتیب
که بعد از نصف صبح کلاسها بجز کلاسهای -
اول (بدلیل عدم ارتباط با بقیه) به کلاس
ترفتند و خواهان تغییر ساعات درسی شدند
و پس از تهدیدهای ناظم و انجمن اسلامیها
مدیر در جمع دانش آموزان حاضر شد و گفت
من هم از این شکل کار ناراحت هستم و...
وقول داد که حتی لامکان ۳ روز در هفته بعد
از ظهرها مدرسه تعطیل باشد.

در تاریخ ۶/۷/۱۱ در مقادری اعلامیه
در یکی از مدارس پخش شد و تحت حزب -
اللهیها را برانگیخت از فردای آنروز
تفتیش بدنی شدید تر شد. مجدداً "در تاریخ
۶/۷/۱۴ در مدرسه اعلامیه پخش شد و تعجب
جاسوسان حزب اللهی و مدیر مدرسه را بر سر
آنگیخت چون تصور نمیکردند با آنهمه
تفتیش بدنی که میکنند با زهم اعلامیه وارد
مدرسه شود آنها جورا بها - ته کفش ها،
موها، پشت کردن، زیرپوش و روپوش و حتی
لای کتا بها و دفترها را میگردند، یکی از -
بچه ها میگفت: با یک الله به این چریکهای
فدائی، هر چند طرفدار هیچ گروهی نیستیم
اما آنها را تحسین میکنم و فکر میکنم
چطوری اعلامیه به مدرسه آورده شده و اقامت
ثابت کرده اند که کاری را که میخواهند می
توانند انجام دهند. عکس العمل دانش
آموزان متفاوت بود برخی از دانش آموزان
اعلامیه ها را میخواندند و دوباره سر
جایش میگذارند و بعضی بچه ها در جیب
شان میگذارند.

روز ۶/۷/۱۵ مسئول امور تربیتی
(طبری) در سر صف التماس میکرد که بچه ها
دست از این کارها بردارند اما بچه ها
اصلاً به صحبت های او گوش ندادند و بسا
یکدیگر صحبت میکردند و از شدت عصبانیت
فریاد زد: ای چریک فدائی کثافت نجس
بروگمشو و بچه ها بیت را بخارج مدرسه
ببر. من از دست شما دارم دم میکنم قلم
گرفته نمی فهمم چه میخوانید دم از ختنای
میزنید، کدام ختنای کدام تفتیش بدنی.



و چون دید که با این دروغها خودش را -
رسوا میکنند گفت اگر اینکار را میکنیم
بخاطر امنیت محصل است. و در خاتمه
گفت شعرا مرگ بر فدائی بدهند که تعداد
کمی از روی ترس این شعرا را دادند
البته مزدوران که جای خود دارند اما
عکس العمل بچه ها در حین سخنرانی غالب
بود آنها با خوشحالی میگفتند عجب طبری
آتش شده و به التماس افتاده و به قدرت
لا یزال خود بیشتر بی بردند.

* در همین مدرسه یکی از دانش آموزان
آنقدر با دستمال کاغذی نخپچ کرده بود که
بصورت شیئی مشکوک در آمده بود و هنگامیکه
زبان اللهیها تفتیش بدنی میکردند
تصور کردند نا به دفتر مدرسه بردند و خیلی
با احتیاط شروع به پاک کردن نخها کردند
و هنگامیکه از میان دستمال سبب بیرون
آمد طبری رنگش پرید و پشت عصبانی شد
که چگونه با بچه دانش آموزان واقع شده و
جریان در سطح مدرسه منعکس گردید.
(توضیح = رفقا در گزارش خود اسم مدرسه
را مشخص نکرده اند)

گمراهیها

گیلانغرب - آموزش و پرورش گیلان
غرب در تاریخ ۶/۷/۸۰ اقدام به تصفیه ۶۰
نفر از معلمین نموده است این عده ۶ ماه
پیش نیز اخراج شده بودند اما ۳ ماه پیش -
مجدداً از آنها دعوت بکار نمودند. از
تصفیه شدگان ۴ قطعه عکس و دو برگ فتوسو
کپی با مشخصات کامل خواسته شده است -
صورت اقدام به اعمال با صلاحیتها انقلابی
آنها را دستگیر نمایند. اگر مردم از این
اعمال ضد انقلابی حکومت ایران را رضایی
میکند. این اعمال رژیم نشانه اوج -
وحشت حکام رژیم زرد و گسترش مبارزات
توده ای است.

اسلام آبشار غرب

دبیرستان شریعتی - در این -
مدرسه اکثریتی های راست این مزدوران
بی جیره و مواجب دست به شتابانی هواداران
سازمانهای انقلابی زده و به دفتر مدرسه
معرفی میکنند. در هفته اول مهر اسم
دو نفر از هواداران مجاهدین را به دفتر
دادند که بلافاصله دستگیر شدند.

شعری از رفقای دانش آموز مشهد

من شاگرد کلاس اول هستم
آموزگارمان سخت گیر است
دلش میخواهد تا دانش آموزان
در امتحان بزرگ شرکت نکنند
- و همه شرکت میکنند در این امتحان -
دلش میخواهد تا همه قبول شوند
- و همه قبول خواهند شد -
پس آنگاه فشار می آورد و برای هجی کلمات
زیرا میداند که در کلاسها با لاتر چه می
و همچنین شاگردان زرنگ گذرد

من شاگرد زرنکی نیستم
و کلمات را به خوبی هجی نمی کنم
ما امروز حرف "ب" را امتحانیم و فردا
حرف "م"
و آنگاه دوباره حرف "ب" را دوره میکنیم
آموزگارمان میگوید
کلمه بمب راحت هجی میشود
اما من مانم
مشکل است درست کردنش
شاگردان زرنگ
بهمین محمد، بهنام
حتی میداند چگونه با یاد ترا بکاربرد
چون اول حرفهای آنان را کلمه بمب را
براحتی می سازد!

۶۰/۶/۱۲

اخبار شهرستانها

استان کرمانشا

اسلام آباد در غرب - ۶۰/۶/۲۷

اسلام آباد و همراه چند خانواده از استان کرمانشا به سمت اسلام آباد مهاجرت کرده اند. این افراد در این شهر به دنبال فرصت های اقتصادی و اجتماعی هستند. آنها در این شهر با استقبال گرمی مواجه شده اند و در حال حاضر در مناطق مختلف شهر ساکن شده اند.

اسلام آباد در غرب - ۶۰/۶/۲۷

اسلام آباد و همراه چند خانواده از استان کرمانشا به سمت اسلام آباد مهاجرت کرده اند. این افراد در این شهر به دنبال فرصت های اقتصادی و اجتماعی هستند. آنها در این شهر با استقبال گرمی مواجه شده اند و در حال حاضر در مناطق مختلف شهر ساکن شده اند.

خوزستان

اهواز - مبارزات دهکده داران

جندی بیش دهکده داران اهواز زبغوان اعتراضی به جمع آوری دهکده ها ساعت ۷/۵ صبح روز شنبه در اهواز به حرکت درآمدند. جمعیت در اهواز به رهبری چاه زراعی با انجمن خیمین به ۵۰ نفره سرودند. دهکده داران در اهواز به رهبری چاه زراعی با انجمن خیمین به ۵۰ نفره سرودند. دهکده داران در اهواز به رهبری چاه زراعی با انجمن خیمین به ۵۰ نفره سرودند.

تهران

۶۰/۷/۱۸ سپاه پاسداران بسیج و با ند - ای سباه حزب اللهی طی یک "ما نسور" مشترک تحت پوشش ما شین گروهی در تمام نقاط شهرستان مشهد و پس از پیاده کردن مسافرین ما شینها و توبیوها و بیوزگشتن تمام قسمتهای ما شینها در صورت مشاهده حتی نوار درون ما شینها آنها را شکسته و با سنج هرگونه اعتراضی را با فحش و توهن و حتی تیراندازی هوائی میداندند. بیوزگشتن در اعتراضی یک زن ۵۰ ساله با این اعمال وحشیانه شروع به شلیک تیر هوائی کرد و حتی در طول یک خیا بان ۴ بار تیر ما شین را می کشیدند. این عمل وحشیانه که جهت گسترش جوایع و پوشش در شهر صورت گرفت، متشرفان آنجا و مردم را برانگیخت. در همین روز ۱۶ نفر را گرفتار کرده اند. ظنین شده بودند دستگیر کردند.

زنجان

۶۰/۷/۱۶ عمو روز پنجشنبه - با زار - چنانگه جمهوری اسلامی که بیوزوها از ترس به ما خوشن ما هم تنگ می کنند، جوان ما شانی را در حوالی شهرستان زنجان از نا حیه سرور و صحت هدف گلوله فرار داده و به شهادت رساندند. ما در - با زری بدنی از جدوی شهادت ۲۵ نوسان پول خریدیمت آوردند. این جنایت - هولناک خشم مردم زنجان زنجان را برانگیخت و رهبران و جوانان این شهر حتی جهت اعلام خبر را هم کردند. در همین راه به هواداران ما زان زنجان طی تراکتهای این جنایت مزدوران رژیم سرکوب کردند.

استان کرمانشا

درهفتک - از اهل مهربان ساکنان در این شهر که به دنبال فرصت های اقتصادی و اجتماعی هستند. آنها در این شهر با استقبال گرمی مواجه شده اند و در حال حاضر در مناطق مختلف شهر ساکن شده اند.

خوزستان

اهواز - مبارزات دهکده داران اهواز زبغوان اعتراضی به جمع آوری دهکده ها ساعت ۷/۵ صبح روز شنبه در اهواز به حرکت درآمدند. جمعیت در اهواز به رهبری چاه زراعی با انجمن خیمین به ۵۰ نفره سرودند.

تهران

۶۰/۷/۱۸ سپاه پاسداران بسیج و با ند - ای سباه حزب اللهی طی یک "ما نسور" مشترک تحت پوشش ما شین گروهی در تمام نقاط شهرستان مشهد و پس از پیاده کردن مسافرین ما شینها و توبیوها و بیوزگشتن تمام قسمتهای ما شینها در صورت مشاهده حتی نوار درون ما شینها آنها را شکسته و با سنج هرگونه اعتراضی را با فحش و توهن و حتی تیراندازی هوائی میداندند.

زنجان

۶۰/۷/۱۶ عمو روز پنجشنبه - با زار - چنانگه جمهوری اسلامی که بیوزوها از ترس به ما خوشن ما هم تنگ می کنند، جوان ما شانی را در حوالی شهرستان زنجان از نا حیه سرور و صحت هدف گلوله فرار داده و به شهادت رساندند.

استان کرمانشا

۶۰/۷/۱۹ سپاه پاسداران بسیج و با ند - ای سباه حزب اللهی طی یک "ما نسور" مشترک تحت پوشش ما شین گروهی در تمام نقاط شهرستان مشهد و پس از پیاده کردن مسافرین ما شینها و توبیوها و بیوزگشتن تمام قسمتهای ما شینها در صورت مشاهده حتی نوار درون ما شینها آنها را شکسته و با سنج هرگونه اعتراضی را با فحش و توهن و حتی تیراندازی هوائی میداندند.

خوزستان

اهواز - مبارزات دهکده داران اهواز زبغوان اعتراضی به جمع آوری دهکده ها ساعت ۷/۵ صبح روز شنبه در اهواز به حرکت درآمدند. جمعیت در اهواز به رهبری چاه زراعی با انجمن خیمین به ۵۰ نفره سرودند.

تهران

۶۰/۷/۱۸ سپاه پاسداران بسیج و با ند - ای سباه حزب اللهی طی یک "ما نسور" مشترک تحت پوشش ما شین گروهی در تمام نقاط شهرستان مشهد و پس از پیاده کردن مسافرین ما شینها و توبیوها و بیوزگشتن تمام قسمتهای ما شینها در صورت مشاهده حتی نوار درون ما شینها آنها را شکسته و با سنج هرگونه اعتراضی را با فحش و توهن و حتی تیراندازی هوائی میداندند.

زنجان

۶۰/۷/۱۶ عمو روز پنجشنبه - با زار - چنانگه جمهوری اسلامی که بیوزوها از ترس به ما خوشن ما هم تنگ می کنند، جوان ما شانی را در حوالی شهرستان زنجان از نا حیه سرور و صحت هدف گلوله فرار داده و به شهادت رساندند.

اخبار

اردبیل

اردبیل که در زمان شاه فقط یک زندان داشت، زندان شوربانی اکنون به برکت حکومت جمهوری اسلامی دارای هفت زندان میباشد که علاوه بر زندانهای فوق زندان واقع در ساخن، حزب رستاخیز سابق، دادگستری سابق، مهملای سابق، ساخن سابق، سیبج، زندان واقع در سیلو و زندان واقع در ساخن، روبا، تمام خانه جوانان و وابسته هلال احمر میباشد. لازم بذکر است که چند ماه پیش نیز اعتراضی بمیزان ۱۸۰۰۰۰۰۰۰ (یکصد و هشتاد میلیون) ریال برای احداث یک زندان جدید در این شهر بتصویب رسیده است!

خبری از زندان اوین

روز پنجشنبه ۳۰ مهر، بدنبال سخنان موسوی تهریزی مبنی بر اجازة ملاقات به خانواده ها و تحویل لباس و مواد غذایی خانواده زندانیان سیاسی از صبح زود، خلوزندان اوین جمع شده و برای فرزندانشان گل و شیرینی آورده بودند و خواستار ملاقات شدند. اما بجای ملاقات پاسداران مزدور با شلیک تیر هوایی خانواده ها را متفرق کردند و با این حرکت وقیحانه خود ثابت کردند که تمامی تبلیغاتشان مبنی بر دادن ملاقات دروغ مفتضحانه ای بیبند نیست و این نیز تلاش مذبوحانه جهت فریب افکار عمومی جهان میباشد.

گزارشی از مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت سه فدائی خلق در مشهد بمناسبت بزرگداشت چهلمین روز شهادت ۳ فدائی خلق رفیق بهمن رهبر و رفیق محمد فریدی و رفیق بهمن رهبر خوانده، این رفقا و دیگر خانواده های و رفقای همزمان بر مزار آنان گسرد آمده و با دشان را گرامی داشتند. در این مراسم رفقا سرودهای سازمان را گاه همواره زمزمه های رفقای شهید بود. خوانندگانی از سازمان در مشهد طی اعلامیه ای که پخش کردند در رفقا را گرامی و حرکات فداکاری و حیوانی رژیم جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان آفشاء نمودند.

همچنین مادر رفیق پیشگام شهید بهمن رهبر روز اول مهر دستگلی رابه یادبود پسرش به هنرستان صنعتی مشهد برد که مورد استقبال رفقا و همکلاسیهایش قرار گرفت. بهمن بناسبت اعلامیه ای از سوی هواداران سازمان منتشر شده که در آن میخوانیم:

"ما از مرگ قویتریم، بگذار رهسال چون برنجاران درومان کنند، سال آینه شده بر بار ترخواهیم روشتید"

در حالی چهلمین روز شهادت سه تن از بهترین فرزندان خلق، سه فدائی شهید، بهمن رهبر، بهمن رهبر، محمد رضا فریدی را گرامی میداریم که هر روز رژیم جنایتکار و خون آلود جمهوری اسلامی صدها تن از بهترین مبارزان خلق رابه جوخه عداومی سپاراد و هزاران زندانی سیاسی را که زیر شدیدترین فشارها و شکنجه ها قرار دارند و در لحظه خطر عدا مدبسته - جمنی زندگی آنها را تهدید می کند - بسده اسارت خود دارد، بهمن و بهنام و محمد که در روز ۱۱ شهریور بعد از حدود ۳ ماه تحمل وحشیانه ترین شکنجه ها در زندان، با اراده آهنین و عزمی راسخ، شایسته

یک فدائی، تا آخرین لحظه از منافع و آرمان کارگران و زحمتکشان دفاع - کردند و برخلاف خواست رژیم لب به سخن نگشودند، سرانجام سرود خوانان به جوخه عدا م سپرده شدند.

هموطنان مبارزان زحمتکشان ایران! کسی که در برابر این جنایات سکوت اختیار کند در برابر تاریخ و نسلهای آینده مسئول خواهد بود، متحد و یکپارچه بیا - خیزید، و با براه انداختن اعتراضات و اعتصابات و تشکل در شورا های انقلابی، رژیم ترور و اختناق را به زانو در آورید. تنها راه نجات، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای شما کارگران و زحمتکشان با همیاری کمونیست ها و دیگر انقلابیون و سربازان یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران است.

زندانی سیاسی آزادیایدگردد، شکنجه و اختناق نابود یایدگردد! مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده بیداد شورا های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلسی مؤسسان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - مشهد

شعری بیاد رفقا، بهمن، بهنام، محمد زندان زندانهای سرمایه تاریک و سرد در بندند اسیران

آزادی در قلب آنان خانه داران

بهنام منظم و پاکیزه بهمن سرشار از سرور و سزندگی محمد متفکر و خندان تاریکی و سرما را تبدیل به گرما می کنند و در خیم در حالیکه خود را می خورد می دانند که آرزو ندگی اوست

دژخیم، پاسدار سرمایه بر سر عدا مان دعا می کند ولی آنان محکم و استوار چون سرو ایستاده ایستاده اند تا دستور تیر استقلال، کار، مسکن آزادی را در دل دیگران بپاشند

وبهمن به تمام جهان سرمایه و بیایگه ها خلیش شداد رمی دهد پیروز با دپرو لستاریا مرگ بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی ۶۰/۶/۱۸ تهران

استاندا تهران در تاریخ پنجشنبه ۳۰ مهر جیت زدن کلنگ ساخن مسجد خاک سفید بیدانجا آمد، یکی از اهالی، خواستهای مردم خاک سفید را بشرح زیر مطرح کرد: ۱- دادن سندها های زحمتکش منطقه ۲- تامین آب و برق دولتی - ۳- تسطیح و اسفالت خیابانهای اصلی و فرعی - ۴- ایجاد مدرسه را همنامی و در مانگاه ۵ - ایجاد تلفن عمومی - ۶- تامین ارزاق عمومی مردم - سپس استاندا شروع به صحبت



کرد و گفت: "ما برای ایجاد مسجد آمده ایم نه برای این مسائل، مدرسه را بیدار آموزش و پرورش اجازة دهد و آموزش و پرورش هم - مجوز میخواهد، در مانگاه را وزارت بهداشت بایدا جازة دهد و آنهم نمی و اندیدهد. همینطور همه مسائل شما، برید روستا هاتان آنجا گوشت هست - ما ست هست، روغن هست (مسخره مردم و خنده) ما تمام بودجه را برای آباد کردن روستا ها گذاشته ایم و نمی توانیم تهران را از این بزرگتر کنیم، اصلاً ضد انقلابیون کلنگ اینجسما (خاک سفید) را زدن و شما فریب خوردید و آمدید" (توضیح اینکه خاک سفید قبیل از انقلاب توسط مردم مصدرا انقلابی شده) مردم اغلب مسخره میکردند و میگفتند: میگردیم، مثل اینکه ما از خوشبختی آدمیم اینجا، نفس از جای گرم در میآید، تا بحال دستش توی جیب خالی تر نشسته تازه گوشت توده کیلویی ۱۰۰ تومنی هم پیدا نمی شه اگر هم پیدا بشه کوبولس، معنی طرفداری از مستضعف و رفقه می دیم، همنش حرته، در پایان بین افراد انجمن اسلامی محل ورثیس انجمن اسلامی نواب صفوی درگیری شد، دومی کتک مصلی خورد و اپاسداران هم که فکر میکردند طرف مجاهد است بشدت او را زدند و بر دندندان. در این جریان با زدید مردم به تجربه دریافتند که دولت قدمی برای آنها بر نخواهد داشت. (توضیح اینکه خاک سفید جمعیتی در حدود ۵۰۰ هزار نفر دارد، ۵۰٪ آن روستایی و اقشار فقیر و زحمتکش هستند ۲۰٪ اجاره نشین ۱۵٪ کپرنشین ۱۰٪ افغانی میباشند)

دوشنبه ۲۰/۷/۶۰ در نزدیکی تقاطع ویلا حافظ در تهران پاسداران بسنه خانهای حمله میبرند، مردم همگی جمع شده و تماشا میکنند، پاسداران مداه و مساه خطاب به مردم اعلام میکنند که تا سه می شما ریم اگر هنوز ایستاده با شید دستگیرتان می کنیم، اما علی رغم تکرار مکرر این تهدید - ها مردم بیجگری برآکنده نمی شوند. مجاهدین داخل خانه (که گویا ۱۴ نفر بوده اند) تماشا "بجز یک نفر فرار میکنند نفر آخر بعلت آنکه ضمن فرار تیر به پایش مدخورد در وسط خیابان با نا رنج خود را منفرج میکند، و تما می قطعات بدنش در خیابان پخش میشود، مردم با تاشرفرا وان ضمن عبور از کنار قطعات جسد روی خون - مجاهد شهید پول می ریختند و بدین طریق با توسل به سنتی قدیمی حمایت خود از انقلابیون و نرجا رونق ترشان نسبت به رژیم را نشان میدادند، و از سوی دیگر بطرق مختلف شادی خود را از فرار بقیه مبارزین نشان میدادند.

قابل توجه رفقای هوادار در میان

اخیرا گزارشی دریافت داشته ایم مبنی بر اینکه شخصی تحت عنوان "جناسخ" ما رگبست - لنینیست "سازمان با - هواداران منطقه، تماس هائی گرفته است و با ارائه برخی اخبار جعلی و مشکوک، خود را مرتبط با سازمان قلمداد نموده، و از رفقا خواسته است که مکانات و اطلاعات ونیروی خود را در اختیار وی قرار دهند. بدینوسیله اعلام میداریم که این عنصر مشکوک هیچگونه ارتباطی با سازمان ندارد و تاکنون در پی ارتباطاتی که با هواداران سازمان گرفته است، عده ای از آنان - دستگیر شده اند.

گرامی باد خاطره فدائی خلق رفیق محمود بابائی



رفیق محمود بابائی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده کارگری در آغاجاری متولد شد پدرش که کارگزار صنعت نفت بود در مبارزات ملی کردن نفت شرکت داشت و چند بار هم دستگیر شد و این باعث شده بود که خانها از جوسیا سی بر خوردار با شور و هیجان از همان دوران کودکی با سیاست آشنا گشت رفیق تحصیلات ابتدائی را در آغاجاری و سپس در محله آسپه آباد آغاجاری طی داد اما مدتی نگذشت که توان رفتن به آلودنگ شینان را هوارزا از نزدیک می دید و آتش کینه و تنفر نسبت به تمام دشمنان - کارگران و زحمتکشان در وجودش شعله ور میشد سپس رفیق برای ادامه تحصیلاتش به تهران آمد و در هنرستان فنی در رشته راه و ساختمان مشغول شد رفیق ضمن تحصیل بکار هم مشغول بود و همزمان با آغاز حرکت اعتراضی توده ها بود که رفیق مبارزات خویش را علیه دیکتاتور عیان گسیخته شاه گسترش داد و در اوج مبارزات توده ها از پرتو باک و کتلت به وا حدهای گشتی دشمن در دوران حکومت نظامی گرفتگی تا خلق سلاح و تسخیر پادگانهای رژیم شاه فعلا لانه شرکت داشت و در همین دوران بود که با مواضع سازمان پرافتخار - چریکهای فدائی خلق ایران آشنا شد و بعد از زپیروزی قیام در جهت آگاهی دادن و تشکل توده ها و بردن مواضع سازمان به میان کارگران و زحمتکشان رفت و با زدن بساط کتاب و نوارهای انقلابی سازمان و بخش اعلامیه و نشریه کار در محله های زحمتکشان به وظایف انقلابی خود عمل میکرد، در جریان انشعاب علیبرغم سمیاشی های مسئول تشکیلاتی اش کسبه از خائنین اکثریتی بود قاطعانه مواضع سازمان را پذیرفت و حتی قبل از انتشار اولین نشریه کارگران انشعاب فعالیت خستگی ناپذیر خود را با سازمان آغاز کرد و در چند ماه اخیر در بخش نظامی سازمان مشغول بکار شد و سرانجام در ۳۰ شهریور ماه ۶۰ به همراه دو همزمزمش رفیق لقمان و رفیق حسن دستگیر و در تاریخ ۵ مهر به جوخه اعدا مسپرده شد، در باز دیدار از حسن رفیق محمود مشا هده شد که گوشش بریده شده و یک تیر از گونه راست وارد و از گونه چپ خارج شده است و با مناسبت جنایت رژیم کتونی در تاریخ شبت خواهد شد.

روز یکشنبه ۱۳ مهر مراسمی ارسبوی
بجیه در صفحه ۱۸



گرامی باد خاطره فدائی خلق رفیق حسن جلالی نائینی

حسن جلالی: در آبان ۱۳۳۵ در تهران در خانواده ای متوسط با به عرصه وجود نهاد، تحصیلات ابتدائی و متوسطه خویش را در تهران گذرانید، فعالیت های سیاسی خود را از سالهای آخر دبیرستان آغاز کرد.

در سال ۱۳۵۴ به دانشگاه صنعتی رشته مهندسی مکانیک راه یافت و در آنجا به فعالیت های سیاسی خود در سطوح عالیتری ادامه داد.

در میان دوستان و آشنا یان خود همواره به عنوان جوانی پرشور، متواضع، شجاع و مردم دوست معروف بود. او استعداد های خویش را در جمیع جهات پرورش داده بود از این رو با وجود سن کم خویش از دانش و فن و هنر و ورزش بهره ها داشت. آنچه میدانست را با تمام هستی خویش فرار گرفته بود و با تمام هستی خویش آن را در اختیار خلق خویش قرار داد. او در قیام ۵۷ نقش بسیار فعالی ایفا کرد و پس از آن نیز همواره در سنگر کارگران و زحمتکشان و بخاطر آزمان توده های محروم خلق به مبارزه ادامه میداد از حدود سه ماه پیش - رفیق بدلیل قابلیت های که از خود نشان داده بود به بخش نظامی سازمان منتقل شد و در چند عمل نظامی و جمله به مراکز سرکوب رژیم شرکت کرد و سرانجام در تاریخ ۳۰ شهریور از آنجا که مسلح نبود توسط پاسداران سرما به دستگیر و در تاریخ ۵ مهر پس از تحمل شکنجه های بسیار و شهادت رسید، بر روی جسد رفیق آثار شکنجه روی کتف راست و آثار بریدگی بر میج دستها دیده میشد و یک تیر نیز بر قلبش شلیک شده بود، این جنایات در حالی صورت میگرفت که رژیم با وقاحت تمام وجود هرگونه شکنجه را انکار می نماید.

**چهره های
در کردستان شمالی
علیه خلق کرد
متحد شده اند**
در صفحه ۶

بنک است خون من در دست کارگر
دائمی است خون من در دست پرورگر

گرامی باد خاطره فدائی خلق رفیق لقمان مدائن



رفیق شهید لقمان، در آذر ماه ۱۳۳۴ در خانواده ای کارگری در محله نظام آباد تهران متولد شد دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی را در همین محله طی کرد و در سال ۴۲ به همراه خانواده به محله کارگرنشین افسریه در شرق تهران رفت. در آنجا بود که با دردمند و فقر آشنا شد، سرکوب رژیم شاه تحت عنوان خارج از محدوده محله افسریه را نیز در بر میگرفت و او در مبارزه با سرکوبگران رژیم نقش ارزنده ای داشت. دوران دبیرستان و هنرستان را به همراه کار در تابستانها سپری نمود و پس از اخذ دیپلم برق، بکمال به فروشنده کتبی لباس اشتغال داشت و در آبان ۵۳ به سرپازی رفت و با درجه گروهبان مشغول و وظیفه درینه مخابرات لوپوزان مشغول بکار شد. پس از دوره سرپازی در کارخانه رنوبینر و ان تکنیسین برق استخدام گردید. رفیق پس از قیام نیز در محله افسریه فعالیت سیاسی را گسترش داد. خلافت رفیق در امر سازماندهی توده ای کم نظیر بود. در مقطع انشعاب فعالانه به طرفداری خائنین اکثریتی هست گماشت و در خرداد ۵۹ بعد سه ماه دستگیر و بازداشت شد و در این مدت در زندان نیز به تبلیغ مواضع سازمان ادامه داد. رفیق قابلیت بسیاری در پیشبرد و نظافت انقلابی از خود نشان میداد و علیبرغم اینکه تحت پیگرد مزدوران رژیم قرار داشت هیچگاه ارتباطش را با محله افسریه قطع نکرد. عشق او به توده های زحمتکش باعث میشد که گاهی شبها از ساعت ۱ تا ۴ صبح به بخش اعلامیه در محل میبرد و اخت تا توده ها را به واقعیات موجود ما هیست ضد خلقی رژیم آگاه سازد. سرانجام رفیق در روز ۲۰ آذر ۶۰ در شهر یورد ساعت ۶ بعد از ظهر حوالی خیابان مصدق به انفاسق در رفیق دیگر دستگیر شد و بجرم داشتن جلد اسلحه هر سه رفیق پس از تحمل شکنجه های بسیار در روز یکشنبه ۵ مهر به اتفاق ۴۰ نفر از مجاهدین خلق بجوخه اعدا مسپرده شد، از آنجا که جسد رفیق و دو همزمزمش به خانواده تحویل نشده بود و این امکان وجود داشت که رفیق را شکنجه شهید شده - بقیه در صفحه ۱۸

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد